راهبردهای رسانه‌ای در موضوع همت و تلاش

محمد سلیمی



بسم الله الرحمن الرحیم

راهبردهای رسانه ای در موضوع همت و تلاش

نویسنده:

محمد سلیمی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راهبردهای رسانه ای در موضوع همت و تلاش

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمی، محمد، ۱۳۴۲-

عنوان و نام پدیدآور : راهبردهای رسانه ای در موضوع همت و تلاش/ به کوشش محمد سلیمی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : [۴]،۱۴۶ ص.: جدول.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۱۶۱۰.

ویژه سال همت مضاعف، کار مضاعف؛ ۲.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۲۳-۱

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری/فاپا

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۱۸ - -- نظریه درباره تلاش و تقلا

موضوع : تلاش و تقلا -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : متخصصان رسانه های گروهی -- ایران -- مصاحبه ها

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۳/س۸ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۱۱۳۲۵

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

ص: ۵

پیش گفتار

و خداونـد شـکر خود را بر عهـده شـما گـذارده و کار حکومت خویش را به دست شـما سپرده، و شـما را در میـدانی محـدود فرصت بخشـیده، تا برای جایزه با یکـدیگر بستیزیـد، پس کمربنـدها را محکم کنیـد و دامن همت به کمر زنید، که تصـمیمات بزرگ و ارزشـمند با مهمانی و خوشـگذرانی جمع نمی گردد، چه بسـیار خواب های _ شبانگاه _ که تصمیمات روز را درهم شکست وچه بسیار تاریکی های فراموشی، که همت های بلند را از بین برد. (۱)

«کـار و تلاش»، جوهره وجودی انسان را محقق ساخته و ارزش او را نمایان می کنـد و سـپس او را شایسـته پاداش و عقاب می گردانـد. به همین جهت سـستی و دون همتی و یا دلبسـته ماندن و قناعت کردن به اهداف کوچک و پست، انسان را از رشد و تعالی بازداشته و از بسیاری خیرات محروم می نماید و همت های بلند و دغدغه های والا و تلاش برای تحقق آن حیاتی برتر و آینده ای روشن تر را نوید می دهد.

اساساً «همت» و «کـار و تلاش» به مثابه دو بال، هر دو برای پروازی متوازن و موفق ضـروری است. «همت» انسان را از حال به آینده می برد و با ترسـیم چشم اندازی روشن از آن او را انگیزه، امید و بصیرت می بخشد، و در مقابل «کار و تلاش» امید وی را تصدیق کرده و گام هایش را استوارتر و آرزوهایش را به تحقیق نزدیک تر می سازد.

ص: ۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱.

بـا این وصـف همت هـای عـالی و تلاش هـای خسـتگی ناپـذیر ــ بیش از همه ــ از امتیـازات بزرگـانی چون پیـامبران الهی و اوصیای آنان و نیز مصلحان و عالمانی است که علو همت، و چشم انداز عزم آنان، هم افق با هدایت و سعادت یک امت، بلکه یک تاریخ است.

نـام گـذاری سـال جاری از سوی مقام معظم رهبری به عنوان «همت مضاعف، کار مضاعف» رسالت خطیری را برعهـده رسانه ملی ــ به عنوان نهادی فرهنگ ساز ــ می گذارد که نیازمند پژوهش، برنامه ریزی و تلاش جمعی است.

نوشـته حاضـر حاصل پژوهشـی است که بر اساس مصاحبه های علمی با تنی چنـد از صاحبنظران (حوزه فرهنگ و رسانه) و نیز انجـام مطالعـاتی در این حوزه و دقت در تجربیـات گذشـته رسـانه تنظیم گردیـده است. قابـل ذکر است برای آنکه راهبردهای پیشـنهادی با دیدی دقیق و جامع و با عنایت به وضـعیت کلان جامعه پیشنهاد شود ابتدا موضوع همت و تلاش و ابعاد مربوط به آن در عرصه کلان جامعه و با عنایت به شرایط موجود فرهنگی ــ اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است و مسائلی مانند علل و عوامـل، راهکارهـا، ظرفیت ها و اسـتعدادهای موجود بررسـی گردیـده است و پس از آن نقش رسانه در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. از این رو این نوشته عمدتاً مشتمل بر سه بخش کلی است:

بخش اول: همت و تلاش در عرصه کشور

بخش دوم: راهبردهای رسانه ای

بخش سوم: متن مصاحبه ها

قابل ذکر است بخش دوم یعنی راهبردهای رسانه ای در قسمت های زیر ارائه گردیده است.

۱. اهداف کلان

۲. سیاست ها و راهبردها

۳. محورهای محتوایی

۴. برنامه سازی و ایده پردازی

ضمن تشکر از صاحبنظران عزیز جناب آقای پورمحمدی (ریاست محترم شبکه سه سیما)، جناب حجت الاسلام و المسلمین حسین رحیم زاده (مدیر سابق گروه معارف اسلامی شبکه سیما و مشاور عالی سیما فیلم)، جناب حجت الاسلام دکتر صادقی (ریاست سابق مرکز پژوهش های اسلامی و دانشکده صدا و سیما و استاد حوزه و دانشگاه)، جناب حجت الاسلام لطفی نیاسر (مدیر رادیو معارف) و جناب آقای مهندس عباس معلمی (محقق و صاحبنظر در حوزه فرهنگ و رسانه) که بخشی از اوقات ارزشمند خویش را به این کار اختصاص داده اند، از زحمات پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر محمد سلیمی که به تنظیم و تدوین این مجموعه همت گماشته و نیز همکاری های سایر عزیزان، خاصه پژوهشگر عزیز جناب آقای مجید خبازی صمیمانه تشکر می کنیم.

امید که این مختصر، عزیزان همکار را در رسانه ملی یاریگر باشد.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۹

...

بخش اول: همت و تلاش در عرصه کشور

همت و تلاش مضاعف ضرورتی اجتناب ناپذیر

آرزوهای بلند و اهداف ارزشمند، بدون همت و کوشش مستمر، دست یافتنی نیست. هر فرد یا ملتی که می خواهد به قله های پیشرفت دست یابد و سنگرهای کلیدی موفقیت و رستگاری را فتح نماید باید از تن آسایی و سستی و غفلت پرهیز کند، فرصت ها را غنیمت بشمارد، ظرفیت ها، توانایی ها و استعدادهای خویش را با فراست دریابد و با تمام توان خویش، مشتاقانه و بدون وقفه، به سمت آرمان های خود حرکت کند.

بنابراین، هرچه همت والاتر و تلاش بیشتر، ارزش و منزلت فرد والاتر خواهد شد. در این زمینه امام باقر۷ می فرماید:

لا شَرَفَ كَبُعْدِ الْهِمَّه

هیچ شرافتی بالاتر از بلندهمتی نیست.

بی تردید منظور از این همت، همتی است که با کار و تلاش تصدیق و پیگیری شود.

انقلاب اسلامی و تحولات پس از آن نیز مرهون همت و تلاش و مجاهدت بزرگ مردی چون امام خمینی= و دیگر عالمان سخت کوش و مجاهد، شهدا و ایثارگران بسیاری است که در این مسیر از هیچ گونه تلاش و

ص: ۱۱

فـداکاری دریغ نکردنـد و موانع بزرگی را پشت سـر گذاردنـد. ادامه این حرکت عظیم و تحقق اهـداف و شـعارهای این نظـام مبارک نیز مستلزم تلاش ها و کوشش هایی است که با خواسته ها و امیال پست و زودگذر بسیار فاصله دارد.

اساساً، همت و تلاش، ضـرورتی مسـتمر و همیشـگی و ضامن تحقق شـعارها و اهداف یک جامعه پیشرو و انقلابی، چون ایران اسلامی است، ولی عنایت خاص مقام معظم رهبری، در شرایط فعلی کشور، به این موضوع، به تأمل جداگانه ای نیاز دارد.

در این زمینه، ممکن است چند دیدگاه طرح شود.

 دیـدگاه اول اینکه دولت موجود کم کـاری داشـته و لـذا جـامعه دچـار عقب افتادگی شـده است. لـذا جامعه نیاز به همت و تلاـش مضـاعف است. البته این دیـدگاه نگـاهی کاملاًـ بـدبینانه و غیرواقعی است که بـا سایر فرمایشات رهبری نیز در تعارض است.

 دیدگاه دوم اینکه چون سال گذشته انتخابات انجام شده و حوادثی پدید آمد که بسیاری از فعالیت های مملکت تعطیل شد و در بخش داخلی و خـارجی آسـیب هـای زیـادی دیـدیم، لـذا بایـد این وقفه هـا را بـا کار و تلاش مضاعف جبران کنیم. این دیدگاه تا حدودی درست است و واقعیت دارد، اما نگاهی محدود به شمار می آید که بیانگر همه ابعاد مسئله نیست.

دیـدگاه سوم این است که نـام گـذاری امسـال جـدا از سـال هـای قبـل نبوده و مقـام معظم رهبری، به عنوان عالی ترین فرد در سیاست گذاری کلان کشور، نام گذاری هر سال از جمله سال جاری را با عنایت به پارامترهای اساسی

جامعه و ملاحظاتی معیّن و مطابق با طرحی جامع عنوان می کنند که اهم آنها را می توان این گونه برشمرد:

ـ اهداف اصلی و بلندمدت انقلاب اسلامی، برای اعتلای معنوی و اخلاقی جامعه؛

ـ برنامه چشم انداز بیست ساله و رسیدن به قله ای که ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام به شمار آ ید؛

ـ ملاحظه روند حرکت جامعه به سوی پیشرفت، همراه با عدالت؛

ـ ظرفیت ها و توانایی های کافی برای طرح این شعار، که جهش های انجام شده در سال های گذشته، در عرصه های علوم و تکنولوژی هسته ای، نانوتکنولوژی، صنایع پرتاب موشک های جنگی و موشک های ماهواره بر و... نشان دهنده مناسبت ترین زمان برای خیزشی گسترده و عمومی سازی این جهش ها و پیشرفت هاست.

متن پیام مقام معظم رهبری، پس از راه پیمایی بیست و دوم بهمن ۱۳۸۸ به مردم ایران نیز مؤید این است که زمینه لازم برای این حرکت عمومی مساعد و مناسب است. ایشان در قسمتی از پیام مذکور می فرمایند:

دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت راه خود را شناخته و تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قله پیشرفت و سعادت با تکیه بر خداوند و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه بر خواهد داشت.

همه این نکات و پارامترها از جهت امور داخلی قابل توجه است، اما مسئله مهم تر جنبه خارجی است. همان طور که می دانیم، مهم ترین شاخصه انقلاب اسلامی در بعد خارجی، استکبارستیزی و طرف داری از محرومین و

مستضعفین است. نظام اسلامی در این روند، به نظام استکباری امریکا ضربه هایی وارد کرده و باعث بیداری مسلمانان و جان گرفتن مردم فلسطین و نیز بسیاری از تغییرات دیگر شده است. سال گذشته در درگیری بزرگی که بین جمهوری اسلامی و امریکا اتفاق افتاد، امریکا یکی از پیچیده ترین الگوهای خود، یعنی ایجاد انقلاب رنگین و جنگ نرم را به کار گرفت و در این زمینه، با وجود فعالیت های گسترده شکست خورد. بیانات ضد و نقیض سران استکبار به خوبی این مسئله را نشان می دهد. ازاین رو، برای نظام اسلامی و مردم انقلابی فصلی جدید از ابتکار عمل گشوده شد که باید فرصت های به دست آمده را با همت و تلاش مضاعف، مغتنم شمرد. همان طور که رهبری فرمودند، فصل تازه ای در بصیرت جامعه ایران گشوده شده است. این حرکت و همت عظیم مردم در سال ۱۳۸۸، در مقابله با توطئه های دشمن، آن هم در شرایطی که تجربه چندانی در مقابله با این گونه معضلات نداشت، بهترین شاهد برای مناسب بودن فرصت برای توسعه این همت و تلاش، در همه عرصه ها از جمله عرصه تولید علم و فن آوری و مقابله با تهاجم فرهنگی، و بلکه حمله فرهنگی به دشمن و افشای ماهیت فاسد فرهنگ مادی، عرصه توسعه صنایع پیشرفته، عرصه توسعه اقتصادی و... حتی عرصه سلامت و ورزش است و در سایه همت و تلاش، اهداف بلند انقلاب اسلامی، همان گونه که امام خمینی= به آن امیدوار بودند و تأکید کردند که «من با اطمینان می گویم که اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد.» محقق شدنی است.

اکنون شرایط و موقعیت از هر جهت آماده است و کمبود امکانات یا مسائل دیگر نمی تواند دلیل موجهی برای سستی باشد.

ص: ۱۴

کاربرد واژه «مضاعف» در نام گذاری سال

نکته دیگری که در نـام گـذاری این سـال اهمیت دارد، کـاربرد واژه مضـاعف به معنای دو برابر یا بیشتر (چنـدین برابر) است، درحالی که امکان اسـتفاده از صـفات دیگری ماننـد بیشتر، والا، شدید، زیاد، مجدانه و... در این نام گذاری نیز وجود داشت و چه بسـا این نوع واژه ها از نظر ادبی جالب تر نیز بودنـد. ولی نکته ظریفی که در انتخاب این واژه نهفته این است که، علاوه بر کمّی بودن مسئله، مقایسه موصوف نسبت به قبل آن هم، به ارزش دو یا چند برابر طرح است. به همین دلیل هنگامی که سخن از مضاعف به میان می آید، بلافاصله ذهن نیز به این سو هدایت می شود که دفعات برتری موضوع را نسبت به قبل دریابد. دو برابر یا سه برابر یا... .

چنان که در آیات شریف قرآن کریم، از این واژه برای پاداش خیرات استفاده شده است:

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ. (حدید: ۱۸)

همانا مردان و زنانی که در راه خـدا صـدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند، خدا (نیکی) آنها را چندین برابر سازد و پاداش با لطف و کرامت نیز عطا کند.

همچنین خداوند در آیه ای دیگر این واژه را برای پاداش چندین برابر به کار می برد.

مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّئَةُ حَبَّةٍ وَاللّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (بقره:۲۶۲)

آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند، به مانند دانه ای است که از یک دانه هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد (که یک دانه هفت صد شود) و خدا از این مقدار نیز بر هر که خواهد بیفزاید، چه خدا در رحمت بی منتهاست و به همه چیز احاطه دارد.

بنابراین طرح این واژه برای نام گذاری سال جاری، انتظار ویژ ه ای را در زمینه تلاشگری مطرح می کند. این انتظار در مقایسه با قبل باید برتری ویژه ای داشته باشد که این برتری، قابل اندازه گیری عینی و کمّی است و بایسته و شایسته است در ارزیابی ها، قدردانی ها و پاداش دادن ها، به حساب آمده و مبنای محاسبه قرار گیرد.

همت و تلاش، دو بال برای پرواز

چرا همت و تلاش هر دو مد نظر است و باید هر دو مورد تأکید باشند؟ چرا همت و تلاش، به تنهایی طرح نشده اند.

همت بلند داشتن، به معنای تعیین اهداف بزرگ و دغدغه های اساسی است. همت بلند، افق های روشن و دوردست را در برابر انسان می گشاید و امید و انگیزه و عزم را در انسان زنده می کند و به تلاش های انسان معنا می دهد و آنها را در رسیدن به هدفی معیّن سامان بخشیده و متمرکز می کند و از سستی و هرزروی می کاهد. به همین جهت حضرت صادق۷ همت بلند را از لوازم حتمی رسیدن به مقامات عالی و اهداف بلند برشمرده است.

ثَلاثٌ یُحْجِزْنَ الْمَرْءُ عَنْ طَلَبِ الْمَعالی، قصر الهمه، و قله الحیله، و ضعف الرأی. (۱)

ص: ۱۶

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۸.

سه چیز انسان را از پیگیری به مقامامت عالی و اهـداف بلنـد باز می دارد، کوتاهی همت، چاره انـدیش نبودن (یا بیچارگی) و سستی اندیشه.

امام علی۷ ارزش و قیمت فرد را بر اساس میزان همت وی می داند:

قَدرُ الرَّجلِ علی قَدْرِ همته. (۱)

ارزش هر مرد به میزان همت اوست.

امـا این همت بـدون تلاـش های پیگیر و مسـتمر به ثمر نمی نشـیند. همیشه همت های بلنـد، به آفاتی چون سـستی، فراموشـی، غفلت و... همراه است. لذا حضرت ایشان دراین باره می فرماید:

لا تَجْتَمِعُ الْعَزِیمَهَ وَ وَلیمَه، ما اَنْقَضَ النَّومَ لِعَزَائم الیوم و امحی الظُّلَمْ لِتَذاکیر الهِمَمْ.(۲)

به دست آوردن ارزش های والا با خوش گذرانی و سورچرانی میسر نیست. چه بسا خواب هایی که تصمیم های روز را از بین برده و تاریکی های فراموشی که همت های بلند را نابود کرده است.

بنـابراین، همت و کـار و تلاـش را می توان به مشـابه دو بال دانست که هر دو برای پرواز و اوج گیری متعادل و موفق ضـروری است. همت بلنـد، تلاش بسیاری را اقتضا می کنـد و تلاش و کار زیاد، افق های تازه ای را می گشاید و همت های بیشتری را زنده می کند.

البته دو دیدگاه منفی در این زمینه وجود دارد، اول آنکه برخی چون کار را امری مخالف لذت و راحتی می دانند، با قناعت و بهره منـدی پـایین، از همت بالاـ و کار مضاعف سـر باز می زننـد، درحالی که کار و همت والا، خلاف لـذت و راحتی نیست، بلکه در غالب مواقع، همت و تلاش بالا مایه لذت های پایدار و

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۱۷ و ۱۴۹.

۲- همان، خطبه ۲۴۱.

بهره مندی های اساسی است و همچنین معنای صحیح قناعت نیز، کم کاری و سستی نیست.

دیدگاه دیگر آن است که بسیاری به بهانه نبود امکانات و شرایط مناسب، از تلاش و همت مضاعف سر باز می زنند که این نیز دیدگاه اشتباهی است، چون اصل در موفقیت انسان، باورها و انگیزهاست و با بلندهمتی می توان هم امکانات و شرایط لازم را فراهم کرد و هم با کمترین امکانات به بهترین نتیجه رسید.

راهکارهای عملیاتی شدن

اشاره

به طور مسلم نام گذاری سال ها یک شعار صرف نیست، بلکه یک استراتژی عمومی است که باید در همه فعالیت ها نصب العین قرار گیرد و جامه عمل بپوشد. تحقق این شعار در جامعه را در دو سطح بسیار کلی می توان مد نظر قرار داد:

الف) سطح فردی و خانوادگی

افراد و نیز خانواده ها، هر یک برای خود آمال و آرزوهای خاصی دارند. البته این آرمان ها و آرزوها از عوامل بسیاری مانند بستر فرهنگی جامعه، رسانه ها و گذشته تاریخی و... اثر می پذیرد، ولی هر فرد یا خانواده ای می تواند به سهم خود درباره آمال و آرزوها، تجدید نظر کند و آنها را تغییر دهد یا تثبیت کند. نکته مهم آن است که آمال و آرزوها تا وقتی به اهداف مشخص و معیّن تبدیل نشده و راه های دست یافتن به آنها پیدا نشده و اجمالاً برای آنها برنامه ریزی نشده است، در واقع همتی صورت نگرفته است و در مرحله آرزو باقی مانده است. هنگامی که آرزوها به اهدافی معیّن و مشخص تبدیل شوند، باید عزم و تصمیم جدی نیز برای پیگیری و انجام آن به وجود آید و از آن پس، با کار و

ص: ۱۸

تلاش پیگیر به مرحله تحقق نزدیک شود. به طور کلی، آرزوها، بدون همت و عزم محقق نمی شود و همت نیز بدون تلاش عملی به نتیجه نمی رسد.

بنابراین، هر فرد یا خانواده، در حیطه توان و تکلیف خویش باید در مقاصد و اهداف خود تجدیدنظر کرده و سپس راه های رسیدن به آن، مانند تغییر کمیت (زمان) و کیفیت کار و تلاش، ساعات کار، روش ها و... را اصلاح کند و با پیمانی محکم با خود، عزم خویش را جزم و در آن مسیر حرکت کند و از این طریق می تواند مقاصد عالی خود را به تحقق نزدیک نماید.

ب) سطح سازمانی (خصوصی و دولتی)

تحقق همت و تلاش مضاعف در سطح سازمان ها، نیازمند رعایت ظرافت های مدیریتی و حساسیت های خاص فعالیت های سازمانی است.

به طور کلی، برای ایجاد همت و تلاش مضاعف در سازمان ها، اقدامات زیر، جزو مهم ترین و اصلی ترین فعالیت هایی است که باید مد نظر قرار گیرد:

۱. شناخت فرصت ها و ظرفیت ها و استعدادهای سازمانی موجود و آگاهی از موانع و آسیب های مربوط به همت و تلاش بیشتر؛

۲. بازنگری اهداف و برنامه های سازمان، متناسب با این رویکرد؛

۳. تقویت فرهنگ سازمانی و تشویق و ترغیب به همکاری جمعی و عزم سازمانی برای رسیدن به اهداف سازمانی از طریق تبیین ضرورت و آثار مثبت آن برای کارکنان و کل سازمان؛

۴. اصلاح ساختارهای گردش کار، متناسب با همت و تلاش مضاعف و اهداف تعیین شده؛

۵. اصلاح نظام ارزیابی های سازمانی، به گونه ای که نتایج تلاش و همت کارکنان را بهتر و دقیق تر نشان دهد؛

۶. بازنگری در نظام تشویق و تنبیه و اصلاح آن، متناسب با همت و کار بیشتر، به گونه ای که تشویق ها و تنبیه ها، در راستای این مهم قرار گیرد؛

۷. افزایش مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها. از آنجا که مشارکت کارکنان در افزایش انگیزه آنان اثر تعیین کننده ای دارد، توجه به رویه هایی که مشارکت کارکنان را در تصمیم گیری ها افزایش دهد، تأثیر مهمی در افزایش همت و تلاش کارکنان دارد؛

۸. بازنگری دائمی و دوره ای روش ها و رویه های انجام کار و اصلاح آنها از راه های رسمی و غیر رسمی و تشویق مالی و معنوی خلاقیت ها و ابتکارات در این زمینه، در قالب نظام پیشنهادها و روش های ارتقای بهره وری سازمانی و... .

ج) سطح عمومی جامعه

نخست برای تحقق این شعار در سطح عمومی جامعه باید به دو نکته توجه داشت:

 اول آنکه تحقق این شعار نیازمند هماهنگی و همراهی و تعامل مثبت همه دستگاه های فرهنگی و اجرایی و یاری متقابل آنهاست.

 دوم اینکه فرهنگ سازی (در حیطه ایجاد انگیزه، ترغیب، علم و دانش و نیز الگودهی رفتاری) از لوازم اصلی پایداری و تعمیق این حرکت ارزشمند و

ص: ۲۰

مقدس به شمار می آید که بدون آن نتیجه تلاش های مربوطه، به تأثیراتی کوتاه مدت محدود خواهد شد، اما به هر حال کلیت نظام اسلامی برای ایفای نقش، نیازمند اقدامات، فعالیت ها و ایجاد سازوکارهایی است که مهم ترین آنها را برمی شماریم.

ـ شناخت فرصت ها، ظرفیت ها و استعدادهای موجود در جامعه و بهره مندی از تجارب مربوط به موفقیت های به دست آمده، خصوصاً در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در صورت لزوم تجربیات کسب شده در دیگر جوامع و بومی سازی آنها؛

ـ شناخت موانع و آسیب های جامعه در این ارتباط، خصوصاً آسیب ها، موانع و ضعف های فرهنگی، مانند فرهنگ آماده خوری، فرهنگ عزلت گزینی، عرفان های انحرافی و... که در بخش های بعد به آن خواهیم پرداخت.

ـ تبیین چشم اندازها و اهداف روشن انقلاب اسلامی به صورت مشخص تر و تبلیغ ضرورت همت مضاعف و تلاش مضاعف، برای رسیدن به آن اهداف ارزشمند؛

ـ افزایش مشارکت عمومی در کارها، در بخش های دولتی و خصوصی، از طریق اصلاح ضوابط، مقررات و ساختارهای قانونی و عمومی و نیز افزایش مشارکت بخش خصوصی، در تصدی فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و پیگیری جدی روند خصوصی سازی ها،

ـ تشویق الگوهای همت و پشتکار عالی جامعه، خصوصاً در زمینه تولید علم و فن آوری، کار و صنعت، کشاورزی و فرهنگی؛

ـ یادآوری و تشریح موفقیت های بسیار ارزشمند و چشم گیر دانشمندان، صنعتگران و... در زمینه های گوناگون، از جمله علوم و تکنولوژی هسته ای، نانوتکنولوژی، لیزری، هوافضا و کشاورزی و تحلیل امکان عمومی شدن آن

موفقیت ها، در همه سطوح و زمینه ها، برای ایجاد باور و عزمی عمومی در این مورد که «ما می توانیم».

_ تشویق خلاقیت و ابتکار عمل در خصوص تغییر رویه های ناکارآمد و نامناسب انجام کارها.

ظرفیت ها و استعدادهای موجود کشور در راستای شکوفاسازی موضوع سال

جامعه و نظام جمهوری اسلامی ایران، از ظرفیت های عمومی و نیز استعدادهای خاصی برای تحقق این شعار برخوردار است که استفاده هوشمندانه و صحیح از این استعدادها و ظرفیت های کم نظیر و گاهی بی نظیر، می تواند نتایج و ثمرات چشم گیری را به ارمغان آورد. برای تأکید بیشتر، مهم ترین استعدادها و ظرفیت ها را برمی شماریم:

_ انگیزه و توان مندی بالای مردم، برای تلاش و فداکاری در جهت دفاع از ارزش ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی و تحقق هدف ها و آرمان های بلند آن، که این علاقه مندی و دلبستگی از سوی قاطبه مردم، بارها به نمایش گذاشته شده و در سال گذشته، به صورت مقابله با برخی ناآرامی ها و فتنه ها به وضوح به نمایش درآمد. هنگامی که این احساس با آگاهی بخشی و هوشیاری و برنامه ریزی های صحیح، به همت و تلاش مضاعف، در زمینه های گوناگون معطوف شود، نتایج چشم گیری را به بار خواهد آورد؛

_ وجود انگیزه های معنوی و دینی در عموم مردم که می تواند مبنای بسیاری از تلاش ها و فداکاری های اجتماعی و در نتیجه تحولات اساسی قرار گیرد. تجربه های گذشته نیز نشان داده که وجود این انگیزه ها، با مدیریت

مناسب، امور غیر ممکن را ممکن ساخته و سبب تحولات معجزه آسایی شده است؛

ـ درک و تجربه کافی بسیاری از مدیران سطوح بالا و میانی نظام، در این زمینه و زمینه های مشابه. این مورد بر خلاف سال های اول پیروزی انقلاب اسلامی است که با وجود شدت انگیزه عمومی، مدیران از توان، تجربه و مهارت کافی برخوردار نبودند، گرچه مواردی از بی توجهی و غفلت نیز مشاهده می گردد.

ـ جمعیت جوان جامعه اسلامی، به خلاف نظر برخی، که وجود این جمعیت جوان یک تهدید و مشکل بزرگ است، وجود انگیزه ها و پتانسیل بالای جوانان، یک فرصت بسیار ارزشمند به شمار می آید. چنان که بسیاری از جهش ها و پیشرفت های حیرت آور پیشتازان و طلایه داران علم و تکنولوژی به خاطر وجود جوانان بوده است. وجود دانشمندان جوان در بخش های هسته ای، نانو و... و نیز وجود بسیاری از مدیران جوان و موفق، نشانه خوبی است که انتخاب مناسب و به کارگیری صحیح جوانان در امور مهم تا چه حد می تواند تعیین کننده باشد. اساساً جوانان متعهد و باانگیزه، از ارزشمندترین سرمایه های اجتماعی به شمار می آیند به خصوص که بخش وسیعی از آنان تحصیل کرده و با دنیای فعلی آشنا هستند و به فراگیری دانش و تحصیل نیز علاقه مندند؛

ـ هوش بالای ایرانی و توان به کارگیری آنان برای رشد سریع و حرکتی شتابان، امری انکارناپذیر است که جهانیان آن را قبول دارند و بسیاری از ایرانیان جزو پژوهشگران و دانشمندان مراکز علمی غرب هستند؛

ص: ۲۳

ــ جهش های چند ساله اخیر در زمینه اختراعات و تکنولوژی؛

ــ تجربیات ملت ایران در سه دهه پس از انقلاب اسلامی و وجود الگوهای برتر همت و تلاش، به خصوص در قشر شهدا، ایثارگران، مبتکران، مخترعان و... .

مهم ترین عوامل اثرگذار بر شکل گیری همت و تلاش

الف) ارتقا و افزایش آگاهی ها در خصوص ضرورت موضوع سال

تبیین ضرورت، اهمیت و حساسیت مسئله همت و کار و تلاش مضاعف، به خصوص ضرورت آن در مقابله با دنیای استکبار از نیازهای حتمی حرکت به سمت همت و تلاش مضاعف است.

ــ تبیین نقش اساسی همت و پشتکار و تلاش به عنوان اصلی ترین عامل موفقیت و نیل به اهداف و نقش هوش و استعداد و توان و امکانات، به عنوان عامل درجه دوم و سوم. چنان که تجربه نشان داده، انسان های بلندهمت، با کمترین امکانات به موفقیت های علمی و اجتماعی مهمی دست یافتند.

ــ تبیین فرصت ها و امکانات موجود که به برکت انقلاب اسلامی و به صورت خدادادی در اختیار مردم قرار گرفته است. در بسیاری اوقات، بی خبری یا غفلت از این داشته ها، سبب می شود بسیاری افراد در عین برخورداری و توانایی، خود را ناتوان ببینند. لذا یادآوری این فرصت ها، در ترغیب و تشویق برای استفاده از آنها، در راستای اهداف مورد نظر، اثر مثبت دارد.

ب) ارتقای انگیزه ها و روحیات

ــ ایجاد روحیه خودباوری و اعتماد به نفس و توکل، از طریق یادآوری فعالیت های به ثمر نشسته و پیشرفت های انجام شده و نیز یادآوری آموزه های

دینی، اخلاقی و ملی، درباره ضرورت اعتماد به خداوند و استمداد از وی و اتکا به خود و تشویق همت های عالی و تلاش در راستای آن و تعمیق باور «ما می توانیم».

ـ ایجاد روحیه امید به آینده، از طریق نشان دادن چشم اندازهای روشن از آینده و تلاش ها و فداکاری ها و نیز عنایات الهی از گذشته تاکنون به ملت مؤمن ایران.

ـ ایجاد و تقویت روحیه شجاعت، برای دست زدن به کارهای بزرگ و پیگیری اهداف والاتر و ارزشمندتر.

ج) اصلاح عملکردها و الگوهای رفتاری

ـ اطلاع رسانی و آموزش در زمینه مهارت های مربوط به همت و کار تلاش مضاعف؛

ـ ایجاد زمینه های مناسب عینی که امکان فعالیت بیشتر را میسر می سازند، (مانند مشارکت و رفع موانع قانونی و...)،

ـ اصلاح نظام ارزیابی و تشویق و تنبیه مناسب در سازمان ها؛

ـ معرفی الگوهای متعالی و یا برتر، از بزرگان علمی و دینی معاصر و گذشته؛ مانند علامه طباطبایی، شیخ مفید، علامه بحرالعلوم، دکتر سید جعفر شهیدی، پرفسور حسابی و نشان دادن تلاش و همت بلند آنان، برای رسیدن به اهداف مقدس و ارزشمند.

موانع، آسیب ها و تهدیدهای پیش رو

اشاره

همواره تهاجم فرهنگی و نیز توطئه های گوناگون دشمن، به عنوان تهدیدی قابل توجه برای انقلاب مطرح بوده است، ولی تا وقتی در برابر این ترفندها و

ص: ۲۵

تهدیدها، مواضع مناسبی اتخاذ شده و در نتیجه به ضعف ها و مشکلات جدی تبدیل نشوند عامل مؤثری محسوب نمی شوند. ازآنجاکه این تهاجم ها و توطئه ها، اصالت های فرهنگی جامعه، اعم از نگرش ها و گرایش ها و الگوهای رفتاری را نشانه رفته است. ما نیز مهم ترین ضعف ها و تهدیدها را در این سه حوزه ملاحظه می کنیم و به راهکارهای رفع آن می پردازیم.

الف) موانع و ضعف های نگرشی و فکری

اصل دانستن و اولویت دادن به امکانات و سرمایه

بسیاری افراد چه به عنوان یک شهروند یا کارگزار و کارمند دولت، هنگامی که از کار و تلاش بیشتر و همت والاتر صحبت می شود، بلافاصله کمبود امکانات، بودجه و توانایی های مادی را مطرح می کنند و مهم ترین نقش را برای آن قائل می شوند. این نگرش و طرز فکر، منشأ بسیاری از عقب ماندگی ها و ناکامی هاست، چه اینکه بسیاری از الگوهای روشن در موفقیت و تلاش انسان های برجسته و متعالی، با کمترین امکانات و فرصت های عینی به بالاترین مراتب موفقیت نائل شده و آثار چشم گیری از خود به جا گذاشته اند.

پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در طول هشت سال پیاپی، از بزرگ ترین تجربیات عصر فعلی است که نشان دهنده جایگاه ویژه همت و تلاش و ایمان است.

تلقی منفی دینی نسبت به تلاش و سخت کوشی های اقتصادی و اجتماعی

متأسفانه در میان بسیاری از افراد، سخت کوشی در زمینه فعالیت های اقتصادی، نشانه دنیاطلبی و دنیاپرستی است. ریشه این نگرش به مسیحیتِ رهبانیت گرا و انزواطلبی قبل از رنسانس باز می گردد. به همین دلیل، مسیحیان تا قبل از

رنسانس از یهودیان در پیشرفت های مادی عقب افتادند، اما پس از رنسانس، با بازنگری به این اعتقاد این وضعیت نیز تغییر کرد.

این نگرش به شکل اندیشه های صوفی گرانه به مسلمانان هم سرایت کرد و هنوز هم برخی مسلمانان این نگرش را دارند و اندیشه های صوفیانه و زندگی درویشانه و انزواطلبی و عزلت نشینی، به بهانه قناعت و زهد، بعضاً در جامعه رواج یافته است. زهد به معنای وابسته نبودن به دنیا و کار و تلاش، با انگیزه اخروی ترجمه و قناعت که در اصل به معنای کار بیشتر و برخورداری کمتر و انفاق به هم نوعان بود، تنبلی و تن آسایی شناخته شد. در نتیجه، مسلمانان مفلوک و درمانده شکل گرفتند که حتی از عهده حل معضلات شخصی و تأمین مخارج خویش نیز ناتوان ماندند.

درحالی که این نگرش با آموزه های اسلامی تضاد دارد و تاریخ گواه تلاش ها و همت های والای پیامبر گرامی اسلام۹ است. امام علی۷ و دیگر امامان نیز در زمینه های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کوشا بودند.

بوسیدن دست کارگر از سوی پیامبر، و سفارش های ایشان درباره کسب و رزق حلال و عملکرد امام علی۷ و دیگر معصومین: درباره اشتغال به کارهای کشاورزی و دامداری و در کنار آن، برعهده داشتن مسئولیت های فرهنگی و نشر معارف الهی، همه و همه، بر خلاف گرایش های عزلت گزینی، انزواطلبی و فرار از کار و مسئولیت است.

به راستی اگر قناعت پیشگی به معنای کار نکردن و خودداری از تلاش بسیار و پرهیز از همت های عالی است، پاداش های شگفت آوری که در قرآن کریم و احادیث معصومین: برای انجام خیرات و مبرات مالی، مانند صدقه و قرض الحسنه بیان شده، چگونه دست یافتنی است؟ سفارش قرآن کریم و

معصومین:، برای انجام امور عام المنفعه، مانند بنای مساجد، ساختن پل ها، راه ها، سرپرستی مستمندان و کمک به درراه ماندگان و انفاق برای جلب قلوب غیرمسلمانان به اسلام بدون کار و تلاش و به دست آوردن ثروت و داشتن درآمد، بیش از حد نیاز شخص، چگونه امکان پذیر است؟ چگونه می توان به سفارش قرآن کریم، از فضیلت پرداخت قرض الحسنه که برای آن هفت صد برابر پاداش الهی در نظر گرفته شده، بهره مند شد، و از تلاش شایسته و کافی، برای به دست آوردن درآمدی بیش از نیاز خود کوشش نکرد؟ چگونه می توان به سفارش قرآن کریم، به وام گیرندگانی که توان بازپرداخت وام خود را در مهلت مقرر ندارند، به قدر کافی مهلت داد، و به کار و کوشش و بی نیازی توجه نداشت؟

به طور کلی باید گفت در آموزه های دینی، کار نه فقط به عنوان امری مجاز و جدا از زندگی، بلکه به عنوان شأنی از شئون مؤمنان و در متن زندگی دینی تعریف شده و عبادتی ارزشمند به شمار آمده و گاه با واژه جهاد در راه خدا، از آن تجلیل شده است. در روایت داریم:

اَلْکادُ لِعَیالِهِ کَالْمُجاهِدُ فِی سَبیلِ الله. (۱)

کسی که برای تأمین عیال خویش کار می کند مانند جهادگر در راه خداست.

طبعاً رفع این مانع، نیازمند تبیین و تفسیر معقول و درست آموزه های دینی و کار فرهنگی و تبلیغی مستمر است.

ــ تقدیرگرایی و اعتقاد به شانس و خرافه گرایی به جای نگاه قاعده مند نسبت به موفقیت ها و کامیابی ها.

۱- . تفسیر اطیب البیان، ج۳، ص ۱۲۸.

هنوز هم بسیاری از افراد، آگاهانه یا ناآگاهانه، تقدیر را اصل و اساس، همه امور از جمله خوشبختی ها و کامیابی ها یا بدبختی ها و عقب ماندگی ها می دانند. برخی نیز به جای تقدیر، شانس، بخت یا امور دیگری را مطرح می سازند. متأسفانه برخی داستان ها، نمایش ها و فعالیت های سرگرم کننده و جذاب هنری نیز در گذشته و زمان حاضر، به این تلقی دامن زده است.

قرآن کریم به صراحت مقدرات انسان ها را که خرافه پرستان، آن را به فال (طائر) تعبیر می کردند و اراده انسان را در آن دخیل نمی دانستند، به اعمال و کردار انسان ها وابسته می داند، اعمالی که نتیجه آن در نامه اعمال انسان ثبت می شود.

سرنوشت (مقدرات) هر انسانی را طوق گردنش نمودیم و روز قیامت(به صورت) کتابی بر او بیرون آوریم، درحالی که آن نامه چنان باز باشد که تمام اوراقش را یک جا ملاحظه کند. (اسراء: ۱۳)

خداوند در جای دیگری می فرماید:

برای انسان چیزی جز نتیجه تلاش او نخواهد بود و نتیجه سعی خود را به زودی می بیند و پس از آن (در آخرت) به نتیجه کامل تر آن خواهد رسید. (نجم: ۴۱)

دیگر آموزه های اسلامی و نیز ارشادات اصیل فرهنگی، به قاعده مند بودن نیک بختی، سعادت و موفقیت تأکید می کند و نوع نتیجه را به نوع عملکرد وابسته می داند که «گندم از گندم بروید، جو ز جو».

البته کار و تلاش فکری یا عملی، بدون رعایت اصول و ضوابط زندگی سعادتمندانه کافی نیست، چه بسا انجام برخی گناهان و ظلم ها یا انجام برخی نیکی ها در نتیجه کار و تلاش تأثیر داشته و آن را متحول می سازد.

انتظارات غیر معقول و بیجا

متأسفانه این نوع نگاه، یکی از آسیب های جدی و آفات مهم در فرهنگ ما، به خصوص پس از انقلاب اسلامی به شمار می آید. انقلاب اسلامی که علاوه بر اهداف عالی معنوی با طرح به حق شعار های ارزشمند، چون حمایت از محرومان و مستضعفان و شعارهایی مانند عدالت، رفاه عمومی و... پا به میدان سیاست گذارد و توده های وسیعی از مردم را، در داخل و خارج از کشور، به خود جذب کرد، ولی متأسفانه طرح این شعارها، گاه تلقی های نادرستی را نیز به همراه داشت. برخی تصور کردند بدون کار و تلاش باید به نعمت های گوناگون دست یافت. این تلقی نادرست تا حدودی توسط جناح های سیاسی و برای کسب مناصب سیاسی، به آن دامن زده شد و روح طلبکاری و یا تنبلی و دون همتی را در برخی افراد پدید آورد. طبعاً برآورده نشدن انتظارات غیرمعقول، موجب سرخوردگی و ایجاد روحیه یأس و طلبکاری است که مخالفان و معاندان دنیاپرست نیز با ترسیم مدینه ای فاضله از غرب به این اندیشه طلبکارانه و رفاه طلبانه دامن زده اند.

در نتیجه برخی بدون آنکه بدانند، روحیه فداکاری، ایثار و تلاش در راه ساختن جامعه را از دست دادند و به جای آن، تلاش برای کسب امتیاز مادی و رفاهی را مورد توجه قرار دادند. در این میان، رفاه زدگی برخی مسئولان و مدیران، مزید بر علت گشت که حاصل آن، رغبت کاذب و بالای بسیاری از جوانان به کار و زندگی در کشورهای غربی است. اما هنگامی که این آرزوی آنان تحقق می یابد و با واقعیت آن جوامع رو به رو می شوند، درمی یابند بهره مندی از امکانات رفاهی در آن جوامع نیز مستلزم تلاش و کار بیش از حد یا برخورداری از سرمایه های کلان است که آسان و بدون دردسر، به دست نمی آید.

ص: ۳۰

تعریف محدود از کارآفرینی

در نظام سرمایه داری، کارآفرینی و ایجاد فرصت های شغلی مخصوص افرادی است که از سرمایه های کلان برخوردارند. این برداشت از کارآفرینی و توقع از کارآفرینان یا دولت ــ به عنوان اصلی ترین نهاد ایجاد کننده کار ــ یکی از موانع و آسیب های تعیین کننده در نرسیدن به مرحله همت و تلاشگری است و باعث می شود بسیاری افراد، برای کار، منتظر دولت یا کارآفرینان باشند یا کاری ثابت و تعریف شده را جست وجو کنند. طبعاً این روحیه یا نگرش، با تحولات کیفی و همت های عالی، در تعارض است.

محدود کردن کار به تلاش های یدی

نگاه فیزیکی به کار و محدود دانستن کار به کارهای دستی و عملی و غفلت از اهمیت کار و تلاش های فکری و روحی مانند آموزش، پرورش خلاقیت، تفکر، پژوهش و حتی توسل و دعای به موقع برای استمرار از خداوند متعال، سبب می شود کار امری کم ارزش و خاص انسان های سطح پایین جامعه تلقی شود. به همین دلیل، دراین باره برخی اصطلاحات رواج یافته است که عبارتند از: «کار را باید کارخانه انجام دهد» و «فلان شخص خرکار است» و... درحالی که کار آگاهانه و ارادی، امری ارزشمند و والاـ است، که از امتیازات خاص انسان محسوب شده و از طریق آن اهداف و آرمان های خود را می تواند فارغ تحمیل جبری شرایط محقق سازد.

ص: ۳۱

ب) موانع روحی و روانی

خودکم بینی و نداشتن اعتماد به نفس

این روحیه تا حدی ریشه تاریخی داشته و نتیجه القائات بیگانگان در زمان های طولانی است و حاصل این باور است که همت های بلند و دست یابی به پیشرفت های بزرگ، تنها از آنِ کشورها و افراد خاص است و ما نه می توانیم و نه می خواهیم.

القا و گسترش باورهای غلطی مانند اینکه مردم از کارشان دزدی می کنند، همه کلاهبردارند و...، از حمله نظامی و توطئه های سیاسی مخرب تر است. درحالی که تلاش بالای بنیان گذار انقلاب اسلامی، برای ایجاد این باور بود، که ما می خواهیم و می توانیم کشورمان را آباد کنیم و به قله های پیشرفت و عظمت برسیم. در این راه هیچ نیازی هم به بیگانگان نداریم.

در ایجاد این باور، تبیین و تذکر موفقیت ها و تحقق اموری که به ظاهر امکان پذیر نیست، اما با همت های والا و ستودنی جامه عمل پوشیدند، تأثیر فراوانی خواهد داشت، چرا که پایمردی ایثارگران و شیفتگان امام راحل، تحولاتی را به دست آنان رقم زد که دنیای مادی را با همه خودبینی اش، شگفت زده کرد و منفعل ساخت.

▯

روحیه خوش گذرانی و هوس پرستی

از موانع طبیعی و آفات همیشگی همت های بلند و کار و تلاش مستمر، خوش گذرانی و سرگرم شدن به لذت های زودگذر است، چرا که مهم ترین ویژگی لذت ها و هوس های آنی، این است که با فریبندگی و جذابیت تمام،

لحظه هـای انسـان را شـکار می کنـد و آنـان را غافـل می سازد و فرصت های آنان را به طور خزنـده و پنهان از کف آنان می رباید و ناگاه فرد متوجه می شود فرصت ها را از دست داده و اوقات خود را ضایع کرده است. بنابراین، ملتی که می خواهد به هدف های بلند دست یابد، باید ضـعف و سـستی را کنار بگذارد و با هواهای نفس، مردانه به مبارزه برخیزد. این هواها ممکن است به شـکل تمایل به لـذت های نامشـروع و حتی مشـروع، ولی کم ارزش، مانند پرگویی و پرخوری و خواب زیاد و تفریح فراوان، جلوه کند.

حضرت امیرالمؤمنین۷ می فرماید:

من اَحَبَّ نَیلِ الدَّرَجاتِ العُلی فَلْیَغْلبِ الْهَوی. (۱)

کسی که دوست دارد به درجات عالی برسد، باید بر هوای نفس خود غالب باشد.

این فرمـان ملکوتی که از زبـان صاحب ولایت ملک و ملکوت حضـرت امیرالمؤمنین۷ صادر شده، درسـی آموزنده برای همه انسـان هـا و ملت هـایی است که خواهـان رسـیدن به مقامات بزرگ دینی و معنوی هسـتند و برای دست یابی به اهـداف عالی تلاش می کنند.

بنابراین، دسـتگاه های فرهنگی و اجرایی باید علاوه بر آنکه خود از ترویج فرهنگ خوش گذرانی و هوس رانی خودداری می کنند، با این روحیه و منش مبارزه کنند و به جای آن فرهنگ خویشتن داری و اراده را در عموم مردم تقویت کنند.

منش و اخلاق بورکرات

در منش بورکراتیـک، پشت میزنشـینی، آن هم در ساعـاتی ثابت و معیّن و انجام کارهایی از قبل تعریف شـده، ملاک و مبنای کار قرار می گیرد. کار و مسئولیت

۱- شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۹۴.

هرکس مشــخص و معیّن بـوده و مشـکلات دیگران نیز ربطی بـه فرد نـدارد. ازایـن رو، کارمنـدان بورکراتیـک، در پاسـخ به مشکلات ارباب رجوع، معمولاً به بیان این جمله اکتفا می کنند: «مشکل خودتان است و به من مربوط نیست».

طبعاً وجود این فرهنگ در اداره ها، باری پرهزینه و سـنگین را به دولت تحمیل می کند، و کارآمدی اندکی دارد. دنیای متغیر و متحول فعلی، با وجود سرعت بالای تغییر و تحولات اجتماعی، بسیاری از مواقع نظام بورکراسی را به بزرگ ترین مانع تبدیل می کند.

تغییر این اخلاق و منش علاوه بر بـازنگری در ساختارهـا و رویه هـا و روش هـای سازمـانی، نیازمنـد فرهنـگ سازی و تلاش مجدانه مدیران، برنامه ریزان و کارکنان مؤثر در سازمان ها و دستگاه های دولتی و عمومی است.

ج) موانع رفتاری

به تأخیر انداختن کارها (تسویف)

یکی از عـادات بسیار مخرب، موکول کردن کارها به آینـده است. نفس راحت طلب آدمی که به طور طبیعی تمایل به رهایی از زحمت تلاش و کار سخت را دارد، این راه را مستمسک خوبی برای رهایی از زحمت کار و درعین حال مؤاخذه نشدن می یابـد. غافل از آنکه تأخیر در انجام کار و واگـذاردن به آینده، چیزی را عوض نخواهد کرد. علاوه بر آنکه ممکن است آیند ه ای وجود نداشته باشد.

در این زمینه پیامبر گرامی اسلام به ابوذر می فرماید:

یا أباذر، اِیّاك و التَّسویف بِاَمَلِكَ، فَاَنَّكَ بِیَومِكَ و لَسْتَ بِما بَعدَهِ، فان یكن غداً لك فَكَن فِی الغَد كما كنْتَ فِی الْیوم، و اِنْ لَمْ یَكُنْ غداً لك لم تُندَمُ عَلی ما فرَّطتَ فِی الیَوم. (۱)

ای ابوذر، زنهار که بر اثر آرزو، کار امروز را به فردا افکنی، زیرا تو در امروز به سر می بری، نه در فردا، چه اگر فردایی برای تو بود، در فردا نیز چنان باشی که امروز بوده ای و اگر فردایی در کار نبود، به خاطر کوتاهی کردن در کار امروزت، پشیمان نشوی.

فقدان مهارت استفاده از فرصت ها

یکی از امور مهم در موفقیت، انجام به موقع کارهاست. بسیاری از فعالیت ها باید در زمان مربوط به خود انجام شود و با از دست دادن فرصت ها، دردسرها و مشکلات بسیاری پدید می آید. امام علی۷ می فرماید:

اَلْاُمُوُرُ مَرْهوُنَهٌ بِاَوَقاتِها.

کارها در گرو زمان های خود هستند.

نشناختن فرصت ها و استفاده نکردن به موقع و سریع از فرصت ها، یکی از آسیب های رایج در فرهنگ اجتماعی ماست. این در حالی است که فرصت ها به گونه ای خزنده و آرام حرکت می کنند و از دست می روند که انسان گذشت زمان را حس نمی کند. لذا هنگامی هوشیار می شویم که فرصت ها را از کف دادیم و حسرت می خوریم. امام صادق(ع) این حقیقت را این گونه بیان می فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۷۵، ح ۳۹.

من اِنْتَظَرَ معاجِلَهَ الفُرصَه مُؤاجِلِهُ الْاسْتِقْصاء سَلَتَه اَلایام فُرصَتَه، لِأَنَّ مِن شَأنَ الْایام السَّلْب، و سَبیلُ الزَمَنِ الفَوُت. (۱)

بـه هرکس فرصـتی دست دهـد و او به انتظـار دست دادن فرصت کامـل (و رسـیدن به مطلـوب به نحـو کامـل) آن را به تـأخیر اندازد، روزگار همان فرصت را نیز از او برباید؛ زیرا کار روزگاران، بردن است و روش زمان، از دست دادن.

هنگامی که از امام علی۷ در مورد حزم و دوراندیشی سؤال می شود، ایشان می فرماید:

اَنْ تَنْتَظِرُ فُرْصَتَکَ وَ تُعاجِل ما اَمْلَنَک. (۲)

منتظر فرصت باش (و هنگامی که ایجاد شد) در استفاده از آن عجله کن.

این سـفارش زیبـا را می توان به رفتـار یـک شـکارچی ماهر تشبیه کرد که محتاطانه پیش می رود. زودتر از موقع حرکت نمی کنـد تا شـکار وی آگاه شود و برمـد. هنگامی که فرصت حمله و صـید به دست آمـد، تأخیر نمی کنـد، چون شـکار در همان وضـعیت باقی نمی ماند و فرصت از دست می رود. این یک مهارت به شـمار می آید که در عرصه های گوناگون زندگی، به خصوص کار و اشتغال باید مد نظر داشت و به تعلیم و تعلّم در این باره اهتمام ورزید.

ضعف فرهنگ همکاری جمعی

بسـیاری از افراد، به تنهایی خوب کار می کننـد و هنگامی که بایـد با جمعی کاری مشترک را انجام دهند، نگاه فردی دارند و به تک روی روی می آروند. ازاین رو،

۱- نک: عمر، باب ۱۳۵۵.

۲- معانی الاخبار، ص ۲۰۱؛ بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۱۱۱.

در جمع، فردی مفید نخواهند بود، درحالی که کار جمعی، اصول و آداب خاص خود را دارد. باید اصول و ارزش های کار گروهی رعایت شود و فعالیت ها در جهت تأیید یکدیگر باشد.

از اقتضائات همکاری جمعی، رعایت هماهنگی ها و نظم عمومی و مشارکت در تصمیم گیری ها و حضور در جریانات است.

ضعف فرهنگ همکاری جمعی و نگاه فردی به کار، در کشور ما به شکلی بارز مشهود است که رفع این معضل، نیازمند آموزش اطلاع رسانی و اصلاح روش ها و رویه ها و اصلاح فرهنگ صحیح کار جمعی است.

بی کاری پنهان (کم کاری) و وجود مشاغل کاذب

یکی از عادات منفی و شایع، به خصوص در مشاغل اداری، کم کاری، طفره رفتن از کار و تعلل است که در مجموع پدیده ای را ایجاد کرده که بی کاری پنهان نام دارد. بسیاری از کارکنان دولتی، هنگامی که از انجام وظایف خود طفره می روند و وقت خویش را در ساعات خدمت، به بطالت می گذرانند، احساس گناه نمی کنند، ولی بیشتر این افراد استفاده از کمترین امکانات و وسایل اداری، مانند نوشتن با خودکار و کاغذ اداره برای یکی از مصارف شخصی، حرام می دانند. این در حالی است که وقت های هدر رفته و پول های پرداخت شده بابت کار، با وسایل نام برده، قابل مقایسه نیست. این بی توجهی و غفلت به خاطر ناآگاهی و جهل و تا حدودی از عادات ناصحیح است. اگر کارمند یا کارگری مسلمان، ارزش وقت خویش را دریافته و مسئولیت خویش را در مقابل دریافت های خود بشناسد و به آثار دنیوی و اخروی کم کاری ها

واقف باشد، قطعاً همان گونه که از مصرف امکانات اداری برای امور شخصی پرهیز می کند، از کم کاری نیز با شدت بیشتری می پرهیزد.

در کنار بی کاری پنهان، اشتغال به مشاغل کاذب و بی ارزش یا ظاهرسازی در کارها نیز از آسیب های جدی نظام اقتصادی است که افزون بر کارهای فرهنگی، نیازمند اصلاح ساختارها و زمینه های ناسالم اقتصادی و اجتماعی است.

د) زمینه های نامناسب عینی

ـ دولتی بودن بخش عمده ای از اقتصاد کشور

کارها و فعالیت های خصوصی، به جهت تعلق به فرد یا افراد، انگیزه های زیادی را برای تلاش و پیگیری بی وقفه ایجاد می کند و این برخلاف کارها و مشاغل دولتی است که معمولاً به آفاتی نظیر بورکراسی منفی و اخلاق بورکراتیک، بی انگیزگی و کم تحرکی دچار می شود.

البته علاوه بر تسریع در روند خصوصی سازی، انجام برخی اقدامات در داخل نظام دولتی و سازمان های خصوصی می تواند در جهت دلگرم کردن کارکنان و افزایش انگیزه آنان به کار مؤثر باشد که از مهم ترین آنها می توان به مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها و نیز مشارکت در عایدی های سازمان، افزایش اختیارات و نظام ارزیابی دقیق اشاره کرد.

ـ ساختارها و شیوه های نامناسب مدیریت

تشکیلات نامناسب غیر منعطف و نامتناسب با تحرک و سرعت لازم و وجود قوانین دست و پا گیر می تواند علت و زمینه ای منفی برای کار و تلاش بیشتر باشد که بازنگری ساختارهای سازمانی، متناسب با این نگاه، ضروری است.

همچنین اعمال شیوه های مدیریت سنتی و آمرانه با کار و تلاش از روی عشق و صمیمیت، ناهماهنگ و جمع شدنی نیست و سبب هدر رفتن منبع عظیمی از استعدادها و سرکوب شدن انگیزه های مشتاق می شود. می توان اتخاذ شیوه هایی را که به مشارکت بیشتر کارکنان در تصمیم گیری ها و رفع کم انگیزگی مؤثر باشد، این گونه برشمرد:

ـ افزایش اختیارات کارکنان مادون (به صورت معقول)؛

ـ افزایش مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها به طوری که احساس کنند، کار متعلق به خود آنان است؛

ـ ایجاد نظام مناسب ارزیابی و تشویق و تنبیه؛

ـ رفاه زدگی و تجمل گرایی برخی مدیران و مسئولان .

این پدیده، در کشور اسلامی ما که داعیه دار عدالت است، تأثیر شکننده تری دارد و به صورت عام نیز، نوعی فاصله و گاه نفرت بین زیردستان و مدیران ایجاد می کند.

مقام معظم رهبری و پیش از آن امام راحل، نسبت به این مسئله، یعنی خودداری مدیران از گرایش به تجملات و رفاه زدگی و ضرورت انتخاب زندگی ساده در سطح عموم مردم، تذکر و تأکیدهای قابل توجهی داشتند. خوشبختانه در وضعیت فعلی، بسیاری از مسئولان بلندپایه دولتی، ساده زیست هستند، ولی وجود بسیاری موارد، به خصوص در سطح مدیران میانی، زیبنده مدیریت و سازمان های دولتی جمهوری اسلامی نیست و آثار منفی بسیاری را در پی دارد.

ص: ۳۹

_ ویژه خواری ها و امتیازات ناعادلانه

استفاده از رانت ها و امتیازهای خاص، به خصوص هنگامی که از طرف مدیران و مسئولان عالی و میانی سازمان باشد، کارکنان را نسبت به جد و جهد و تلاش زیاد، دل سرد می کند و تهی می سازد. پژوهش های بسیاری در این زمینه، این نکته را تأیید می کند که وقتی مدیران به رفتاری ناهنجار یا ضد ارزش دچار شوند، باید سطح شدیدتری از آن را در کارکنان و زیردستان خویش انتظار داشته باشند. سعدی، استاد سخن گفته است:

گر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی

بر آورند غلامان او درخت از بیخ

حتی در بسیاری از موارد، تصور غیر واقعی از مسئله رانت خواری و استفاده از امتیازهای خاص هم موجد پی آمدهای مسموم و آلاینده ای در فضای فرهنگی سازمان و نوع تلاش کارکنان خواهد شد که بایستی در این زمینه ها نیز شفاف سازی لازم صورت گیرد.

مبارزه با ویژه خواری و استفاده از امتیازهای غیرقانونی و غیر قابل قبول که به افزایش انگیزه ها و نیز خلاقیت ها و ابتکار عمل ها منجر می شود، از بهترین عوامل سازمانی مؤثر در ارتقای تلاش و همت جمعی است.

استلزامات فرهنگ سازی برای موضوع سال

با توجه به نکاتی که درباره عوامل و موانع، به خصوص عوامل و موانع فرهنگی بیان شد، مسائل و محورهای ضروری برای فرهنگ سازی و فعالیت های فرهنگی، درباره موضوع سال نیز تا حد زیادی روشن می شود. با این حال یادآوری برخی نکات نیز در این زمینه ضروری است:

۱. ازآنجاکه فرهنگ اجتماعی، یک نظام گسترده و پیوسته به یکدیگر است، برای فرهنگ سازی در یک بخش خاص، باید به دیگر اجزا و بخش ها، به خصوص به مبانی و اصول اساسی فرهنگ توجه کرد. مسئله همت و پشتکار و تلاش مضاعف نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید مبتنی بر مبانی فرهنگی اسلامی و ملی و با استفاده از مؤلفه های فرهنگ اسلامی ایرانی انجام شود. بنابراین، طرح ضرورت همت و تلاش با استفاده از مؤلفه هایی مانند «ضرورت سربلندی و عزت ملی» (از فرهنگ ملی و اسلامی) و نیز «عبادت و مجاهده ای مقدس، برای رسیدن افراد و جامعه به اهداف گسترده معنوی و مادی و در نهایت رستگاری» (از فرهنگ اسلامی) بسیار مفید خواهد بود. این موارد در مقایسه با دیدگاه مادی که در آن همت و تلاش صرفاً برای دست یابی به اهداف دنیایی، مانند ثروت، شهرت و رفاه مطرح می شود، بسیار متفاوت است. چنانچه این مسئله مورد غفلت قرار گیرد، حتی اگر توفیق های نسبی ای در این زمینه به دست آید، آثار مخرب این شیوه نادرست باقی می ماند.

۲. در تبلیغ و ترویج موضوع سال باید بر ضرورت اتکا به خداوند و استمداد تلاش گران از مبدأ آفرینش، به عنوان اصلی ترین منبع یاری رسان در تلاش ها و همت های عالی و کسب موفقیت های ارزشمند، تأکید شده و محور اصلی کار باشد.

۳. فرهنگ سازی با کارهای کلیشه ای سازگار نیست، بلکه اثرگذاری فرهنگی نیازمند نگرشی جامع و همه جانبه به موضوع و شرایط فرهنگی حاضر است و این هنگامی اتفاق می افتد که فعالیت های تبلیغی، آموزشی و ترویجی، هر یک بجا و در حد ضرورت مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، در جایی که اطلاعی از ضرورت ها و دلایل موضوع همت و تلاش نیست، انجام

فعالیت های تبلیغی و تهییجی سودی ندارد و بایستی ابتدا ضرورت ها تبیین شود و در جایی که افراد از شیوه انجام یک رفتار به خوبی مطلع نیستند، فعالیت های آموزشی و اطلاع رسانی اولویت می یابد. گاه برای موضوعی گسترده، نظیر همت و تلاش، استفاده از انواع این فعالیت ها، به طور هم زمان لازم است تا با هم افزایی این فعالیت ها، تأثیرات پیام ها، نهادینه و ماندگار شود. باید ضرورت های این موضوع را به خصوص در ارتباط با مسائل خارجی و استکبارستیزی و لزوم اعتلای نظام اسلامی در جهان روشن ساخت و با فعالیت های هنری و تبلیغی، انگیزه ها و احساسات را دراین باره تقویت کرد و دست آخر در مواردی که لازم است، روش ها و مهارت های خاص را آموزش داد.

۴. فعالیت فرهنگی به معنای مستقیم گویی یا پرگویی نیست. در بسیاری از مواقع بیان غیرمستقیم، گویاتر و بلیغ تر و مؤثرتر خواهد بود.

۵. فرهنگ سازی در این زمینه مانند دیگر زمینه ها نیازمند تلاش های مستمر است و نباید با انجام چند فعالیت مقطعی انتظار تأثیرات بسیار بالایی داشت.

۶. همواره استفاده از قالب های هنری و جذاب، در فرهنگ سازی حرف اول را می زند.

۷. ارائه الگوهای مجسم عینی و جذاب در فرهنگ سازی تأثیر ماندگاری دارد. طبعاً انتخاب این الگوها از الگوهای خودی (اسلامی ـ ایرانی) از جهات گوناگون مناسب تر و تأثیرگذارتر است.

۸. در فرهنگ سازی در سطح جهانی و در نسبت با فرهنگ مادی و لیبرال دمکراسی، حالت تهاجمی مناسب تر و تأثیرگذارتر نیز بوده و باید چهره دروغین فرهنگ مادی را برای مردم دنیا افشا کرد، اما نسبت به فرهنگ خودی

و نسبت به مخاطبان داخلی بهتر است با حالت ایجابی، اصالت ها و امتیازات فرهنگ خودی مورد تأکید قرار گیرد تا حساسیت و دلزدگی پیش نیاید.

همچنین از مقایسه ناسنجیده و ناپخته فرهنگ اسلامی، درباره کار و همت با فرهنگ غربی ــ به دلیل جذابیت برخی پیشرفت های غربی ــ خودداری شود و در صورت لزوم، این کار با ظرافت و هوش مندی تمام انجام شود و بر این نکته که فرهنگ غنی اسلامی، در مقایسه با آنچه غرب ادعای آن را در رفاه و پیشرفت طرح می کند، نسخه کامل تری را داراست و نگاه فرهنگ اسلامی، بسیار وسیع تر و والاتر از محدود کردن حیطه کار به پارامترهای دنیوی است، تأکید شود.

ص: ۴۳

بخش دوم:راهبردهای رسانه ای در همت و تلاش

اشاره

این بخش عمدتاً از چهار قسمت زیر تشکیل شده است که قسمتِ اهداف و نیز راهبردها و سیاست ها بایستی بیشتر مورد توجه مدیران شبکه ها و مدیران تولید و تأمین قرار گیرد و قسمت محورهای محتوایی و نیز ایده پردازی ها به برنامه سازان مربوط می شود. گرچه مدیران نباید از این قسمت ها نیز غافل باشند.

۱. اهدافمربوط به مدیران

۲. راهبردها و سیاست هامربوط به مدیران

۳. محورهای محتواییمربوط به مدیران و برنامه سازان

۴. قالب های برنامه ای و ایده پردازی هامربوط به مدیران و برنامه سازان

ص: ۴۵

...

۱. اهداف

هدف راهبردی

تقویت همت و عزم ملی برای پیشرفت عدالت محور

اهداف کلان

ـ تبیین اهمیت و ضرورت همت و تلاش مضاعف در رسیدن به پیشرفت و عدالت؛

ـ ایجاد روحیه امید، نشاط و تلاش، با ترسیم چشم اندازی روشن از آینده؛

ـ تعمیق و ترویج فرهنگ کار و تلاش و وجدان کاری؛

ـ معرفی موضوع سال به مثابه طرحی که تحقق آن تحول بنیادین در نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دنبال دارد.

ـ یاری سایر دستگاه ها و عموم مردم در انجام بهینه نقش خویش در ارتباط با موضوع سال.

۲. راهبردها و سیاست ها

اشاره

سازمان صدا و سیما، از سه منظر می تواند مخاطب این پیام رهبری واقع باشد و نقش خود را ایفا کند.

ص: ۴۶

الف) صدا و سیما به عنوان یک سازمان، از جهت اصلاح فعالیت های درونی و ارتقا میزان همت و تلاش خویش؛

ب) صدا و سیما به عنوان یک نهاد فرهنگ ساز و مؤثر در جامعه؛

ج) صدا و سیما به عنوان ناظر عمومی و یاری رسان در جهت تحقق این شعار در سایر دستگاه های حاکمیت.

در این بخش، به ترتیب راهبردهای پیشنهادی را برای هر یک از نقش های یاد شده ارائه خواهیم کرد:

الف) صدا و سیما به عنوان یکی از سازمان های کشور

از آنجا که رسانه ملی خود به عنوان یکی از دستگاه های نظام جمهوری اسلامی به شمار می آید، راهبردهایی که در بخش اول برای افزایش همت و تلاش، در سطح کلیه سازمان ها بیان شد. در مورد صدا و سیما نیز باید به تناسب مورد توجه قرار گیرد. راهبردهایی مانند بازنگری در کمیت و کیفیت اهداف، اصلاح ساختارها و بازنگری در سیستم ارزیابی ... ، ولی برخی راهکارها به طور خاص در مورد این سازمان اهمیت بیشتری یافته و شکل خاصی به خود می گیرد. این راهکارها شامل موارد زیر است:

ـ ارتقای کیفی برنامه ها و نیز افزایش غنای معرفتی، علمی، اخلاقی و آموزشی برنامه ها؛

ـ پایبندی هر شبکه به مخاطبان تعریف شده خود در نوع برنامه سازی، (با توجه به تخصصی شدن شبکه ها)؛

ـ استفاده از پژوهش ها و گزارش های انجام شده در همه زمینه ها و از جمله مرتبط با موضوع سال، از طریق تسهیل ارتباط برنامه سازان، با نویسندگان و مراکز پژوهشی؛

ص: ۴۷

(مدیران حوزه ها و ستاد رسانه، از طریق برقراری ارتباط و تعامل سازنده با نویسندگان و برنامه سازان، دغدغه ها و خواسته های خود را دراین باره پیگیری کنند؛)

ـ ایجاد زمینه های ارتباط شبکه ها با یکدیگر در جهت هم افزایی، مانند ایجاد باکسی مشخص در هر شبکه رادیویی و تلویزیونی یا یک ستون در روزنامه جام جم؛

ـ تأسیس شبکه یا شبکه هایی فعال برای انجام فعالیت های فرهنگی، برای خارج از کشور و به زبان های بیگانه، جهت پخش برنامه های فرهنگ ساز خصوصاً در قالب تفریحی و سرگرم کننده، به دور از مفاسدی چون سکس و خشونت. این شبکه ها کارشان فقط پخش اخبار نیست، بلکه انجام فعالیت های فرهنگی است که آثار ماندگاری دارد.

ب) راهبردهای صدا و سیما به عنوان یک نهاد فرهنگ ساز

صدا و سیما به عنوان یک نهاد فرهنگ ساز، بایستی برخی اصول و اقتضائات فعالیت های فرهنگی خویش را رعایت نماید تا در این زمینه نقش موفق را در راستای رسالت خویش ایفا نماید. به طور کلی اتخاذ سیاست ها و راهبردهای زیر برای همه برنامه ها لازم است.

۱. اتکا به مؤلفه های فرهنگ ملی ـ اسلامی در فرهنگ سازی مؤلفه هایی چون عبادت و مجاهده محسوب شدن کار و ارزشمندی کار به سبب ایجاد توان برای انفاق و ارزش عزت و سرزنش سربار بودن، به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگی اسلامی ـ ایرانی و سایر مؤلفه های مربوط.

ص: ۴۸

۲. از آنجا که اقتضای فرهنگ سازی ارائه روش ها و راه های مشخص و مناسب برای مخاطبان گوناگون است، لازم است مفاهیم و ابعاد همت و تلاش را روشن کنیم و مصادیق آن برای تمامی بخش ها و اقشار مختلف مردم، اعم از کارگر، کارمند، مدیر، پژوهشگر و محقق، معلم، دانش آموز و دانشجو مشخص، و سپس در قالب پیام های مناسب و جذاب عرضه شود، به گونه ای که هر فرد در هر موقعیت، نقش خویش را در ارتباط با این موضوع، به خوبی دریابد و اقناع شود.

۳. از آنجا که در فرهنگ سازی با انسان ها سر و کار داریم و انسان ها از ابعاد روحی و انگیزشی، ذهنی و فکری و نیز رفتاری برخوردارند بایستی این ابعاد به طور توأم، در نظر گرفته شود. یعنی مخاطبان از نظر فکری و ذهنی نسبت به موضوع سال آشنا و نسبت به ضرورت آن اقناع شوند و انگیزه های آنان در این باره تقویت و تشویق و مهارت های رفتاری به آنان آموزش داده شود.

۴. لازم است از کارهای تکراری پرهیز شود و فعالیت ها با رعایت نیازهای خاص اقشار مختلف مخاطبان صورت گیرد.

۵. در تمامی برنامه ها، امیدبخشی و روحیه نشاط مدنظر بوده و از سیاه نمایی و انتقادات مفرط و غیرواقعی خودداری شود.

۶. دوری از مستقیم گویی و پرگویی در این زمینه و استفاده از روش های غیرمستقیم و جذاب.

ص: ۴۹

۷. پرهیز از مطالب بسیار ایدئال و غیرعملی یا الگوهای غیرقابل دسترس مگر برای ایجاد انگیزه و در مواردی خاص، مانند اسطوره های ملی و دینی و سعی شود بیشتر مطالب کاربردی و الگوهای قابل دسترسی مطرح شود).

۸. بسنده نکردن به قالب ها و ساختارهای موجود و اهمیت به خلاقیت و ابتکارات مفید در این زمینه.

۹. متون غنی اسلامی و نیز ادبیات ارزشمند ایران (آیات، احادیث، سیره ائمه(ع)، اشعار، حکایات، ضرب المثل ها و...) بایستی در جهت افزایش غنای انواع گوناگون برنامه های تولیدی، مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. توجه به موضوع سال در انتخاب برنامه های تأمینی، (سعی شود محتوای برنامه های مذکور در راستای ترویج و تأیید همت و تلاش باشد).

۱۱. در آموزش ها و ارائه روش ها و راهکارهای مربوط به موضوع سال سعی شود حتی الامکان از ارائه روش های غربی که در آنها اصل امکانات مادی است و صرفاً آمال و آرزوهای مادی مانند پول، شهرت و... مورد نظر است، پرهیز شود.

۱۲. لازم است برنامه های تولیدی در راستای اهداف کلان و متناسب با یک یا چند مورد از محورهای محتوایی ای باشد که در قسمت بعد خواهد آمد.

۱۳. طرح نام و شعار سال به صورت مستمر و متوازن در طول سال پرداخته شود و از برخورد مقطعی، افراطی، کلیشه ای و تک بعدی بدون پشتوانه عینی و مصادیق نمونه های اجرایی اجتناب شود.

۳. محورهای محتوایی برنامه ها (قابل استفاده برای برنامه سازان)

اشاره

محورهـای محتوایی در این قسـمت متناسب با اهـداف و سـیاست های کلان رسانه، جهت برنامه سازی و مـدیریت بهتر پیام ها پیشنهاد شده است:

قابل ذکر است این محورها متناسب با ظرفیت ها، عوامل اسـتعدادها و همچنین ضـعف ها و کاستی های فرهنگی موجود اسـت که در بخش اول به آن پرداختیم، تنظیم گردیده است. همچنین در قسـمت بعد قالب های مناسب برای هر یک از این محورها با ذکر شماره و توضیحات لازم طرح شده است.

۱. تبیین و تحلیل ضرورت و جایگاه همت و تلاش آحاد جامعه برای دستیابی به اهداف و آرمان های بلند جامعه، خصوصاً نیل به خودکفایی، قطع وابستگی و نیز مقابله با سلطه بیگانگان، به گونه ای که هر فرد کار خویش را در این مؤثر احساس نماید.

۲. طرح مؤلفه هـای اسـلامی در کار و تلاش خصوصاً تأکیـد بر «اتکا به مبـدأ آفرینش و منشأ همه تلاش ها و موفقیت ها و نیز آخرت گرایی» و پرهیز از نگرش دنیایی و مادی به کار مبتنی بر فلسفه «وَ ما تَوْفیقی إِلاّ بِاللّهِ». (هود:۸۸)

۳. تقویت روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و اعتقاد به شعار «ما می توانیم» در راستای محو حس خودکم بینی و خودباختگی نسـبت به بیگانگـان (که در بخش قبـل بیـان گردیـد) از طرق گونـاگون، خصوصاً با نمایش و یادآوری همت ها و تلاش های ایثارگران و شهدا در دوران دفاع مقدس و نیز نمایش تلاش و همت جوانان متفکر، خلاق و دانشمند در خلق جهش های خیره کننده در عرصه علم، فن آوری و صنایع پیشرفته (هسته ای، نانو، پرتاب موشک لیزر و...).

ص: ۵۱

(قابل ذکر است چنانچه نمایش برخی از دانشمندان هسته ای یا غیر آن به جهت مسایل امنیتی میسر نباشد، شخصیت های مجازی و نمایشی می تواند در برنامه ها جایگزین شود).

۴. تبیین مفهوم و ارزش همت و کار در فرهنگ اسلامی به عنوان عبادت تفریح و نوعی مجاهده، در مقایسه با جایگاه کار در فرهنگ غربی که غالباً سختی و رنج محسوب می شود که به هر ترتیب باید آن را تقلیل داده و حوزه کار نیز از حوزه زندگی و بهره مندی از لذایذ و نعم کاملاً منفک است. (البته این مقایسه _ به دلیل جذابیت کاذب جوامع غربی برای برخی جوان ها بایستی با ظرافت و دقت های خاصی انجام شود که جنبه وازنش نداشته باشد).

همچنین فرهنگ کار در اسلام با فرهنگ شرقی و عرفان های کاذب که کار و تلاش نوعی دنیاطلبی محسوب شده و مذمت می گردد نیز محل مقایسه و روشنگری است.

۵. تقویت فرهنگ همکاری جمعی (همدلی، همفکری و همکاری) از طریق آموزش اخلاق و مهارت های مربوط به کارهای جمعی و سازمانی.

۶. نفی تأخیر (تسویف) و خلف وعده در انجام کارها به عنوان امری ضدارزش و نابودکننده شخصیت و اعتبار انسان و نشان دادن آثار و پی آمدهای آن در شکست و عقب ماندگی.

۷. بیان سیره ائمه اطهار: در کار و کوشش و فعالیت توأم برای دنیا و آخرت به عنوان الگوهای متعالی در راستای ترویج نگرش صحیح به همت و تلاش و تقویت انگیزه های کاری.

۸. یکی از دلایل و زمینه های بی کاری و کم کاری روحیه اجیر شدن و انتظار برای دعوت شدن به کار است. درحالی که برای مقابله با این خصلت

منفی بـایستی روحیه جست وجوی کـار و کارآفرینی را برای همه اقشار و طبقات اجتماعی ترویـج نموده و عمومی کرد. (لازم به توضـیح است که در تلقی رایج و متأثر از جوامع سـرمایه داری کارآفرینان افرادی سرمایه دار و توان مند محسوب می شوند که بـا سـرمایه گـذاری و ایجـاد تکنولوژی و تأسـیسات و مـدیریت متمرکز و گسترده، برای دیگران کـار ایجاد کرده و آنها را مـدیریت می نماینـد. درحـالی که این گرایش بـا دیـدگاه مرسوم در جوامع سـرمایه داری سازگـاری بیشـتری دارد و در نظـام اسـلامی که اصـل بر تمرکززدایی و تعـدیل ثروت هـاست، کـارآفرینی مختص طبقه ای خاص نیست. ترویـج این عادت باعث همگانی شدن کارآفرینی و کاهش روحیه طلبکاری و فرافکنی می گردد).

۹. تأکیـد بر قاعـده منـد بودن کارهـا و نتایـج آن در موفقیت و سـعادت یـا شـقاوت انسان ها در جهان آفرینش، ــ در راسـتای تقویت گرایش به همت و کار و مقابله با شانس گرایی و خرافه پرستی ــ و نیز روشن ساختن نقش معجزه آسای اراده انسان و امداد الهی در سرنوشت وی.

۱۰. نفی اخلاـق و منش بورکراتیک در قالب های مختلف برنامه ای و ترویـج اخلاق خـدمتگزاری و گره گشایی در ادارات و دستگاه های دولتی و عمومی.

۱۱. تقبیح خوش گذرانی مفرط و اصالت دادن به لذت های زودگذر و درنتیجه غفلت از همت های عالی و کار و تلاش.

۱۲. معرفی نمونه هـا و موارد موفق از کـار و تلاش و نیز کارآفرینی و بلنـدهمتی در زمینه های صـنعت، کشاورزی، تولیـد علم و... خصوصـاً مواردی که بـدون کمـک هـا یا حمایت های دولتی و با کمترین امکانات اولیه صورت گرفته است. طبعاً معرفی تحقیقات موفق علمی و ابداعات و اختراعات تأثیری

دوسویه ــ هم از جهت ترویج همت و کار مضاعف و هم از جهت تشویق جوانان به علم گرایی و کسب دانش ــ خواهد داشت.

۱۳. مذمت کم کاری، تعلل در کار و نیز پرداختن به کارها و مشاغل کاذب و درآمدهای شبهه ناک. (قابل ذکر است این مسئله که آسیبی مهم در جامعه ماست که بایستی در قالب های مختلف برنامه ای مورد توجه قرار گیرد و آثار و پی آمدهای آن شرح داده شود).

۱۴. ترویج و تأکید بر فرهنگ عزت و عدم وابستگی اجتماعی و فردی و نفی سربار بودن و وابستگی در راستای افزایش حمیت اسلامی و ملی و شخصی.

۱۵. تأکید بر ارزشمند بودن ایجاد مشاغل خصوصی در کنار مشاغل دولتی و نفی روحیه استخدام شدن و توسل افراطی به درآمد ثابت و کار روتین.

۱۶. آموزش مهارتِ برنامه ریزی و استفاده بهینه از اوقات (مدیریت زمان) و نیز استفاده بهینه از امکانات با حضور افراد موفق و یا کارشناسان زبده و متعهد به مبانی و آموزه های اسلامی.

۱۷. معرفی الگوهای اسلامی و ملی از همت و تلاش متعالی در تاریخ گذشته مانند: شیخ مفید، علامه مجلسی، شیخ انصاری، علامه امینی، علامه بحرالعلوم و... و در عصر حاضر مانند حضرت امام خمینی(ره)، شهید مطهری، علامه طباطبایی، پرفسور حسابی، مرحوم محمد دشتی و... و نیز معرفی دیگر مفاخر علمی، هنری و ورزشی در برنامه سازی ها.

۱۸. تبیین و تأکید بر اهمیت استعدادها و نیروی جوانی برای برداشتن موانع و نیل شتابان به مراتب عالی پیشرفت و نیز تأکید بر ضرورت غنیمت شماری فرصت جوانی.

ص: ۵۴

۱۹. نفی فرهنگ تقدیرگرایی، عزلت گزینی، به بهانه قناعت و آخرت گرایی یا به دلیل گرایش به عرفان های انحرافی، با تمسک به دلایل منطقی و عقلی و نیز سیره و روش معصومین: و آموزه های دینی.

۲۰. تأکید بر ظرفیت ها و امکانات بالای انسانی و طبیعی و نیز انگیزه بالای عمومی برای پیشرفت در راستای ایجاد امید و انگیزه برای تلاش؛ همچنین تأکید بر جوان بودن جمعیت کشور به عنوان یک فرصت ارزشمند و نه تهدید.

۲۱. تأکید بر هوش بالای ایرانیان به عنوان مزیت نسبی برای پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی.

۲۲. تبیین ارتباط متقابل مسئله «مبارزه با فقر، فساد و تبعیض» با موضوع همت مضاعف، کار مضاعف از طریق حضور صاحب نظران و نیز انعکاس آرای گوناگون مردم.

۲۲. تأکید بر تخصص گرایی، تمرکز و پشتکار جوانان در مسیری خاص و دوری از تغییر مداوم مسیر شغلی (به اصطلاح از شاخه ای به شاخه دیگر پریدن) در راستای ارتقا و بهبود ثمربخشی کارها و افزایش انگیزه کار و تلاش.

۲۳. آموزش اخلاق و مهارت های عمومی و روان شناختی کار و شیوه های خودکنترلی برای تقویت عادت سخت کوشی و پشتکار؛ (برای مثال تشریح علل دل زدگی و خستگی زودهنگام از کار یا علل ناامیدی و سستی از پیگیری تا رسیدن به نتیجه و راه های رفع آن و یا روش های علاقه مند بیشتر به کار و از بین بردن احساس نارضایتی نسبت به نوع کار و میزان آن یا مسائل جانبی آن مانند ارتباط مسائل کاری و خانواده و...

ص: ۵۵

۲۴. تقویت احساس مسئولیت و نیز خدمتگزاری و فداکاری برای جامعه به جای روحیه طلبکاری از جامعه و دیگران (مبتنی بر فرمایش امام خمینی(ره) که نگویید انقلاب برای ما چه کرده، شما برای انقلاب چه کرده اید؟)

۲۵. چنانکه گفته شد، یکی از آسیب های فرهنگی جامعه در موضوع همت مضاعف و کار مضاعف انتظارهای نامعقول از نتایج مادی کار و در نتیجه ایجاد روحیه سرخوردگی و یأس می باشد؛ این مسئله از تصوری غیرواقعی به کشورهای شرقی و غربی و یا داشتن روحیه ای طلبکارانه ناشی می شود که توسط برخی از عناصر جناح های سیاسی خواسته یا ناخواسته تشدید شد و توسط معاندان نظام اسلامی به آن دامن زده شده است. این روحیه منفی، با نمایش و مقایسه میزان برخورداری ها و میزان تلاش ها در کشورهای غربی و شرقی و جمهوری اسلامی ایران، تا حد زیادی تعدیل می شود.

۲۶. کار مضاعف و اراده جدی با لوکس گرایی و مصرف زدگی در تعارض است. رفاه زدگی و تن آسایی در آموزه های اخلاقی بسیار مذمت شده است. این مسئله که آن روی سکه ساده زیستی و مبارزه با اشرافیت است بایستی در برنامه های نمایشی و غیرنمایشی مدنظر قرار گیرد.

۲۷. تشویق مردم به سرمایه گذاری در امور تولیدی مفید و شرکت در بورس، در راستای تقویت سرمایه گذاری در بخش تولید و ایجاد زمینه های بیشتر کار و پرهیز از معاملات و درآمدهای کاذب و غیرمفید.

۲۸. انعکاس دیدگاه های چهره های برجسته علمی، سیاسی، فرهنگی، ورزشی و هنری کشور در خصوص موضوع همت و تلاش.

۲۹. زمینه ها و عوامل فرهنگی، تربیتی و اجتماعی و برنامه ریزی هایی که در جامعه منتهی به همت و کار مضاعف می شود نیز به طور کارشناسانه بررسی شود.

۳۰. ضمن بررسی ظرفیت ها، فرصت ها و چالش های پیش روی همت و کار مضاعف در جامعه، آرا، پیشنهادها و راهکارها و شیوه های سازنده آحاد مردم در مورد چگونگی تحقق شعار سال به نحوی هوشمندانه انعکاس یابد و زمینه مشارکت فعال آنان در طرح این موضوع مهم تأمین شود.

۳۱. ترویج ورزش برای همه سطوح و اقشار مختلف از طریق تشویق به شرکت در برنامه های ورزشی عمومی یا خصوصی و بیان آثار آن در سلامت و تقویت اراده.

راهبردهای صدا و سیما به عنوان ناظر عمومی و یاری ر سان سایر دستگاه ها

این بخش، یکی از حساس ترین بخش های فعالیت رسانه است که بایستی با ظرافت تمام و هوشمندی و نیز مشارکت صاحب نظران و نیز مسئولان دستگاه ها و در صورت لزوم، نمایندگان مجلس انجام شود. در این مورد، چند مسئله مهم باید مورد توجه مدیران و برنامه سازان مربوطه قرار گیرد.

۱ـ ج. فعالیت ها و اقدامات مضاعف دستگاه ها در ارتباط با موضوع سال به شکل های گوناگون (مستند، میزگرد و...) در برنامه ها منعکس شود.

۲ـ ج. دستگاه های اجرایی با حضور مسئولان و کارشناسان در این ارتباط، مورد نقد قرار گیرند؛ اما نقدها در عین جدی بودن، از افراط و تفریط و سیاه نمایی به دور باشد.

۳ـ ج. معرفی نمونه های همت و تلاش از دستگاه های اجرایی (مانند وزارت علوم، وزارت صنایع و...) با همکاری رسانه ملی امری شایسته و بایسته است.

۴ــ ج. ضعف های ساختاری و مدیریتی در دستگاه های دولتی و عمومی که منشأ کم کاری یا دون همتی می شوند، با حضور کارشناسان و صاحب نظران دولتی و دانشگاهی و نیز بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی در کارآمدی دستگاه ها شود.

۵ــ ج. نقش و جایگاه نظام آموزشی، مدیریتی و برنامه ریزی کشور در دست یابی به همت و تلاش با حضور کارشناسان حوزه های مختلف و نیز مسئولان دولتی و نمایندگان مردم، بررسی شود.

۶ــ ج. به مسئله «تأمین سلامت عمومی» و «ورزش همگانی» به عنوان یکی از مطالبات مقام معظم رهبری از دستگاه های اجرایی توجه شده و اقدامات انجام شده با حضور مسئولان مربوط بررسی شود.

۷ــ ج. برخی نقدهای جدی به دلیل وابستگی به صدا و سیما به نظام اجرایی از طریق بودجه، میسر نیست و موجب قهر و آشتی ها و یا قطع ارتباط هایی می شود که بایستی برای کم کردن این وابستگی چاره ای اندیشید.

۸ ــ ج. روند خصوصی سازی با تأکید بر میزان مشارکت بخش خصوصی و مردم در فعالیت های اقتصادی با حضور مسئولان و کارشناسان اقتصادی مطرح بررسی شود.

۹ــ ج. تأکید بر قاعده مند بودن و ضابطه مند کردن کارها در سیستم اجرایی کشور و نفی رانت خواری و امتیازات تبعیض آمیز در راستای گرایش بیشتر به همت و تلاش برای برخورداری عادلانه از ثمرات آن(نمایش عزم جدی مسئولان در مبارزه با ویژه خواری و سوء استفاده های اداری و اقتصادی بر امیدواری و جدیت تلاشگران می افزاید.) البته در این کار بایستی از سیاه نمایی و افراط و تفریط دوری کرده و بسیار هوشمندانه رفتار کرد.

ص: ۵۸

۱۰ـ ج. معرفی شیوه های مدیریت کارآمد و اثربخش در زمینه تشویق کارکنان به کار و تلاش، خلاقیت و مشارکت، بیشتر، در قالب برنامه های علمی، نمایشی و مستند (برای قشر مدیران).

۴. قالب های برنامه ای و ایده پردازی ها

اشاره

به طور طبیعی برخی از محورهای یاد شده با چندین قالب و ساختار برنامه ای سازگار و قابل ارائه است و برای برخی نیز تنها یک یا چند قالب محدود مناسب است. از این رو در این بخش، قالب های برنامه ای مناسب با هر یک از محورها مشخص شده است. لازم به یادآوری است. ذیل هر یک از قالب های برنامه ای، به جهت رعایت اختصار، شماره محورهای محتوایی ذکر شده است.

الف) قالب های برنامه ای

۱. قالب های نمایشی (فیلم، سریال و میان برنامه های نمایشی طنز) و سایر برنامه های تفریحی و سرگرم کننده

تقریباً اکثر محورهای محتوایی بیان شده، در قالب های نمایش قابل استفاده است؛ و می تواند به نوعی در برنامه های نمایشی مطرح شود. با این وجود محورهای ۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۲ و ۲۳ می توانند موضوع اصلی برنامه های نمایشی قرار گرفته و یا بخش اعظم محتوای آن را تشکیل دهند.

لازم به ذکر است محورهای یاد شده ظرفیت بالایی برای کارهای دراماتیک و همچنین برنامه های طنز دارند. در برنامه های نمایشی، افزون بر الگوی

داستان، دیالوگ ها، صحنه آرایی ها، شخصیت پردازی ها و حتی موسیقی فیلم می تواند هماهنگ با پیام ها و در جهت تأیید آن باشد.

۲. کارتون و انیمیشن و دیگر برنامه های نمایشی و قصه گویی برای کودکان و نوجوانان

از آنجا که نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان و نیز روحیات و افکار آنان، با مفاهیم خاصی بیشتر ارتباط دارد، برخی محورهای یاد شده در قسمت برنامه های نمایشی برای آنان چندان مناسب نیست.

از میان محورهای یاد شده، موارد زیر برای کودکان مناسب تر است و بیشتر مورد نیاز آنان می باشد.

محور ۶ (نفی تأخیر در کارها و موکول کردن به آینده (تسویف)

محور ۹ (قاعده مند بودن کارها در جهان آفرینش، در حد فهم و درک کودکان

محور ۷ (سیره ائمه در کار و کوشش)

محور ۱۳ (مذمت و تقبیح کم کاری، تعلل و... البته متناسب با درک کودکان)

محور ۱۴ (فرهنگ عزت و سربار نبودن)

محور ۱۶ (استفاده از فرصت ها)

محور ۱۷ (طرح الگوهای تاریخی همت و تلاش)

محور ۱۸ (تبیین نیرو و قابلیت های بالای جوانی)

محور ۱۹ (نفی عزلت نشینی و تقدیرگرایی و...)

محور ۲۴ (تقویت احساس مسئولیت به جای روحیه طلبکاری)

۳. نماهنگ و سرود

روشن است که نماهنگ ها و سرودها نقش بسیار مؤثری در تحریک و تهییج روحیات به سمت و سویی خاص دارند و چنانچه اشعار و صحنه آرایی ها به همراه موسیقی به درستی ملائم با مزاق مخاطبان انتخاب شود، بسیار تأثیرگذار خواهد بود. نماهنگ و سرود عمدتاً برای دو قشر زیر تهیه می شود:

ـ کودکان و نوجوانان

ـ عموم اقشار

که در هر یک بایستی محورها و مفاهیم منتخب برای کار مدنظر باشد. از محورهای محتوایی یادشده محورهای ذیل برای تهیه نماهنگ مناسب تر به نظر می رسند:

۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰

۴. علمی ـ آموزشی

محتوای مناسب برای این نوع برنامه ها شامل محورهای زیر است:

۲، ۵، ۶، ۹، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۵، ۲۸ و ۲۹.

۵. برنامه های معارفی

محورهای محتوایی در این نوع برنامه ها قابل طرح است: ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۲، ۲۴، ۲۶ و ۲۹.

۶ . برنامه های سیاسی اجتماعی (میزگردها، مصاحبه ها و گزارش ها)

محورهای زیر برای این نوع برنامه ها مناسب تر هستند.

۱، ۳، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱. و نیز ۱ـ ج و ۳ ـ ج و ۴ ـ ج و ۵ ـ ج و ۶ ـ ج و ۹ ـ ج.

۷. زیرنویس ها پلاتو و پیام مجری

در این قالب برنامه های از منابع غنی قرآن کریم، احادیث و روایات و ادبیات اصیل (شعر، حکایات و...) می توان بهره گرفت. اما بهتر است موضوع آن به محورهای زیر مرتبط باشد:

۱، ۲، ۳، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ و نیز محورهای ۱ـ ج و ۳ ـ ج.

۸ . برنامه های اقتصادی

محورهای زیر، قابل طرح در برنامه های اقتصادی است:

محورهای ۱، ۴، ۵، ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۷ و ۲۹. و نیز محورهای ۱ـ ج و ۳ ـ ج و ۵ ـ ج و ۸ ـ ج و ۱۰ ـ ج.

۹ . برنامه های ورزشی

شایسته است که محورهای ۳۱ و ۱۸ و محور ۶ ـ ج در برنامه های ورزشی مورد توجه فراوان قرار گیرد.

ب) ایده پردازی برای برنامه ها

از آنجا که موضوع همت و کار، با متن زندگی فردی و اجتماعی انسان ها بستگی تام دارد و نقشی بسیار مؤثر در رقم زدن سرنوشت آنان ایفا می کند، ظرفیت بسیار بالایی برای ایده پردازی و برنامه سازی دارد. محورهای محتوایی یاد شده و نیز متون غنی اسلامی و ادبی، منابعی بسیار غنی و سرشار از رهنمودها و نشانه ها در این مورد است که کار ایده پردازی را آسان می نماید و

هنگامی که برنامه سازان، با حس خلاق خود نیم نگاهی به شرایط اجتماعی و فرهنگی بومی داشته باشند، ایده های مؤثرتر و کارآمدتری را خواهند یافت.

با توجه به اینکه ایده پردازی برای برنامه سازی کاری گسترده بوده و به همه زمینه های اعتقادی، اجتماعی، ورزشی و... مربوط می شود، گروه های گوناگون برنامه ساز می توانند به صورت تخصصی در حیطه کار خود به خلق ایده های بدیع بپردازند.

بد نیست در اینجا یادآوری کنیم که ایده های مانند ایده های کلی زیر که از محورهای یاد شده و یا بهره گیری مستقیم از رهنمودهای اسلامی استفاده شده، می تواند به عنوان بن مایه برنامه های نمایشی در قالب دراماتیک یا طنز، مورد استفاده قرار گیرد.

* فردی در اثر عادت به تسویف (موکول کردن دائمی کارها به آینده): با فرصت سوزی، اوقات خویش را از دست داده و به حسرت می نشیند این فرد می تواند یک دانش آموز، یک کارمند و... باشد. این ایده در قالب فیلم کوتاه یا بلند، نماهنگ، کارتون ... قابل اجراست. (عکس آن نیز صادق است)

* قهرمان داستان با عزلت گزینی و مقدس مآبی به بهانه قناعت، متحمل نتایجی منفی ای مانند سربار شدن و... می شود و طی حوادثی، متوجه اشتباه خویش می شود (مطابق داستان، بخور تا توانی به بازوی خویش _ از سعدی)

* فردی به مشاغل کاذب اشتغال داشته و یا در شغل خود کم کاری کرده و دچار درآمدهای حرام و شبه ناک می گردد و این درآمدها بی برکت شده و در امور بی فایده ای مصرف می شود و در برنامه به صورتی ظریف ارتباط این دو نشان داده می شود.

ص: ۶۳

* دو دوست، پس از فارغ التحصیل شدن با روحیه متفاوت، یکی با روحیه همت و پشتکار و دیگری با روحیه آماده خوری و استفاده از راه های ناصحیح و به خیال خود میانبر، به کار می پردازند و پس از مدتی و طی حوادثی، مخاطب، شاهد رشد اعتبار و اوج گیری شخص اول و نزول اعتبار و آبروی شخص دوم می شود و شخص دوم با اعتراف به اشتباه خود تغییر رویه می دهد.

* یک دانش آموز در منزل و مدرسه دارای مشکلات زیادی است زیرا فرصت های خود را همواره به دلیل تنبلی و تأخیر در کارها و تسویف از دست می دهد، در اثر دوستی با دانش آموزی سخت کوش و منظم ــ پس از قهر و آشتی ها و ماجراهایی ــ تغییر رویه داده و به دانش آموزی پرکار تبدیل شده و از این طریق مشکلاتش خودبه خود حل می شود. این ایده با قالب طنز بسیار جالب و جذاب خواهد بود.

* فردی با وجود سن بالاـ اشتیاق به یادگیری و علم در او بیدار می شود و طی شکست ها و تلاش ها و همت های مجدد به موفقیت های عالی دست می یابد. (مشابه داستان معروف سکاکی)

* فردی که خود از بیماری لاعلاجی رنج می برد با وجود تلاش و کار زیاد، نتیجه درآمد خود را جز اندکی انفاق کرد، و مشکلات بسیاری از نزدیکان خود را حل می کند و خود، ساده زندگی می کند. که ناگهان به طور معجزه آسایی شفا می یابد و در کنار خانواده خویش خود را راضی و خوشبخت احساس می کند.

* استقامت یک جوان بر روی یک رشته کاری یا تحصیلی خاص و پرهیز از ورود در کارهای پردرآمد و جذاب دیگر ــ با وجود اصرار دیگران، ــ

موجب رشد و تعالی وی شده و به هدف خویش که اختراع مهمی است نائل می شود.

* اختلافات خانوادگی یک خانواده (که در حقیقت بخشی از آن مربوط به مشکلات مالی بخشی نیز مربوط به سستی های مرد و زن خانواده است) طی حوادث داستان مشغول شدن ساعات بیشتری از زندگی شان به کار، مشکلات آنان رفع می گردد.

* جوانی به یک تیم کاری وارد می شود؛ ولی به دلیل برخوردار نبودن از روحیه جمعی و ناهماهنگی با گروه، مشکلاتی را برای خود و جمع ایجاد می کند و طی ماجراهایی با جمع هماهنگ شده و اعتبار از دست رفته خویش را با همت و تلاش خود در همکاری با جمع، به دست می آورد.

* جوانی (به عنوان یکی از دانشمندان هسته ای) در یک برنامه مستند مجازی نحوه تلاش و موفقیت های خود را از زبان دانشمند حقیقی به صورت جذاب واگویه می کند (بدون ذکر نام و کدهای دیگر شناسایی).

* جوان بی کار حاضر نیست از شهر خود به شهر دیگری که در آنجا کار مناسب وی وجود دارد نقل مکان کند و همین مسئله مشکلات بسیاری را در شروع زندگی مشترک با همسرش و نیز ارتباطش با والدین و دیگران به وجود آورده است که دست آخر طی اتفاق جالب گذارش به محیط کاری مذکور افتاده و در آنجا احساس نشاط و شادی بی سابقه ای پیدا می کند و از اینکه زودتر به آنجا نقل مکان نکرده اظهار پشیمانی می کند و مشکلاتش با رفتن به آن مکان حل می گردد. «ایده از حدیث رسول اکرم(ص): شهرها، شهرهای

خداست و مردم بندگان خدا هستند. پس در هر جا خیری می بینی همان جا اقامت کن».(۱)

ص: ۶۶

۱- نهج الفصاحه، گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۵۵۷، ح ۵۵۷۲.

بخش سوم:مصاحبه ها

مقدمه

با توجه به ابعاد گوناگون مسئله همت و تلاش و نیز نقش های پیچیده و متنوع رسانه در این موضوع، مصاحبه با صاحب نظران ضروری می نمود. این صاحب نظران از یک سو بایستی با موضوع مورد نظر از بعد معارفی و اجتماعی آشنا بوده و از سوی دیگر به رسانه و کارکردهای آن کاملاً واقف باشند. لذا تعیین و دستیابی به افرادی که از هر دو ویژگی آن هم در حد بالایی برخوردار باشند کمی مشکل به نظر می رسید. به هرحال سعی شد تا افراد انتخاب شد. حائز شرایط لازم باشند و بتوانند دقت ذی قیمت خود را در اختیار بگذارند، که به این وسیله، از همه آنان قدردانی می شود. نکته دیگر آنکه سؤالات طراحی شده زیر برای مصاحبه تعیین گردید اما به دلیل دیدگاه های خاص صاحب نظران برخی از ایشان تعدادی از سؤالات را به هم مربوط دیده و آنها را یک جا جواب داده اند. لذا ساختار مصاحبه های انجام شده لزوماً یکسان نیست و شایسته است که از این جهت از خوانندگان عزیز عذرخواهی شود.

ص: ۶۸

سؤالات مربوط به مصاحبه با صاحب نظران

۱.به نظر شما فلسفه نام گذاری امسال به عنوان سال همت مضاعف، کار مضاعف چیست؟

۲.چه رابطه ای بین همت مضاعف و کار مضاعف می بینید که مقام معظم رهبری روی هر دو تأکید داشته اند؟

۳.چه راهکارهایی را برای عملیاتی شدن این شعار برای سال ۱۳۸۹ پیشنهاد می کنید؟

۴.چه عواملی را برای همت و کار مضاعف در جامعه مفید می دانید؟

۵.به نظر شما جامعه و کشور از چه ظرفیت ها و استعدادهایی برای شکوفایی، همت و کار مضاعف برخوردار است؟

۶.به نظر شما چه آسیب ها، ضعف ها، کاستی ها و موانعی در موضوع همت و کار مضاعف وجود دارد؟

۷.برای نهادینه شدن و فرهنگ سازی برای موضوع همت و کار مضاعف در جامعه چه پیشنهاداتی دارید؟

۸.مأموریت، تکلیف و رسالت رسانه ملی درباره موضوع سال چیست؟

ص: ۶۹

الف) رسانه ملی در تبیین، تحلیل و تعمیق موضوع همت و تلاش در جامعه چه جایگاه و نقشی دارد؟

ب) برای فرهنگ سازی از طریق رسانه چه پیشنهادهایی دارید؟

پ) با چه رویکردهایی می تواند به موضوع بپردازد؟

ت) روی چه ایده هایی می تواند کار کند؟

ث) چه قالب ها و چه نوع برنامه هایی می تواند بیشتر تأثیرگذار باشد؟

ج) برای ترغیب مخاطبان از چه عوامل انگیزشی می تواند استفاده کند؟

چ) چه حوزه های موضوعی را می تواند پوشش دهد؟

ح) چه طیف مخاطبانی را باید مورد هدف قرار دهد؟

خ) رسانه ملی به عنوان یک ناظر عمومی در ارتباط با تحقق این شعار در دستگاه های حاکمیتی چه نقشی دارد؟

ص: ۷۰

...

آقای پورمحمدی

اشاره

مدیر محترم شبکه ۳ سیما (قابل ذکر است ایشان پاسخ پرسش ها را به صورت مکتوب و با دسته بندی دیگری ارائه کرده اند).

بسمه تعالی

فلسفه نام گذاری: وضعیت کشور و ضرورت طرح این اولویت

مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید داشتند که آنچه ایران تاکنون به دست آورده است، در رشد اقتصادی، علمی، تکنولوژیک و همچنین رشد در حوزه فرهنگ عمومی و اثرگذاری سیاست خارجی، بسیار کمتر از ظرفیت و استعدادهای ماست. ابتدا باید دانست رشد نیاز به دو مؤلفه اساسی دارد: ۱.استعداد و امکان رشد؛ ۲. مدیریت استعداد و استفاده از این امکان.

آنچه مسلم است، این است که جمهوری اسلامی در همه حوزه ها از امکان و استعداد و ظرفیت بی نظیری برای رشد بهره مند است، ولی به هدر دادن فرصت ها و نداشتن مدیریت درست و جدی استعدادها، شتاب رشد را کاهش داده است؛ برای مثال، اندک جدیت محیط دانشگاهی ما در چند سال اخیر به

نتایـج حیرت آوری در حـوزه علم و فن آوری انجامیـد که چه بسـا اگر این جـدیت و اهتمـام پیش از این صـورت می گرفت، ایران همانند رشـته های نانوتکنولوژی، سـلول های بنیادی، فن آوری هسته ای و لیزر، در بسیاری از زمینه های دیگر هم پیشرو بود. تأکید مقام معظم رهبری بر کار و همت مضاعف، در واقع سفارش به مدیریت مجدانه منابع و استعدادهاست.

زمـانی در ایران خودبـاوری و اتکـا به نفس لازم برای حرکت وجود نـداشت، ولی به برکت انقلاب، این انـدیشه که «ما نمی توانیم» از بین رفته است. هم اینـک در محیط های دانشـجویی هیـچ نشانه ای از احساس تحقیرشـدگی و ضـعف وجود نـدارد، ولی نشانه های کم کاری و سستی در رسیدن به رخدادهای بزرگ آشکار است.

چنـد سال پیش مقام معظم رهبری بر «اعتماد به نفس ملی» تأکید کردند و در دیدار با مسـئولان دولت نهم بیان داشت که شـما اثبات کردید برخی اراده ها نافذترند. اینها همه حاکی از این است که معظم له مطمئن است آینده ای بسیار روشن و متعالی در انتظار است که این آینده با سـستی و ضعف دست یافتنی نخواهد بود. ازاین رو، نیاز امروز را در کار مضاعف و همت مجدانه دریافته اند.

راهبردهای رسانه ای برای ترویج و تحقق همت مضاعف و کار مضاعف در جامعه و دستگاه های دولتی

کـار جـدی و همت مضاعف، اقتضائات و همچنین موانعی دارد که بایـد در رسانه به آن توجه شود. در نگاه کلان، ملاحظاتی وجود دارد که باید به عنوان راهبرد در تولید برنامه های سیما مد نظر قرار گیرد. این ملاحظات عبارتند از:

ص: ۷۲

۱.مهم ترین عامل محرک برای کار جدی، «امید به آینده» است. طبعاً «ناامیدی، انگیزه حرکت را از بین خواهد برد.» رسانه قطعاً باید در ترسیم آینده ای روشن از کشور تلاش کند. این آینده روشن باید در همه زمینه ها به صورت ملموس به تصویر کشیده شود.

۲.انگیزه حرکت به سوی هدف ها و قله های بلند که مورد تأکید مقام معظم رهبری است، باید از طریق به تصویر کشیدن نتایج کارهای بزرگ انجام شود و صاحبان این همت و اراده به صورت جدی تشویق شوند. ایرانیان باید بدانند که تلاششان مورد توجه است و اثر کلان و ملی دارد.

۳.یکی دیگر از عوامل تقویت همت ها و اراده ها، اعتماد به قاعده مند و قانون مند بودن امور است. بی نظمی و بی قاعدگی امور، انگیزه حرکت را کم می کند، به گونه ای که اگر انسان احساس کند برای رسیدن به هدف ها و نتایج، میان برهای غیرقانونی و غیررسمی وجود دارد، دست از کار خواهد کشید، برای مثال می توان اذعان کرد عزم جدی نظام در مقابله با ویژه خواری و سوءاستفاده های اداری و اقتصادی و نشان دادن این عزم، به یقین بر امیدواری و جدیت تلاش گران حوزه های مختلف خواهد افزود.

۴.کار مضاعف و همت و اراده جدی با «لوکس گرایی و مصرف زدگی» در تضاد است. رفاه زدگی و تن آسایی در احادیث اخلاقی بسیار نکوهش شده است و سلوک انقلابی امام راحل= که در بیانات ایشان نیز متجلی است، مبتنی بر حرکت جدی و مبارزه مجاهدانه و دوری از تن آسایی و راحت طلبی است. بنابراین، باید به این فرهنگ که آن روی سکه ساده زیستی و مبارزه با اشرافیت است، در برنامه های نمایشی توجهی ویژه شود.

ص: ۷۳

۵.یکی از روش های بزرگان دین در تشویق و تحریک شاگردان خود به کار و همت مضاعف، یادآوری سرگذشت بزرگان و صاحبان همت های عالیه است. به یقین، تذکر ها و سرگذشت مردان و زنان بزرگ تاریخ به ویژه منش بزرگان دین در این زمینه، سبب افزایش انرژی و تقویت انگیزه حرکت و تکاپو خواهد شد.

۶.در بیانات مقام معظم رهبری بارها استفاده از «نشاط جوانی» به عنوان یک ارزش و ضرورت مطرح شده است. بی شک جوانان توانایی دوچندانی در اداره و پیگیری امور دارند. تقدیر از مدیران جوان و موفق و تشویق سیستم به استفاده از جوانان و سپردن کار به آنها باید راهبرد برنامه های تبلیغی قرار گیرد.

۷.به لحاظ معرفتی نیز باید تفاوت نگاه دینی با نگاه غربی درباره «کار» تبیین شود. در ادبیات دینی، کار نوعی مجاهده و عبادت است و وظیفه انسانی تلقی می شود، درحالی که در نگرش غربی، نوعی شکنجه و رنج جسمانی تلقی می شود که باید به هر ترتیب از آن رها شد. در نگرش غربی، زندگی، حوزه ای جدا از اشتغال و کار است و کار را برای کسب درآمد به منظور مصرف آن در ایام فراغت و تعطیلات می دانند. بنابراین، برای روشن شدن موضوع باید با تکیه بر احادیث و آیات قرآن، اهمیت کار و همت و ارزش آن به عنوان یک عبادت ارزشمند و زشتی سستی و کسالت و بی کاری تبیین شود.

۸.کار مضاعف صرف نظر از کشش درونی، متأثر از عوامل بیرونی نیز هست. یکی از عوامل تأثیرگذار، نظارت و پیگیری است. رسانه می تواند در نقش یک چشم دقیق و ناظر پیگیر ظاهر شود و از به نتیجه رسیدن پروژه ها و برنامه های کلان به ویژه برنامه های ناظر به سند چشم انداز بیست ساله جویا شود.

ص: ۷۴

۹.یکی از عوامل تشویق کننده به کار مضاعف، یادآوری فداکاری هایی است که برای رشد و تعالی کشور در گذشته رخ داده است. به یقین، یادآوری رشادت ها و جدیت شهدا و ایثارگران در حفظ نظام و تعالی کشور، با روحیه سستی و اهمال کاری در تضاد خواهد بود.

۱۰.باید نسبت کار و همت مضاعف با قطع وابستگی به غرب و بیگانگان تبیین شود. هر کاری در ایران هرچند کوچک و جزئی، اثری کلان و تاریخی دارد که آن، افزودن نیرویی به توان کشور برای استقلال و خودکفایی است.

۱۱.یکی از مشکلات کشور، ساختار معیوب اداری و بورکراسی فرسایشی است. عیب ها و ایرادهای این سیستم به صورت اختصاصی در نسبت با هر دستگاه باید در برنامه های ویژه ای نقد و بررسی شود؛ برای نمونه، در آموزش عالی باید نسبت دوره های تحصیلی با میزان تخصص حاصل شده سنجیده شود و علت های سستی و بی انگیزگی علمی دانشجویان بررسی شود. همچنین در آموزش و پرورش، بخش صنعت و بخش های دیگر، هرکدام ویژگی هایی وجود دارد که ناشی از ضعف در ساختار اداری و مدیریتی است.

۱۲.رسانه همچنین باید درباره مباحث روان شناختی به ویژه روان شناسی کار، برنامه هایی تولید کند، برای مثال، علل دل زدگی و خستگی زودهنگام از کار، دلایل ناامیدی و سستی از پیگیری کار تا رسیدن به نتیجه، عوامل تقویت کننده پشتکار، روش برطرف کردن احساس نارضایتی، نسبت میزان و نوع کار با مسائل جانبی اش مانند خانواده و...، از موضوع های قابل بحث است.

ردیفراهبردهای کلان در حوزه برنامه سازیگروه های مربوطه

۱تصویرسازی امیدبخش نسبت به آینده و پرهیز جدی از سیاه نماییاجتماعی، اقتصاد، سیاسی، فیلم و سریال

۲به تصویر کشیدن نتایج عظیم کارهای کوچکاجتماعی، فیلم و سریال

۳تأکید بر قاعده مند و منظم بودن امور و تقبیح میان برهای غیرقانونیاجتماعی، اقتصاد

۴تبیین تعارض لوکس گرایی و مصرف زدگی با روحیه کار جدی و کوششمعارف، سیاسی، اجتماعی

۵یادآوری شیوه زندگی بزرگان و صاحبان همت های عالیهمعارف، اجتماعی، فیلم و سریال

۶تشویق مدیران جوان و تبلیغ برای استفاده بیشتر از «نشاط جوانی» در عرصه مدیریتاجتماعی، فیلم و سریال

۷تبیین تفاوت نگرش دینی با نگرش غربی درباره «کار»معارف، اجتماعی

۸ایفای نقش رسانه به عنوان چشم پیگیر و ناظر در پروژه ها و برنامه های کلان ملیسیاسی، اقتصاد، اجتماعی

۹یادآوری فداکاری های ایثارگران و شهدا در تعالی کشور برای مبارزه با روحیه ضعف و سستیمعارف، اجتماعی، فیلم و سریال

۱۰تبیین نسبت کار و همت مضاعف با قطع وابستگی به غرب و بیگانگاناجتماعی، معارف، سیاسی

۱۱بررسی عیب ها و ایرادهای دستگاه بوروکراسی و نقش آن در بی انگیزگی و سستی افراداجتماعی، اقتصاد

۱۲آموزش روان شناسی کار به منظور برطرف کردن عوامل بی انگیزگی و سستی و تقویت روحیه جدیت و کاراجتماعی، معارف

ص: ۷۶

حجت الاسلام و المسلمین رحیم زاده (مشاور محترم ریاست سیما فیلم)

لطفاً درباره فلسفه نام گذاری امسال توضیح بدهید.

بسم الله الرحمن الرحیم

اینکه رهبر عزیز انقلاب، امسال را سال همت مضاعف و کار مضاعف اعلام کردند، به نظر من فلسفه جدیدی جدا از چیزی نیست که ایشان در سال های گذشته، هر سالی را به عنوانی نامیده اند. مقامی که ایشان دارند، مقام سیاست گذاری کلان است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی و به لطف خدا، یک نحو وحدت رویه ای در سلک و مسلک ایشان وجود داشته و این وحدت رویه پایدار خواهد بود. اگر ما نگاهی بیفکنیم به عنوان هایی که تاکنون روی سال ها گذاشته اند، می بینیم همت مضاعف و کار مضاعف در سلسله همان عناوین است. من جست وجویی کردم و دیدم در سال ۷۳، عنوان وجدان کاری و رعایت انضباط اجتماعی را برگزیدند. سال ۷۴ را سال رعایت انضباط اقتصادی و پرهیز از اسراف و زیاده روی نامیدند. سال ۷۵ را سال پرهیز از اسراف در استفاده از منابع عمومی و مالی و طبیعی دانستند. سال ۷۶ سال آراسته شدن ملت ایران به فضیلت های اخلاقی و توجه به معنویات؛ سال ۷۷،

پرهیز از اسـراف و پایداری بر مواضع اسـلامی و انقلابی و سال ۷۸، سـال امـام بود که به نظرم جامع همه این ملکات و فضائل بود؛ به این معنـا که وقتی اسم امـام بیایـد، همه این فضایـل و ملکات یک جا جمع می شود. سال بعـد از آن، سال امیرالمؤمنین بود که نام حضرت امیر نگاهی ایدئولوژیک در کشور پدید آورد، یعنی فرهنگ علوی.

ایشان سال ۸۰ را سال اقتـدار ملی و اشـتغال آفرینی نامیدنـد. سال ۸۱ هم سـال عزت و افتخار حسـینی و سال ۸۲، سال نهضت خـدمت گزاری بود. حتی امسال هم که سال همت مضاعف و کار مضاعف است، دوباره تأکیـدشان بر خـدمت گزاری است. در همه این موارد، ایشان منشوری را در نظر دارند که محتوا و مضـمون اصـلی آن منشور کشور را به سـمت پیشـرفت همراه با عـدالت سوق می دهـد. حالاـ وقتی ما می خواهیم به این پیشـرفت، همراه با عـدالت، نگاه کنیم، بایـد به نام گـذاری ها نیز نظر داشته باشیم. ایران به پیشرفت همراه با عدالت توجه دارد. هر سال بر اساس اطلاعات و تحلیل ها و داده ها، نام گذاری صورت می گیرد. بر اساس برجسـتگی های هر موضوع بایـد ببینیم تحقق عملی افق اصـلی که همان پیشـرفت همراه با عدالت است، به چه عناصـر و اجزایی منوط است که این عناصـر و اجزا جنبه ملی و همگـانی و عمومی دارد. هم ملاحظـات آحـاد و تـک تک افراد در آن وجود دارد و هم ملاحظـات جـامعه به عنوان جـامعه و نیز ملاحظات دسـتگاه حاکمیت. ایشان همه اینها را در کنار یکدیگر قرار می دهند و در جهت رسـیدن به آن افق و هدف، نگاه می کنند که چه چیزی را باید برجسـته کنند. وقتی دقت و بررسی می کنیم، می بینیم اتفاقاً عناوینی را که ایشان در سال های گذشته الحق و الانصاف بیان فرمودند، پاشنه

آشیل های قصه آن، پیشرفت همراه با عدالت است. به نظر می رسد اگر این عناوین محقق نشود، رسیدن به آن اهداف و هدف بزرگ نیز به جز یک آرزو چیز دیگری نیست. زمانی که ایشان موضوع سال را بیان می کنند وظیفه بقیه آغاز می شود. هرکسی در جامعه به عنوان یک فرد مؤمن و مسلمان و دیندار و طرف دار انقلاب یا حتی پایین تر از آن، هرکسی که فقط ایران را به عنوان یک مرز و بوم و ارزش برای خودش می داند به عنوان شهروند متعهد، در هر درجه ای با هر عنوانی، باید خودش را با این عنوان منطبق بکند. هرچه مسئولیت بیشتر و امکانات و ظرفیت شما بیشتر باشد، طبیعتاً انتظارهای بیشتری هم برای انطباق با آن عنوان هست. مثلاً- اگر می گویند پرهیز از اسراف در سال ۱۳۷۵، هرکس که در زندگی فردی خود و هرکسی در موقعیت بالاتر که بخشی از مدیریت را در اختیار دارد و در این مدیریت، ظرفیت های فراوانی در اختیارش هست، طبیعتاً انتظار بیشتری از او هست که ببیند نسبت به اسراف چه موقعیتی دارد و آیا چیزی از اسراف در روند و رویه و رفتار و زندگی فردی او وجود دارد؟ ما هم فرد را باید مسئول بدانیم و هم جامعه را و در رأس آن، کسی که مدیریت این جامعه را به عنوان حاکمیت، به عهده دارد، طبیعتاً مسئولیت بیشتری بر عهده دارد. مثلاً سال ۸۳ سال پاسخ گویی بود. سال ۸۴، سال هم بستگی و مشارکت عمومی؛ سال ۸۵، سال پیامبر اعظم۹؛ سال ۸۶، سال اتحاد ملی و سال۸۷؛ سال نوآوری و شکوفایی و سال ۸۸، سال اصلاح الگوی مصرف بود. سال گذشته ایشان گفتند عنوان برای یک سال نیست. قرار شد ما بنای آن را بگذاریم و تمام رفتارها و رویه هایمان را منطبق با آن دربیاوریم و به نقطه مطلوبی از به اصطلاح مصرف و الگوی مصرف

برسیم تـا به امسـال برسـد. اگر همه عنوان های سال ها را در نظر بگیریـد، به مسئله همت پی می بریـد. همه آن عناوین، به ما کمـک می کنـد که ببینیم همت مـا برای چه چیزی است. مـا بایـد گذشـته را آینه برای بصـیرت بـدانیم. که براسـاس آن افق، همتمان را پایه گـذاری و وقتی همت خودمان را پایه گذاری کردیم، وقتی مرد در قاموس خودش به همت دست یافت، طبیعتاً متناسب با آن همت، بیشتر کار می کنـد. کار مضاعف برگرفته از همت است. شـما هر مقـدار که همتتان بلند باشد، متناسب با آن بایـد کار کنید. در یک جمله عرض می کنم فلسـفه وجودی عنوان سال ۸۹، وابسـته عناوینی است که در سال های گذشته دیـدیم. همه اینهـا در جهت آن افق بلنـد است. مـا بایـد خودمان را برای سال ۱۴۰۰، آمـاده کنیم. به هر حال برجسـتگی ما در منطقه، به عنـوان کشوری اسـلامی و ام القرای اسـلامی، بایـد متفـاوت باشـد. در حـال حاضـر هم جایگـاه خوبی داریم و برای رسیدن راه زیادی نداریم. تقریباً سه برنامه دیگر مانده است. برنامه های پنج ساله ما باید سپری شود و برنامه ها ما را به آن افق می رساننـد. نبایـد این زمـان را از دست بـدهیم. یادمـان باشـد فرصت کم است. وقتی فرصـتمان کم باشـد، زیان می کنیم باید فرصت شناسـی و روح فرصت شناسـی در ما تقویت شود. اقتضا می کنـد که همت ما چند برابر شود. مبادا از آن افق و اهداف که اهداف انقلاب و دین است، جدا شویم. ان شاءالله بتوانیم به آن جایگاهی چنگ بزنیم که شایسته ماست.

ص: ۸۰

اینکه در این مقطع زمانی، بحث همت و کار مضاعف طرح شده، وجه مشخصی دارد. مثلاً شرایط اجتماعی و موقعیت کنونی ما، موقعیت خاصی است؟

ببینید شرایط را ایشان می بینند و بررسی می کنند. ببینید همت مضاعف، مقتضیاتی دارد و این مقتضیات برای این عنوان و شعار وجود دارد و چیزی است که در واقع ایشان را مصمم می کند که این سال را به عنوان همت مضاعف بنامند و شاید این شرایط را ما ایجابی ببینیم. مقتضیات را ایجابی بنگریم. صرفاً نه به این دلیل که یکسری موانعی در سال گذشته بود. هرچند در سال های گذشته هم سال همت بزرگی بود که خود ایشان نیز گفتند: سال همت ایران. بالاخره شرایط خاصی که هیچ گاه در این سی ساله برای کشور پیش نیامده بود، پدید آمد و هیچ کس تجربه ای نداشت. من خبر ندارم، ولی احتمال قوی می دهم که ما توانستیم این مشکل را در درون خودمان حل کنیم. برخی شرایطی که در سال گذشته پیش آمد، در بعضی کشورها، اگر نصف آن هم پیش می آمد، نیاز به دخالت های خارجی داشت. دست خارجی ها را برای دخالت باز می کرد، ولی در کشور ما، یک وحدتی پیش آمد. با لطف خدا و تدبیری که رهبر انقلاب و بزرگان و مردم ما، داشتند، همه دست به دست هم دادند و به وحدت رسیدند. در نهایت این یک همت بود که ما خواستیم مشکل را حل کنیم و توانستیم. این جمله که شما گفتید، خودش جنبه محرکی دارد. بنده در سال های قبل جست وجو کردم و جلو آمدم. به خصوص در ده سال گذشته و هرچه جلوتر می آییم، جهش هایی را می بینیم که در نسل ما، به خصوص جهش های فردی ما در جوان ها پدید آمد و بر اساس آن اتفاقات، جهش هایی مشاهده شد. ممکن است کسی بگوید پیشرفت های جهشی،

محدود و معدود است، ولی ما می گوییم بالاخره جهش است و ظرفیت آن وجود داشته است. در جاهای دیگر هم ظرفیت آن وجود دارد، زمانی ما برنامه ریزی کردیم که به اینجا برسیم. خب می گفتیم نتیجه برنامه ریزی خودمان است. من نمی خواهم بگویم اصلاً برنامه ریزی وجود نداشته، ولی این را می توانم به عنوان یک ناظر بگویم که برنامه ریزی های ما در جهت تحقق این جهش ها نبوده است. در دل آن تولد، چنین جهش هایی را نمی دیدند، ولی می بینیم این جهش ها اتفاق افتاده است. به هرحال ما دنیا ندیده نیستیم. دنیا، دنیای علم، تکنولوژی و ارتباطات است و شرایطی فراهم است که هر اتفاقی که برای هر کسی بیفتد، عالم مطلع می شود، ولی به هرحال کشوری که در تمام این اتفاقات وجود نداشته و پایه های لازم را نگذاشته، زیان کرده است.

به نظر من چیزی بیش از همه، فلسفه این سال را به عنوان سال ۸۹ عرضه می کند، نگاه به این جهش هاست، چون پایه های علم را باید محکم کرد بر اساس این جهش ها، نسل جوان، امید فراوان دارد. شعار ما می توانیم که خود ایشان هم بر این مسئله خیلی تأکید داشتند، به ما خیلی کمک می کند. ما می توانیم به هر کاری که بخواهیم و در شأن و منزلت ما باشد، به آن برسیم، ولو آنکه به صورت طبیعی، فاصله ما با آن زیاد باشد. آن نگاه جهشی، می تواند فاصله ما را کم کند. همان طور که در دفاع مقدس هم همین گونه بود. وقتی می خواستیم امکاناتی ایجاد کنیم، در شرایط جنگ، چه جنگ های دفاعی و پشتیبانی و تدارکی مان، آماده سازی هایی که می خواستیم انجام بدهیم، می توانستیم. شرایط به ما می گفت که در یک بستر زمان طولانی، شما می توانید به آن مرحله برسید، همتی که عزیزان ما داشتند، چه در میان رزمندگان و غیره، فاصله ما را با خواسته ها و آرزوهایمان کوتاه کرد. یک پل یا جاده ای

می ساختند و تسهیلات و امکاناتی را فراهم و دشمن را زمین گیر می کردند. در زمان دفاع مقدس عرصه بر ما تنگ بود و بالاخره مسئله غیرت و آب و خاکمان بود، ولی امروز هم همان شرایط را می بینیم. برای نمونه ما در کشورمان، دو تا تونل زد ه ایم. که در عرض ۳۵ ماه، توانستند این تونل را تأسیس و بدون عیب و اشکال، مردم از آن استفاده کنند. بسیاری از اتفاقات دیگری که در کشور ما می افتد، در معرض دید مردم است و هنگام رفت و آمد از تونل چند کیلومتری استفاده می کنند. ساخت تونل به ما نوید می دهد. می گوید این جهش است، نه اتفاق. این جهش است، یعنی اینکه شما از مسیری که قبلاً از نظر امکانات، شرایط و زمان بندی در یک وضعیت معمول، محقق می کردیم، حالا در زمانی کوتاه تر می توانید انجام بدهید و به آن دست یابید.

بسیاری از پیشرفت هایی که در کشور حاصل شده، در شرایط معمول و بدون گرفتن از کسانی که صاحب این تکنولوژی و صاحب این علم و دانش هستند، معمول نیست. حال آنکه راه برای ما بسته است. به هزار دلیل که پیش روی ما قرار دادند، محاصره و تهدید و قطع رابطه، ولی ما می بینیم در همین بستر اینها محقق شده است.

اگر ایشان سال ۸۹ را به عنوان سال همت مضاعف و کار مضاعف اعلام می کنند، مقتضیات و شرایطی وجود دارد. آن شرایط ممکن است همه فراگیر چیست؟ آن مقتضیات چیست؟ مقتضیات جهش است. خواستند ما حرکت جهشی داشته باشیم. این حرکت وجود دارد. وقتی ایشان این سال را اعلام می کنند، هدفشان چیست؟ هدف ایشان این است که این را نهادینه و همگانی کنند و به فرهنگ عمومی تبدیل شود. ما می توانستیم در چند جا، این کار را

انجام بـدهیم و به موفقیت هم دست پیـدا کردیم و به لـذت آن هم رسـیدیم و لـذت آن هم در کام خودمان و مردممان وجود دارد. حالا بیاییم آن را در زمینه های دیگر هم انجام بدهیم. این به نظر من بهترین فلسفه است.

در نام گذاری امسال بحث همت مضاعف و کار مضاعف، هر دو دیده شده اند، علتش چیست؟

این دو تـا، لازم و ملزوم هسـتند. اینها یک رابطه همه جانبه با هم دارنـد. شـما تا همتی نداشـته باشـید، انگیزه کار نداریـد. هر کاری نیاز به انگیزه درونی دارد و چیزی که بتوانـد آن انگیزه درونی را به وجود بیاورد، عزم و اراده است و آن عزم و اراده بر چه است؟ آن عزم و اراده بر چه اساسـی تشـکیل می شود؟ بر اساس دوراندیشـی و عاقبت اندیشی و معاداندیشی است. امیدی که به تحقق آینـده نیـاز دارد، تحقق آرمان هایی در آینـده. این همت به شـمار می آیـد. مجموع اینها در انسان انگیزه ای را به وجود می آورد و انگیزه به عمل تبـدیل می شود و از آن طرف هم، کار مضاعف می توانـد، همت انسان را بلنـدتر کند. وقتی شما تصـمیم گرفتید برای مقطعی به قله برسـید و رسـیدید و برنامه ریزی کردید و تمام شـرایط را به وجود آوردید که طبق آن هـدفتان به قله برسـید، می گوییـد افق خود را بالاتر قرار بـدهم و همت خودم را افزایش بـدهم. کسـی که ده ـ دوازده سال از عمرش گذشته، می گوید من سواد ندارم، بروم و خواندن و نوشتن یاد بگیرم. همه می گویند عمری از تو گذشته است. خوب تلاش می کنـد تا خوانـدن و نوشـتن را یاد بگیرد. این به من کمک می کند که مدارج علمی را طی کنم. بنابراین همت و کار از یک جهت مهم است. تا همت هم نباشد، کاری پدید نمی آید، ولی اگر از

مرحله اول عبور کردیم، و به مرحله کار رسیدیم، می توانیم فاصله مان را تا اهدافمان کاهش بدهیم.

وقتی همت محقق می شود، هدف نیز محقق می شود و به اهداف بعدی دست می یابیم.

شعار «ما می توانیم» همت را قوی می کند. اگر روز اول همت داشته باشید، ولی همت به کار تبدیل نشد، به آن همت نمی گویند، بلکه آرزو می گویند. شما آرزو داشته باشید و حرکتی انجام ندهید، هیچ جنبه تشویقی ای ندارد.

برای اینکه همت مضاعف و کار مضاعف در سطح جامعه، در حد یک شعار نماند و واقعاً عملیاتی و به آن عمل بشود، چه پیشنهادی دارید؟

کمی معرفت لازم است. ما باید بدانیم بدون معرفت نمی توانیم به این شعار و همت های عالی توجه کنیم. در واقع چیزی که عزم را در انسان به وجود می آورد، دوراندیشی و نگاه به آینده است. ما باید موضوع آینده بینی و عاقبت اندیشی، عزم و دوراندیشی را در جامعه ترویج و به هم کمک کنیم که دید مان باز شود. همه به هم کمک کنیم تا دایره دید و افق و انتظارمان گسترش یابد. نکته بعدی این است که موانع را کم کنیم، موانعی که بر اساس آن انسان دوراندیشی می خواهد تا بتواند حرکت کند، اما می بیند که هزار مانع وجود دارد. بسیاری از این مانع ها به خاطر مانع های بیرونی است. البته معتقدم این مانع های بیرونی در حدی نیستند که نشود با انگیزه های فردی از پس آن برآمد. به همین دلیل است که رهبر انقلاب موانع را دیدند و گفتند: همت مضاعف.

ص: ۸۵

اگر آنها می خواستند به پیشرفت ها نگاه کنند و فقط موانع را ببینند، نمی توانستند به هدف برسند. ما هم به تبع آن، امروز به هیچ گونه لذتی نمی رسیدیم، عرض من این است که وقتی این به دیدی عمومی بدل شد، همه تلاش کنیم این موانع را برداریم تا این نگاه جهشی را در همه جا به وجود بیاوریم. این نگاه جهشی که از یک نقطه شروع شده و پیش آمده و ساختارشکنی کرده، در محیط خودش، به دستاوردی جدید رسیده است. این نگاه را گسترش بدهیم. البته عرض کنم این جهش ها، مانع عقلانیت نیست و عقلانیت را نفی نمی کند. هر نگاه جهشی امروز، مستلزم آن است که آن را در نقطه غایت و در مسیر و فرآیند آن، با عقلانیت بسنجیم. در این زمینه، تجربیات خودمان و بشر در جهان هست. اینها را باید به استخدام بگیریم و بیاییم این حرکت های جهشی را توسعه بدهیم و تکثیر کنیم. این همان چیزی است که می تواند به تحقق این شعار کمک کند. این چیزی است که باید به همدیگر توصیه بکنیم و اگر خدای نکرده موانع جان دار و سرسخت و جان سختی داریم، اول عزم خود را جزم کنیم که آنها را از سر راه برداریم که این موانع زیاد است و علت آن را هم عرض کردم. ما مسئله و مانع مهم دیگری هم داریم که منابع و امکانات محدود است. نباید به این امکانات و منابع محدود فکر کنیم و از حرکت باز بایستیم. باید بیاییم و چاره سازی کنیم. اگر مشکلات نقدینگی و بودجه داریم و شرایط انسانی و نیروی انسانی ما کفاف آن را نمی دهد، باید تفکر کنیم و بنابر همین اصل، نقش حاکمیت به معنای قوای سه گانه، آنها که مجریان مسائل اجرایی کشور هستند و یا در بُعدی قضایی، مسئولیت دارند، به این موانع فکر کنند و برای برداشتن آنها یا برای کاهش آنها، فکر جدی داشته باشند. این اندیشه ها می توانند به حرکت جهشی

ما کمک کننـد و آن را به جلو ببرنـد و نقطه امیدی ایجاد کنند و حرکت آفرینی پدید آورند. اگر این مورد نباشد، بسیاری از جوان هـای مـا می خواهنـد به صورت طبیعی حرکت کننـد و وقتی می آینـد و می بیننـد بـا اولین موانع برخورد کردنـد، طبیعتاً پشیمان می شوند و همت هایی که در آنها به وجود آمده، از دست می رود. و حرکتی که می خواهیم، محقق نمی شود. مهم این است که بتوانیم مسئله همت مضاعف را در آحاد مردم جا بیندازیم.

طبعاً به نظر شما رفع موانع مهم ترین مسئله است. مهم ترین راهکار شما در این زمینه چیست؟

ببینیـد نمی توان گفت کدام مهم است و کدام مهم نیست. همه اینها با هم است. اولاً اگر حرکت جهشـی در یک یا چند نقطه است، خود اینها باید ترویج بشود. این شـعار «ما می توانیم» باید حرکت بیافریند و انرژی زا باشد. فقط نگویند آنهایی که برای فلان دانشگاه هستند، آنها که فلان مدرک تحصیلی را دارند، باید به این موضوع فکر کنند.

این کار نیاز به فرهنگ سازی دارد؟

بله. بایـد این حرکت جهشـی در بعضـی نقطه ها پیـدا شود و جلوه پیـدا کنـد و بر اساس آن کارهایی انجام شود. ما بایـد نشان بـدهیم بـدون تکیه به هرگونه رانت و امتیـازی خاص، امتیازها و انگیزه های درونی بوده که شـکل گرفته و افراد موانع سـر راه خودشـان را برداشـتند. از آن طرف هـم حـاکمیت کـه آنهـا را شـناخته و مـوقعیت هـا آنهـا را می دانـد، تسـهیلات لازم را در اختیارشان قرار داده است. باید این را بیاییم ترویج بکنیم که من هم در گوشه روستا نشستم و راه من به

بهترین دانشگاه و دست رسی به بسیاری از امکانات و بودجه های خاص دور است، احساس نکنم تکلیفی ندارم. این باید به فرهنگ تبدیل شود. این فرهنگ سازی به دو چیز نیاز دارد: ۱. بینش و معرفت؛ ۲. رفع موانع. ما همه باید این را برای خودمان مسجل کنیم و قطعی بدانیم که نمی توانیم موانع را به صفر برسانیم. مثلاً این دنیا دار زحمت است و همه کارهایش با زحمت و تلاش انجام می شود. یک زمانی ما می سازیم و خراب می شود. اصلًا به قول پیامبر اکرم۹ به ابوذر می فرمایند: دنیا همین طور است که می سازی و خراب می شود. ممکن است همین طور که دارید می سازید، همین طور در سازندگی یک نفر خرابی باشد. این را بدانید که با وجود این عزم و اراده ای که در ما شکل می گیرد، می توان آن قدر قوی بود که همه این موانع را پس زد و عبور کرد.

چه عواملی به گسترش همت مضاعف و کار مضاعف در جامعه کمک می کند؟ چه موانعی بر سر راه همت مضاعف و کار مضاعف هست؟

موانع اصلی ناشی از غفلت است. مطالبی را که ما نمی دانیم، دو دسته هستند. یک دسته آنهایی هستند که ما تلاش می کنیم، اما نفهمیدیم. می گوییم فلان چیز را نفهمیدم، ولی تلاش می کنم که مجهول را برای خودم حل کنم. اینها را نمی گویند بد است. همان دانش است، ولی یک سری نفهمی هایی ما داریم که ناشی از غفلت است و مهم ترین مانعی که سر راه همت است، در واقع نفهمی ناشی از غفلت و کبر است. نفهمی ملائکه ناشی از غفلت نیست. همیشه آگاه و هوشیار هستند. حالا با این هوشیاری خودشان حرکت می کنند تا چیزهایی را که نمی دانند، بفهمند. چیزی که مانع جدیت است، غفلت است. در مقام

ص: ۸۸

عمل، بحث بینش است. هر فرد در حرکت غریزی خودش فقط به بخش شهوات خودش اکتفا کند و خب البته غریزه یک بعد شهوانی دارد و یک بعد مادون دارد ولی غرایز مبنای حرکت ما هستند، هر حرکتی که ما در وجودمان شکل می گیرد مبنای آن غریزه است. منتها یک حدی هست که این حرکت غریزی در حد شهوت متوقف می شود و افق آن شهوت می شود، یک زمانی ما این شهوت را پشت سر می گذاریم، افق های عالی را در جهت غرائز خودش قرار می دهیم و این غرائز در واقع موتور محرکه هستند، در جهت رسیدن به آن. آن عنصر دومی که می تواند مانع این همت بشود این است که انسان خلاصه بشود در شهواتش، خوش خوردن، خوش خوابیدن، خوش چریدن، اینها مهم ترین مانع همت ماست که اگر فرصتی برای ما پیش آمد و امکانی برای ما پیش آمد، می گوییم خب این امکانی است که فعلاً ما در جهت غرائز شهوانی و خواسته های شهوانی و راحت طلبی خودمان استفاده کنیم. نه، آنی نباید ما غافل باشیم و آنی نباید شهوات ما را زمینگیر کند، به اصطلاح آن حدیث امام که؛ «و لا تَنتَضِلُ فی هِمَمِهِم خَدائعُ الشَّهوات»، خدعه شهوات مانع نمی شود، که اینها حرکت کنند. چون شهوات برای انسان هدف قرار می دهند خودشان هدف می شوند، وقتی می شوند هدف، یعنی من فریب آنها را خورده ام. چون همه به دنبال هدف هستیم، هرکسی که هرکاری را انجام می دهد. یک پرنده که حرکت می کند و به آن سمت می رود برای هدفی می رود. گاهی این هدف ما، شهوت ما هست. و اینجا است که آن همت های عالی در وجود نابود ما می شود.

پس یعنی می فرمایید کسی که همتش فقط شکمش است، آن اهداف و همت های کوتاه و زودگذری است که شما را مشغول می کند و نمی گذارد.

اما اینکه کسی که می تواند همت را در ما افزایش بدهد، عوامل آن است. عواملی که می تواند همت را در ما بالا ببرد. حضرت امام حسن مجتبی7 از پدرش در مورد عزم و دور اندیشی سؤال می کنند که، می فرماید؛ «اَن تَنْتَظِرَ فُرصَتَکَ و تُعاجِلَ مَا اَمْکنک»،(۱) خیلی زیبا می فرمایند حضرت، می گویند اگر خواستی در تو دوراندیشی تقویت و اضافه و افزوده بشود منتظر فرصت باش و آن امکانی را که برای تو ایجاد شده در آن عجله کن. شما نگاه کنید به حیوانات وحشی، مانند شیر و ببر. این حیوانات وحشی، غذا و خوراکشان را از طریق صید به دست می آورند. اینها تا گرسنه نشوند، صید نمی کنند. وقتی گرسنه می شوند و این طلب در آنها به وجود می آید، تمام وجودشان فرصت شناسی و تمرکز روی هدف است. دنبال یک فرصت صید هستند. می چرخند و حرکت می کنند تا صید را در نقطه ای پیدا کنند و بتوانند بر آن چیره شوند. نکته دوم این است که تا تو قدرت پیدا کردی که تسلط پیدا کنی، بچسب و فرصت را از دست نده. منتظر فرصت باش و تا فرصت را به دست آوردی، عجله کن. عجله جایی بد است که تو هنوز فرصت هایت را شناسایی نکرده ای و تمام فرصت هایت را به دست نیاورده ای، ولی وقتی تو فرصت را به چنگ آوردی، باید بپری و لحظه ای نباید غافل باشی. بعد از این اندیشه و عمل پیش می آید. در بُعد اندیشه به شما فرصت شناسی می دهد. این عاملی

۱- بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۱۱۱.

است که می تواند همت های ما را افزایش دهد. وقتی فرصت ها را شناختیم، در شکار فرصت ها دقیق باشیم.

یک حدیث دیگر هم حضرت دارند که در همین باره است. می گویند: کسی که به وعده اش منجز می شود، محقق می شود. یک عده خوب وعده می دهند، اما خوب عمل نمی کنند. خوب برنامه ریزی می کنند، اما به برنامه ریزی خود عمل نمی کنند. می گوید من از فردا برای اینکه به تندرستی برسم، هر روز صبح ورزش می کنم. همت در او شکل می گیرد، ولی فردا صبح، می گوید امروز را رها کن. شما دو بار با خودت وعده کنی و عمل نکنی، دیگر با خودت وعده نمی کنی. کسی هم که با خودش وعده نکند، یعنی در جهت برطرف کردن نیازهای خودش دیگر حرکت نمی کند و می خوابد و می گوید هر طور شد، شد. حضرت می فرماید، امروزش را به فردا نمی اندازد. در روایتی از پیغمبر اکرم۹ است که وقتی این شیر گرسنه است، می رود صید را شناسایی می کند. شما نگاه کنید یک لحظه زودتر از وقت حمله نمی کند. همه اصول را باید به کار بگیرد و تمام فرصت ها را به چنگ بیاورد. ما قبل از اینکه تمام فرصت ها را به چنگ بیاوریم، نباید عمل کنیم، چون ممکن است با فرصت های اندک، کل خواسته ما بر باد برود، درصورتی که کسی که می خواهد اتومبیل بخرد، پول لازم ندارد، اما می آید همین طوری تمام آن را قرض می کند. وقتی پشت ماشین، می نشیند به فکر قرض هایش می افتد و دیگر نمی تواند حرکت بکند. نه با این ماشین می تواند خانواده اش را به سفر ببرد و نه می تواند جایی برود، اما اگر تمام فرصت ها را به دست آورد، بعد ماشین بخرد، موفق است. پیغمبر اکرم۹ به اباذر می فرمایند: «ایاک و التسویف» اباذر! مبادا امروز را فردا بکنی. می گویند کسی که امروز و فردا

می کنـد، از دو حالت خارج نیست، یا فردا را دارد یا نـدارد. اگر دارد، این کسـی که امروز را فردا می کند، فردا را هم، امروز را فردا می کند. پس فردا را هم از دست می دهد، تو اگر قدر امروز را بدانی، متوجه ای و امروز اقدام به کار می کنی که باید کار را امروز انجام بدهی. فردا هم همین کار را انجام می دهی. برای اینکه امروز گفتی، امروز باشد تا فردا. خوب فردا هم مثل امروز. به تعبیر دیگر می گوینـد امروز به سـرعت، دیروز به فردا می رسد. امروز همین الآن است. فردا که نگاه می کنی، دیروز است. حضـرت می گوینـد کسـی که امروز را نـدارد، یعنی امروز را فردا می کنـد یـا فردا را دارد، که اگر دارد، فردا هم همین آدم اسـت. عـوض کـه نشـده اسـت. فردا هـم، امروز را فردا می کنـد، پس فردا هـم کـاری از دسـتش برنمی آیـد. این پست و مسئولیتی که در اختیار بنده هست و یک سری امکاناتی دارم که می توانم در جهت صلاح و عمران و پیشرفت کشور حرکت کنـم و فردا هـم ممکـن است به من بگوینـد که شـما دیگر پشت این میز نیستیـد، بفرماییـد بیرون. امروز می توانسـتم این عمل صالح را برای خودم داشته باشم. فردا نمی توانم داشته باشم. بنابراین یکی از عوامل افزایش انگیزه کار و فرصت شناسی است.

یکی از اشکالات اساسی ما، در جامعه نشناختن و استفاده نکردن از فرصت هاست.

اگر کسی صبر کرده باشد که دقیقه نود گول بزند، چرا حالا نمی زند؟ باید عادت بدهیم خودمان را به مهارت فرصت شناسی.

مردم ما به برکت اعتقادات اسلامی و آموزه های دینی، اهداف بلندی دارند.

حضرت می فرمایند: سورچرانی با عزم جمع نمی شود. ولیمه یعنی سورچرانی، عزم یعنی تصمیم های بزرگ. با مهمانی ها و خوشگذرانی ها از بین می رود. انسان زود طبعش تغییر می کند. همه طبع ها و همت ها عالی است، اما وقتی می خواهد حرکت کند، زود اتفاق می افتد. آنجا که شهوت برای فرد هدف می شود تا به شهوت می رسد، برخلاف جهتی است که همت می خواهد. یک نگاه غلطی که در فرهنگ ما هم به حدی هم رسوب شده، نگاه عرفانی مسیحی و غلط است که برای ما ایجاد کردند. و مسیحیت یک بعد اخروی گرایی دارد و بیشتر اخروی گراست. در دوره ای مسیحی ها از یهودی ها عقب بودند، چون یهودی ها به شدت امروز را می چسبیدند. امروز اما مسیحی ها اخروی گرا بودند و می گفتند دنیا که قرار است از ما گرفته بشود، پس چرا بکوشیم. در دوره رنسانس نظرشان عوض شد و آخرت را نفی کردند. ما مسلمان ها، به خصوص ما شیعیان، به این جهت که در طول تاریخ، حکومت را در اختیار نداشتیم و موانع سنگینی بر سر راه ما بوده، نگاه آخرتی داشتیم. این که ما نگاه مادی به دنیا نداریم و آخرت را داریم، نگاهی منفی است. خوب نیست بگوییم دنیا در دنیا باشد. حال این که حیات ما از هدفی که خود متعال ما را در این زمین قرار داده است، عمران و این زمین بوده است. عمران این زمین به دست ماست. این استعمار و عمران، هدف ماست که خداوند برای غیرمسلمان ها و غیرعارفان به خدا نگذاشته است. وقتی حضرت از دنیا رفتند، یکی از اصحاب حضرت به دیدار معاویه می رود. معاویه می گوید: تعریف کن این مولا و صاحبت علی را، که چه صفتی داشت. زراره

چند صفت برای حضرت می شمارد. خیلی عجیب است که به این شناخته می شدند. او می گوید: به خدا قسم حضرت همت اش خیلی عالی بود و هرچیزی را که می خواست به جهات عالی، بهترین ها و بالاترین ها بود، و قوایش هم شدید بود. یعنی هم نگاه بلند و هم عمل متناسب با آن نگاه بلند. توحید ناب و خالص در وجود ایشان شکل گرفته است. این نگاه برای اسلام بوده است، اما متأسفانه به چه چیزی تبدیل شد؟

یعنی از نگاه آخرت گرایی به معنای غلطی دست یافتیم، به معنای اینکه تلاش و کار و فعالیت نکنیم.

چه فایده ای دارد. اینکه تو را به آخرت نمی رساند.

تلاش را به چیزی خلاف آخرت تعبیر می کند، درحالی که کار و سعی می تواند در راه آخرت باشد.

اتفاقاً اگر روایات ما بررسی شود، نسبت عبادات محض نسبت به آنچه تکالیف دنیوی ماست، قابل مقایسه نیست. به ما گفته اند مساوات، همیاری و برابری داشته باشید. کسی که صبح کند و به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست. بنده می خواهم به امور مسلمین بپردازم، اما با چه چیزی می توانم اهتمام به امور مسلمین داشته باشم؟ با امکانات. تا وقتی که این امکانات را به چنگ نیاورم که نمی توانم به کسی کمک کنم.

که اگر کسی از من صدقه خواست، بتوانم به او بدهم. اگر کسی قرض خواست، ده برابر آن ثواب صدقه، به او قرض بدهم. اگر قرضش را هم

نتوانست بدهد، به او فرصت بدهم. ثواب دارد، یعنی چه؟ چه کسی باید زکات بدهد؟ کسی که دارد.

اگر کسی را دیدیم که تلاش می کند و می یابد، ممکن است به او بگوییم چقدر دنبال دنیا هستید؟

هنوز بچه های ما به تکلیف نرسیده اند، یعنی تکلیف شرعی ندارند. ما نمی توانیم به آنها از دین بگوییم؟ لازم نیست نماز بخوانند، ولی وقتی کار خوبی انجام می دهد، می توانیم، بگوییم تو مسلمان خوبی هستی. لازم نیست وقتی نمازش را خواند، بگوییم تو بچه خوبی هستی. اگر دیدید انسانی هستم که متعهدانه با دیگران معاشرت می کنم و در معیشت خودم تعهد انسانی دارم، آنجا به من می گویید مسلمان. یک راننده تاکسی خوب رانندگی می کند، آنجا به او بگوییم چه مسلمان خوبی هستی، ولو این که مسلمان نباشد. این کار، کار درستی است. برای این کار گسترش فرهنگ اسلامی مناسب است. امانت فقط این نیست که شما صد تومان از پولت را به من بدهید و من نگه دارم. امانت این است که شما هر چیزی را که در این عالم به من سپردند و به عنوان یک پست و موقعیت بود، خوب بتوانم به نتیجه مطلوب برسانم. شما کت خودت را به من می دهید و می روی وضو بگیری و برمی گردی. این نوع امانت داری، چند بار در عمر انسان پیش می آید؟ امانت این است که پست را که به من دادند، بدانم ممکن است فردا از من می گیرند. این موقعیت را باید به هدف مورد نظر برسانیم. اینجا باید به بچه هایمان بگوییم، تو مسلمان خوبی هستی، چون منظم هستی و اهل کار و تلاشی و همت عالی داری. به کسانی که در جامعه ما

همت عالی دارند، بگوییم چه مسلمان های خوبی هستی. با این مسائل، مسلمانی مان را اشاعه بدهیم، و الّا اگر قرار شد بنده تا ظهر نشده، چرت بزنم و پشت کامپیوترم بروم و سراغ هر سایتی و با هرکسی که می خواهم هرکاری بکنم و سر ظهر بگویم الله اکبر، بعد هم بگویند این آدم چه مسلمان خوبی است، این چه نوع مسلمانی ای هست؟ به درد چه کسی می خورد؟ در بعضی از این سریال های ما، طرف همین که از دیوار مردم بالا نرفته و ثابت می شود دزد خانه مردم نیست، شلوغش می کنند، ولی در طول سریال تمام کارهایش براساس دروغ، فریب است و هیچ کس به او حرفی نمی زند. بعد می گوییم آقا ثابت شد آدم خوبی است، چون از دیوار مردم بالاـ نرفته است. این که درست نیست. کار این است که دروغ نگوید. امام باقر۷ می فرماید، مؤمن شراب می خورد، اما دروغ نمی گوید. زنا می کند، اما دروغ نمی گوید. نه این که خدا نکرده مؤمن این کارها را انجام می دهد، اما دروغ نمی گوید. این قدر دروغ در نظر مؤمن زشت است که از زنا و شراب بدتر است. ما به انسانی که شراب خوار است، می گوییم غیر مسلمان. چه طور به انسانی که بیکار است، مسلمان بگوییم؟

در بعضی سریال ها جوانی را خوب نشان می دهند. این جوانی شوخ است و دیگران را سر کار می گذارد و می تواند از کارش فرار بکند، تنها مزیتی که دارد، خوش تیپ است یا آدم خوش قلبی است، ولی دروغ زیاد می گوید. و دروغش هم بامزه است.

این خطاهایی است که در فرهنگ ما وجود دارد و اثر منفی هم دارد.

ص: ۹۶

مسئله مهم دیگر نگاه و عرفان منفی نسبت به کار و تلاش و آخرت گرایی است. اعتقاد به تقدیرگرایی منفی داریم. البته اعتقاد به تقدیر خوب است، به این معنی که درست نیست هرچیزی حدی و قانون و مرزی دارد. ولی اعتقاد به این که خدا هرطور بخواهد می شود و شما کاره ای نیستید. در این زمینه چه کار می توانیم بکنیم؟

رهبر معظم انقلاب مرحله ابتدایی اش را انجام دادند. این شعار را بیان کردند. سیاست گذاری برعهده ایشان است. این کیفیت در سطح کلان است. منتها از این به بعد دیگر نمی توانیم بگوییم برای اشاعه این فرهنگ کار می کنیم و این که بیل برد و این شعار را آنجا و اینجا بزنیم. البته در حدی که ببینیم و بفهمیم و در جاهای مختلف یادآوری کنیم، بحثی ندارم. تبلیغات همیشه جنبه یادآوری دارد، ولی عنصر اصلی که می تواند فرهنگ سازی بکند، کار عملیاتی است. باید از فردا هرکس در هر کجا اراده کرد، یک قدم جلو برود و تشویق شود و جایی که انسان که امکانات در اختیارشان است، بهتر و بیشتر پیش برود. ما امر به معروف و نهی از منکر بکنیم. اگر کسی با امکانات دولتی و مردمی می خواهد بازی کند و حاضر نیست فرصت شناس باشد و به رفع موانع بپردازد، باید تنبیه شود. این گونه که نمی شود. نظام تشویق و تنبیه دارد.

این کار جهشی است. از همان اول هم گفتم که مبنای سخن رهبری این است که جهش بر مبنای عقلانیت باشد. نتیجه جهش های چند دهه ما بر مبنای عقلانیت است. بحث انرژی هسته ای و نانوتکنولوژی و بحث های دیگر، نشانه

جهش است. این جهش ها را باید بیابیم و در ساختار آموزش و پرورش اجرا کنیم.

بحث دیگر ما در مورد مأموریت و تکلیفی رسانه ملی است. تکلیف رسانه چیست؟ رسانه ملی، در تحلیل و تعمیق موضوع همت و کار و تلاش در جهان چه جایگاهی دارد؟ برای فرهنگ سازی از طریق رسانه چه پیشنهادهایی دارید؟ با چه رویکردهایی به موضوع بپردازیم؟ چه ایده هایی را مطرح کنیم؟ چه قالب هایی را می توان در این زمینه اثرگذار دانست؟

ببینید تبلیغات باید مثل بقیه کارها از اصول برنامه ریزی پیروی کند. دو _ سه هفته اول فرصت داریم اصل شعار را ببینیم. بیشتر از این نه. به نظر من، در این جهت بهترین هدیه خود بیانات مقام معظم رهبری است و به نظر من این حد کفایت می کند، اما باید این شعار را به مفهوم تبدیل بکنیم. در مرحله دوم، به فرصتی برای برنامه ریزی نیاز است. این شعار رهبری، شعار نیست، مبتنی بر شعور است. شعار صرف بد است، ولی شعاری که از شعور برخاسته است، خوب است. طبیعتاً هر شعوری باید تبدیل به شعار بشود. در این بحثی نیست. ذکر خدا مبتنی بر فهم و درک من از توحید است، ولی باید مسبب شعار بشود. وقتی من لااله الا الله را به ذکر بیاورم، به شعار بیاورم، پسندیده است. لذا خداوند به پیامبر اکرم گفت: به این مردم بگو «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». این لا اله الا الله اینها با لا اله الا الله امیرالمؤمنین فرق می کرد، ولی اینها می گفتند حالا همین شعار را بگویید که بگویند ما شرک را و بت پرستی را نفی کردیم. این قدم اول است. تا اینجا شعار مبتنی بر شعور است، اما از اینجا به بعد وظیفه

ماست که به این شعار مبتنی بر شعور بپردازیم. باید اولاً رسانه به عنوان ابزار تبلیغاتی و بهترین وسیله با همه امکانات و همه قالب ها، از این شعار بهره ببرد. این که شما می فرمایید چه قالبی، من می گویم با همه قالب ها باید در خدمت این مملکت بود. ساعتی نباید از این شعار منفک بود. نمی شود گفت بعضی برنامه ها در رابطه با همت مضاعف است. این باید وجهه همه برنامه ها باشد. در محتوای برنامه ها باید این شعار باشد. البته نه این شعارِ شعار. نه این که عبارتش را بنویسیم. نه باید این شعار را در حد مفهوم و توسعه مفهومی مطرح کنیم. در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، باسواد، بی سواد، روستایی، غیرروستایی، این مفاهیم را باید ترویج کنیم. ببینید ما هستیم و مخاطب. ما از چه طریقی می توانیم بر مخاطب اثر گذاریم؟ خوب یک شعاری را به حد مفهوم می رسانیم، مفهوم یعنی آن را قابل فهم می کنیم و وقتی قابل فهم برای مخاطب شد، به معنا تبدیل می شود و مخاطب می فهمد. اینجاست که باید پیام در حد فهم من تنزل بکند. من چه کسی هستم؟ هرکسی در جایگاه خودش. استاد دانشگاه از این شعار باید فهمی و یک روستایی هم باید فهمی متناسب با فهم خودش داشته باشد. که زن خانه دار باید بداند، همت عالی در خانه و کار یعنی چه؟ چنان که مردان در عرصه کار و در واقع مسئولیت خانوادگی شان، همت مضاعف مفهومی دیگر دارد. غیر از آن مفهومی که پشت میز اداره و کارخانه و مزرعه و امثالهم دارد. باید برای این مفهوم و شعار، مفهوم سازی شود. وقتی این مفاهیم در حد مخاطب های مختلف تنزل پیدا کرد، آنگاه به معنا تبدیل می شود. حرکت و خیزش اجتماعی، به معنای واقعی تحقق پیدا می کند. متأسفانه برنامه های ما موفق نیست، چون در حد شعار می ماند.

ص: ۹۹

یک بخشی از زندگی ما سرگرمی و تفریح است و شکی نیست. ما باید در این بخش هم، اهل همت باشیم. جالب است رهبر ما یکی از مواردی که برشمردند، ورزش بود. در زمینه ورزش هم ما باید همت داشته باشیم، یعنی جسم مان ورزیده شود. انتظار ما از جسم مان باید بالاـ برود. در کشور ما توجه به جسم از یاد رفته است. زیادی چاق هستیم یا لاغر. زود مریض و ناتوان می شویم، دو قدم که می دویم، زود نفس نفس زنیم. برای این که بتوانیم همتمان را بالاـ ببریم، باید به انتظارات مان توجه کنیم و آنها را افزایش بدهیم. وقتی من انتظارم از بدنم بالا برود، متناسب با آن، تغذیه ام عوض می شود. خانم های خانه دار هم باید به این نکته بپردازند. آنها هم باید بگویند مسئول هستیم. از آن طرف هم وظیفه مادری است. باید مسئله زیبایی شناسی یک زن را در خانه عوض کنیم. نسبت به خودش یا برای خودش، شوهرش، فرزندش، همسایه اش. متأسفانه ما این کار را نکردیم. همان کاری که الان در غرب به مهارت تبدیل شده است. برای هر چیزی به نام مهارت، مهارت زن بودن، مهارت فرزند بودن، مهارت کلام و مهارت کارهای خوبی انجام می دهند. تمام اینها در دین ما وجود دارد. من مبلغ در جایگاه روحانی دارم تبلیغ می کنم. حق ندارم بیایم در جهت این شعار استراتژیک و به اصطلاح در چارچوب سیاست های کلانی که افق بلندی به نام پیشرفت و عدالت دارد، فهمم را عوض کنم یا بیایم به مردم عدالت را بفهمانم. مردم فهم شان از عدالت ناقص است، منِ مبلغ و روحانی این کار را نکردم و خودم را دانش خودم را ارتقا ندادم که بتوانم دانش مردم را ارتقا بدهم. شوخی باهم نداریم. باید انتظارمان از قم بسیار باشد. باید در این سال همت مضاعف، بگوییم کسانی که در قم از

بودجه امام زمان و ایتام امام زمان استفاده می کنند، بیشتر کار کنند. اولاً فهم بالا برود.

این شعار تا اینجا پیش آمده و کافی است. سه هفته هم گذشته و همه آن را می دانند. بیاییم به مفاهیم دیگر هم توجه کنیم. تنبلی و کم کاری نکنیم. کار مضاعف ما به این است که مفاهیم و جزییات آن را در بیاوریم. روان شناسان، جامعه شناسان و استادان را جمع کنیم و بگوییم درباره همت مضاعف یک زن سخن بگویید. یک خانم در خانه نشسته و می گوید که رهبر انقلاب این را گفته است، اما این چه ربطی به من دارد؟ این خیلی بد است. آن خانم که در روستای کهنوج نشسته، باید رابطه خودش را با این شعار بفهمد. سال های قبل هم این گونه بود. درباره سال اصلاح الگوی مصرف هم نتوانستیم کاری انجام بدهیم. همین طور پشت سر هم می گوییم اصلاح الگوی مصرف. من می گویم اگر این همت مضاعف و کار مضاعف تعریف بشود، اصلاح الگوی مصرف در ذهن فرد اجرا به پرهیز از اسراف هم توجه می شود. ما باید در دستگاه تبلیغی خود به شکلی شیوا و کارآمد به این موضوع بپردازیم که همه آن را بفهمند. این به نظر من کلی است و در جزییات هم باید همه را به کار بگیریم. همه را به تلاش واداریم. و این کار، یک کار دینی است. اگر ما بتوانیم همین شعار را خوب تجزیه و تحلیل کنیم و وظایف خودمان را در قبال آن تعریف بکنیم، می توانیم بر اساس آن آگاهی به جامعه ببخشیم و بر اساس آن به جامعه امید بدهیم تا جامعه خودش را بشناسد و انتظارش از خودش بالا برود و متناسب با آن بالا رفتن، حرکت کند و امیدش افزایش یابد. این جامعه اخلاق مند است. وقتی فردی خوب کار کند، اخلاقش است. خوب کار کردن راننده تاکسی به

این نیست که فقط ماشین را خوب براند و طوری حرکت کند که همه را سالم برسند و ماشین را خوب نگه داری کند. یک راننده تاکسی چه قدر می تواند به اخلاق پای بند باشد و آن را ترویج کند. ما می توانیم این را در تلویزیون نشان بدهیم. من معتقدم این موضوع از نظر بار دراماتیک بسیار ظرفیت خوبی در کارهای نمایشی دارد. نباید تنها به یک اقتباس بسنده بکنیم، که آن آقای بازیگر به دیگری بگوید که آقا همت داشته باش. نه، ما باید در فیلم هایمان براساس آن حرکت کنش و واکنش شخصیتی و ساختار دراماتیک، تفاوت ها را نشان بدهیم.

اگر در یک خانواده پنج نفره، یک نفر از اعضاء متفاوت حرکت کند، چهار نفر دیگر را به حرکت وا می دارد. در یک محله ای اگر یک جوان متفاوت حرکت کند، نتیجه متفاوتی هم می گیرد. یعنی، همه همان راه را می روند. ما اگر می خواهیم سوپراستار درست کنیم، شخصیت های فیلم مان باید واقعاً قهرمان باشند. چه چیزی از این قشنگ تر که این تفاوت ها را در فیلم ببینیم. کار آدم ها او را عوض کرد. معتاد بود، ولی به کار گماشته شد و کار او را زنده کرد.

طبق فرمایش شما، مثلاً معتادی با خودش مبارزه می کند و خودش را با اراده، از این ورطه بیرون می کشد و به درجات بالاتر می رسد.

بعد هم سراغ کار می رود. حضرت می فرماید هیچ چیزی بدتر از خوابیدن در روز، برای نابودن کردن عزائم نیست. شما امروز ده تا خواسته دارید. هشت صبح، ولی باز هم می خوابید. ظهر بلند می شوید. چند تا از این ده خواسته را که می خواستید، می توانید انجام بدهید. هیچ چیز ضایع کننده تر از خواب روز برای نابود کردن عزم ها و اراده ها نیست. آقا من می خواهم این کار را بکنم.

ص: ۱۰۲

باید با جسارت بگوییم جامعه خواب زده به هیچ جا نمی رسد. باید با این شعار همه از خواب بیدار شوند. جالب است بیداری دیگران ما را بیدار می کند. در روایت است که اگر شما برای نماز شب بلند شدید، نباید موجب اذیت دیگران شود. این بیداری زیباست. با حرکت زیبایی شناسی عوض کردم. خوب من نگاه می کنم، دوست من، هم حجره من، هم کلاسی من، خانم من، بلند شده است و نماز شب بخواند. آن بیداری، حرکت ایجاد می کند. من ورزش می کنم و در من اثر مثبت دارد. فردا می بینم، فرزندم و همسرم هم دنبال من حرکت و ورزش می کنند. بچه ام از کودکی می بیند که من براساس کار رشد می کنم، نه براساس رانت. کار وقتی ایجاد شود، عدالت پدید می آید. ببینید اینکه حضرت آقا گفتند همت مضاعف و کار مضاعف، برای دهه پیشرفت عدالت است. چگونه عدالت محقق می شود؟ براساس کار. شما کار کن و مزد بگیر. این عدالت است. شما هرچه کار کنید، بهره می برید. خداوند گفته است این زمین برای شما، هرکسی به هر مقداری که از آن مطمع شود، برای خودش است. البته در شرع ما هم واجباتی هست. اینها می تواند در تلویزیون مطرح شود.

در واقع تلویزیون هم می تواند برای این فرهنگ سازی، معنا و مفهوم درست بکند و مصادیق مشخص و انگیزه ایجاد کند که امروزه این نیازی ضروری برای جوانان ماست. واقعاً انگیزه و همت های بالایی وجود دارد. جوانان سعی می کنند و دوست دارند، آمال و آرزوهای خوب را در قالب فرهنگ ارایه کنند، اما راه رسیدن را نمی دانند یا عادت هایی در جامعه است که تلویزیون باید برای اینها الگوسازی بکند که چگونه از وقت شان استفاده و از نیروها و استعدادهایشان استفاده کنند.

ص: ۱۰۳

تلویزیون یک امکانی که دارد، برنامه مستند است. برنامه مستند، به سراغ افراد متفاوت می رود و همت ها و تلاش های بزرگ و نمونه را نشان دهد. منتها تلاش شود به جایی که رانت و امتیازات ویژه در کار بوده و از آن بار و محصولات بهتری گرفته می شود، به آنجا نرود. سراغ کسانی برود که با همت مضاعف، کار مضاعف به نتیجه مضاعف رسیده اند.

در تلویزیون نشان بدهد، این فرد امکاناتش این گونه بود و چنین کار بزرگی انجام داد. برای نمونه، ناوشکن جماران با استفاده از امکانات خودی، ساخته شد.

به سراغ دولت مردانی برویم که همت مضاعف دارند. به حاکمان و مدیرانی بپردازیم که اهل کارند.

مشاغل خوبی هم در این زمینه است. واقعاً با دست خالی کارهای بزرگی انجام دادند.

الان کسی را می شناسیم که توانسته شش ـ هفت کار را انجام بدهد. نقل می کنند که اولش چیزی نبوده. براساس تلاشی که کرده، توانسته اینها را به وجود بیاورد و درآمدش زیاد شود و خیرات زیادی هم انجام دهد.

ص: ۱۰۴

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر صادقی (استاد حوزه و دانشگاه)

۱. فلسفه نام گذاری امسال چیست؟

فلسفه نام گذاری امسال در راستای تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی است. مقام معظم رهبری در سال های اخیر، مفاهیمی را مطرح می کنند که به تحقق این اهداف کمک کند. مثلاً اگر در جامعه ما اختلاف باشد و اتحاد نداشته باشیم، به آن اهداف نمی رسیم. به همین دلیل، دو سال پیش بحث اتحاد و انسجام را مطرح فرمودند. اگر در جامعه، مصرف گرایی زیاد باشد و بی رویه مصرف نکردن و الگوی صحیح در مصرف حاکم نباشد و هرچه هم تولید کنیم، صحیح مصرف نشود، پیشرفت نخواهیم کرد. پس سال گذشته، اصلاح الگوی مصرف را مطرح کردند. نام گذاری امسال هم در ادامه این هدف است.

بعضی از این موارد، جنبه سلبی و بعضی جنبه ایجابی دارند. امسال جنبه ایجابی کار را فرمودند؛ به این صورت که برای رسیدن به آن اهداف بلند، باید همت بلند داشت. اگر ملتی، همت عالی و بلندی نداشته باشد، به کم قانع می شود و اهداف را بلند در نظر نمی گیرد و تسلیم کارهای سبک و کوچک می شود. پس همت بلند و مضاعف را مطرح فرمودند. همچنین برای دست یابی

به این اهداف، باید تلاش و کار زیاد کرد. پس باید هم همت را بلند، و هم کار را مضاعف کرد.

۲. رابطه بین همت مضاعف و کار مضاعف چگونه است؟

فرق بین همت و کـار مضـاعف که در سؤال دوم هم مطرح شـده، نقش خودش را در اینجـا نشان می دهـد؛ به این صورت که همت بلنـد، به انسان و جامعه کمک می کنـد تا کارهای بزرگی را عهده دار شود و زیر بار مسـئولیت های سـنگین برود. برای انجام آن مسئولیت ها هم کار زیادی لازم است. پس این دو حلقه، مترتب بر هم و مکمل همدیگرند.

کـار مضاعف هم به این معنی است که ما برای رسـیدن به اهـدافمان بایـد جهاد کنیم. جهاد در این زمینه، یک مفهوم اسـلامی است. جـدّ و جهـد هم باز یکی از آن مفاهیم در راسـتای رسـیدن به اهـدافمان است. باید جدّ و جهد و تلاش زیاد و مجاهدت کنیم. مجاهـده فقـط در عرصه نبرد نظـامی و در پیکـار با دشـمن نیست، بلکه در همه عرصه ها معنی دار است؛ به خصوص در این زمـان که پیکـار وجوه مختلفی پیـدا کرده است و جنـگ و جهـاد و مبـارزه و دفاع و حمله، شـکل های متنوعی پیـدا کرده است. فقط از شـکل نظامی صـرف خارج شده و شکل های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدی و بسیار مؤثری پیدا کرده است. به همین دلیل، وقتی از مفهوم مبارزه و جهاد یاد می کنیم، باید این را در همه عرصه ها ببینیم. بنابراین، زندگی جمعی و جامعه ای ما، باید در همه ابعاد زندگی، جهادگونه باشد.

ص: ۱۰۶

۳. راهکارهای عملیاتی شدن شعار سال چیست و چه موانعی در این راه وجود د ارد و بر اساس کدام مبانی بایستی کار کرد؟

برای اینکه بتوانیم به اهداف اسلامی، اهداف انقلابی و اهداف نظام، به ویژه در عرصه ای که چشم انداز بیست ساله هم تعریف شده است و اهداف بلندی را در نظر گرفته اند برسیم، باید در همه ابعاد، جهاد کنیم. این جهاد باید بر مبنای دینی و انگیزه های درونی و عمیقی در وجود انسان ها اتکا داشته باشد تا بتواند ثمر بدهد. اگر اتکایش بر مبانی دینی، بریده شود و فقط بخواهیم به این مسئله نگاه دنیوی داشته باشیم، نتیجه چندانی حاصل نمی شود؛ زیرا مردمان ممکن است در امر دنیا زود قانع بشوند یا اگر هم زود قانع نشوند، شاید اهداف بلند را دنبال نکنند یا به اهداف دم دستی قناعت بورزند یا کوته نگری کنند یا اهداف دیگری را پی بگیرند که ممکن است برنامه بلندمدتی را که باید برای نظام وجود داشته باشد، تخریب کند. به همین دلیل، ما باید بین همت و کاری که می کنیم و برنامه ای که داریم، پیوند بدهیم تا با مبانی دینی و از عمق ایمان دینی بجوشد.

بنابراین، اگر بخواهیم راهکاری را دنبال کنیم، باید یک قدری در تصحیح مبانی دینی کار کنیم. منظورم از تصحیح مبانی دینی این نیست که بخواهیم در دین اصیل، تغییری بدهیم، بلکه برداشت مردم از دین را که به فرهنگ دینی مردم تبدیل شده است، باید اصلاح کرد.

یکی از مواردی که بنیادی است و تفکر فلسفی و نگرش بنیادین و جهان بینی مردم باید اصلاح شود تا به اصول اساسی دین وکتاب و سنت برگردد، این است که جامعه ما از لحاظ اندیشه دینی خیلی تغذیه شده، ولی اندیشه های وارداتی دیگری هم به آن رسوخ کرده و به نام اندیشه های دینی

ص: ۱۰۷

ممزوج شده و به شکل و بوی دینی، خودش را نشان داده است. پس مردم را به نوعی فریفته است و در واقع، نفاق عقیدتی در جامعه ما وجود دارد.

این نفاق عقیدتی از اینجا شروع می شود که برخی از اندیشه های فلسفی بیگانه با اسلام، با ظاهری زیبا که خیلی علو مرتبه هم دارند، در ذهن مردم جاگیر شده است که با مبانی اسلامی خیلی سازگار نیستند. از جمله اینها، اندیشه های رواقی است.

فلسفه و اخلاق رواقی، فلسفه و اخلاقی است که دو حوزه دنیا و آخرت و روح و بدن را کاملاً تفکیک می کند. مسائل جسمانی و امور مادی را مربوط به دنیا می داند و روح را مربوط به آخرت و بین این دو کاملاً تفکیک قائل می شود. همچنین معتقد است که برای ارتقای جنبه های روحانی، باید جنبه های جسمانی تضعیف شوند و برای رسیدن به آخرت، باید دنیا تضعیف شود.

این تفکر، ظاهراً زهدگرایانه و اخلاقی است که در بخشی از فرهنگ صوفیانه ما هم وارد شده و خودش را به اسم دین عرضه کرده است. این تفکر، دنیا را پلید می داند و جسم و امور آن را پلید می داند و کار برای آبادانی دنیا را بد و مذموم می شمارد. به همین دلیل، در بخشی از پس زمینه های ذهنی مردم ما این اندیشه وجود دارد که اگر کسی کار و تلاش زیاد کند و درآمد زیادی کسب کند، گویا کار بدی کرده و از دین و خدا و آخرت دور افتاده است. در فرهنگ دینی، برعکس این نظر، کار و تولید ثروت و کسب درآمد و مانند اینها عبادت شمرده شده است، آن هم نه یک عبادت عادی، بلکه از عبادت های مهم و برتر. بخش زیادی از اجزای عبادت که در روایت ها تقسیم شده، به کار داده شده است.

ص: ۱۰۸

وقتی با این نگرش به کار و تلاش برای آبادانی دنیا نگاه شود، با نگرش رواقی متفاوت است. در عمل رسول گرامی اسلام۹ و ائمه هـدی: می بینیم که این بزرگواران به طور جـدّی به کـار دنیـا می پرداختنـد، همچنان که به طور جـدّی به کار آخرت می پرداختنـد. آنـان هر دو عرصه را خیلی جـدّی می گرفتنـد و کـار برایشان امری مبارک به حساب می آمـد و تنبلی و بیکاری را مـذمّت می کردنـد. تا جایی که در روایات فراوان داریم و گفته انـد «ان الله یَغْبِضُ الشّاب و الفارِق؛ خدا نسـبت به جوان بیکار بغض دارد.» به تعبیری دیگر، بیکـاری عرصه شـیطان شـمرده می شود. از آن طرف هم کار زیاد، نشانه تلاش و جـدّ و جهـد و یـک نوع مجاهـده است. «اَلکـادُ لِعَیـالِهِ کالمجاهـد فی سَبیـلِ الله.» در اینجا مقایسه شـده است که اگر کسـی برای زن و عیالش زحمت می کشد، کارش همانند جهاد در راه خداست.

در فرهنگ اسـلامی باید با نگرش جهادی به این امور نگاه کنیم. وقتی هم مقام معظم رهبری می فرمایند که باید کار مضاعف کرد؛ یعنی همین نگرش جهـادی را بیاوریم و در جامعه بسط بـدهیم. خود امیرالمؤمنین علی۷، یکسره کار می کردند. در تمام زنـدگی شـان، مـا اصـلاً لحظه ای بیکـاری از ایشان سـراغ نـداریم. همیشه در کار و تلاش بودنـد؛ چه آن زمانی که در رکاب رسول خـدا(ص) بودند و یکسـره در مجاهده در راه اسـلام بودند و کارهای مختلف سیاسـی و اقتصادی و نظامی می کردند و چه آن وقتی که بعد از رسول گرامی اسلام، خانه نشین شدند، باز به کار اقتصادی وسیع پرداختند. درعین حال، مشاوره نظامی ـ سیاسـی هم داشـتند. بسیاری از نخلسـتان ها را در مـدینه غرس و آباد کردنـد. ایشان بیشترین تولید ثروت را در جامعه خود داشتند. کارشان فوق العاده بود. البته در مقام بهره برداری و مصرف، زهد می ورزیدند. کم مصرف

می کردنـد و بیشـتر به دیگران می دادنـد یـا وقـف می کردنـد. ثروت را برای خود نمی خواسـتند، بلکه برای راحـتی مردم می خواستند و تولید ثروت می کردند. آبادانی دنیا را به شدت انجام می دادند.

همین طور می بینیم امام باقر۷ در گرمای تابسـتان، عرق ریزان بیل می زدند و زحمت می کشـیدند و جایی را آباد می کردند؛ تا جایی که کسـی ایشان را مـذمت می کرد، ولی ایشان پاسخ می داد که این کار عبادت است و اگر در این حال از دنیا بروم، در حال عبادت از دنیا رفته ام.

و باید این فرهنگ را به عنوان فرهنگ دینی گسترش دهیم؛ یعنی مهم ترین کاری که باید کرد، این است که به عنوان مجاهده به آن بنگریم و این فرهنگ را این طور جا بینـدازیم که کار، ارزش است و بیکاری و کم کاری، ضد ارزش است. نکته بعدی این است که متأسـفانه فرهنـگ عامه ما بیانگر اهمیت کار زیاد برای انسان نیست. برخی اصـطلاحاتی است که غلط و برعکس جـا افتـاده است که کـار برای حیوان است. حیوان که کـار نمی کنـد. حیوان فقـط برای خوردن حمله می کنـد. حیوان اگر هم کاری کند، انسان است که او را تسخیر می کند و به کار می کشد، وگرنه خود حیوان اهل کار نیست.

دقیقـاً کار، یک شأن انسانی است که حیوان ها اصـلاً ندارنـد. گیاهان هم ندارنـد. هیـچ موجودی این شأن را به این معنایی که انسـان دارد، نـدارد. یعنی حتی می توانیم انسان را با کار تعریف کنیم. بگوییم انسان، موجودی است که کار می کنـد. حیوانی است که کار می کند. نگوییم حیوانی است که تعقل و نطق دارد.

بنابراین، بایـد کار را به عنوان یک ارزش در جامعه معرفی کرد و جا انـداخت و بیکاری یا کم کاری را ضـد ارزش نشان داد. همچنین فرهنگ

پرگویی یا به بطالت گذراندن وقت یا خوش گذرانی های افراطی و مانند اینها که متأسفانه در فرهنگ ما ایرانی ها وجود دارد، یکی از موانع کار مضاعف خواهد بود. این فرهنگ را باید اصلاح کنیم و روی آن برنامه ریزی کنیم. به خصوص رسانه ها در این زمینه نقش مهمی دارند که فرهنگ خوش گذرانی زیاد و طولانی را که بین ما رایج است، باید تغییر بدهند. در واقع، باید جامعه را به تعادلی در این زمینه برسانیم که برای خوش گذرانی، زمان محدود و مشخصی در هفته در نظر بگیریم، نه اینکه اکثر روزها یا شب های ما را به خود اختصاص بدهد.

یکی دیگر از موانع کار مضاعف، این است که نوع کار و فرهنگ کار در جامعه ما بد تعریف شده است؛ یعنی فکر می کنیم کار فقط یک نوع کار خاصی به حساب می آید. فرضاً در روزگارانی، کار را کار یدی به حساب می آوردند. وقتی که فرهنگ مارکسیستی حاکم بود، گویا اگر کسی معلمی می کرد، مطالعه می کرد و محقق بود، کار حساب نمی شد و فقط اگر کار یدی و کارگری می کرد، کار بود.

در این دوره می بینیم که فرهنگ دیگری حاکم است، که می شود اسمش را فرهنگ بوروکراسی گذاشت که کار را فقط کار بوروکراتیک به حساب می آورند؛ یعنی نامه نگاری، از این اتاق به آن اتاق رفتن، پشت میز نشستن و فقط با قلم و کاغذ و نامه و اداره سروکار داشتن، کار است.

یکی از عواملی که می تواند به گسترش فرهنگ کار مضاعف در جامعه کمک کند، این است که به مردم ـ به خصوص جوان هایمان ـ یاد بدهیم که چگونه کار را ایجاد کنند. پس باید در انتظار کار ننشینند تا کار به سراغشان

بیاید، بلکه باید خودشان به دنبال کار بروند و کار را خلق کنند و به عبارتی، در آفرینش کار، ابتکار داشته باشند.

همچنین بایـد راهکار به مردم نشان داد که خودشان برای کارآفرینی گام بردارنـد. اینکه الان کارآفرینی را به عـده ای پولـدار محدود می کنند که بیایند جایی سرمایه گذاری کنند و عده ای را استخدام کنند و کارآفرین بشوند، این تعریف غلطی از کار و کارآفرینی است. اگر کسـی برای خودش تفکری کنـد و خلاقیتی به خرج بدهد و بتواند برای خودش کاری ایجاد کند، این هم کـارآفرینی است. اتفاقاً مـا بایـد در این زمینه، بیشتر سـرمایه گـذاری کنیم که راه هـای جدیـد کار کردن در جامعه را یاد بـدهیم. به خصوص اینکه در جامعه جدید، مسـیرها برای انجام کار، خیلی متنوع و متکثر شده است و شـما حتی از درون خانه خودتان هم از طریق اینترنت می توانید کارهای فوق العاده ای در سـطح دنیا کنید. اگر ارتباطمان را گسترش بدهیم، می توانیم کارهای فکری و خـدماتی مان را گسترده تر کنیم و این گونه کارها را به همه دنیا عرضه کنیم. الان بازار کار در این مقولات جدید، بسـیار زیاد است. بحمدلله هوش و استعداد جوان های ایرانی هم سرشار است. اگر خودشان را محدود نکنند، می توانند موفقیت های زیادی در این زمینه کسب کنند.

این مقوله به برنـامه ریزی، تعلیم و آموزش و فرهنـگ سازی نیـاز دارد که رسـانه ها می تواننـد در بخش زیادی از آن کمک کنند تا این کارها اتفاق بیفتد.

از جملـه امـوری که به کـار مضـاعف کمـک می کنـد، اصـلاح انگیزه هـاست؛ همـان چیزی که مقـام رهـبری فرمودنـد همت مضاعف. همت یا انگیزه ای که افراد می توانند داشته باشند، باید اصلاح شود. متأسفانه بیشتر جوان های ما

بی انگیزه یا کم انگیزه هستند که برای کشورشان کار جدی بکنند. بخشی از دلیلش هم این است که احساس سرخوردگی کاذب در آنها ایجاد شده است. دلیل سرخوردگی کاذب در برخی از جوان ها این است که انتظارات کاذب درونشان ایجاد شده است که برآورده نشده است و سرخوردگی کاذب ایجاد می شود. در نتیجه سرخوردگی کاذب، یأس از جامعه خودشان پیدا می کنند و به جوامع دیگر چشم می دوزند. آن زمان می روند و خدمات و کارشان را در خدمت جوامع دیگر قرار می دهند. این فرهنگ را هم باید اصلاح کرد. اصلاحِ آن هم، قدری به دست معلمان و استادان، و قدری هم به دست خانواده هاست.

هیچ جامعه ای نمی تواند انتظارات بی حد و حصر و بی حساب و کتاب را پاسخ بدهد. حالا همین جوانی که این انتظارات بی حساب را پیدا می کند، اگر به جامعه دیگری برود، تازه آنجا تعدیل می شود و می فهمد که این گونه نیست و واقعیت چیز دیگری است. در آنجا هم از انسان انتظار زیادی دارند و پاسخ کمی به انسان می دهند. همین جوانی که اینجا حاضر نیست کار تراز بالایی را عهده دار بشود، در جامعه دیگری می رود و در آنجا به کار تراز پایین تر راضی می شود و انجام می دهد. بعد درک می کند که چقدر باید سختی و زحمت بکشد و چیز زیادی هم نصیبش نخواهد شد. این تفکرِ الان، تفکر اصلاح شده ای نیست.

بخشی از این انتظارات را هم جناح های سیاسی ایجاد می کنند و بخشی را هم دنیاطلبانی که از جامعه دینی ناراضی هستند. آنها دوست دارند جامعه ای غیر دینی و آزاد به لحاظ اخلاقی و اجتماعی داشته باشند که به هوا و خواسته های خودشان برسند. یک عده این انتظارات را ایجاد می کنند و طبیعتاً

یک احساس نارضایتی دایمی ایجاد می شود و سرخوردگی در پی دارد. رسانه ها باید روی آن کار کنند.

۴. مأموریت و رسالت رسانه ملی در موضوع همت و تلاش چیست؟

مأموریت و تکلیف رسانه ملی دراین باره آن است که در درجه اول، فرهنگ سازی بکند. می دانیم که نقش رسانه ها در بخش فرهنگ سازی، خیلی زیاد است. فرهنگ سازی این نیست که چهار نفر بیایند با هم گفت وگو کنند یا چند شعار همیشه روی شیشه تلویزیون دیده شود. اتفاقاً شعار که گاهی زیاد شد، اثر معکوس می گذارد. باید در این گونه مواقع مراقبت کرد. شعار خوب است، ولی به قدر کم و به اندازه. بقیه را باید به شعور تبدیل کرد.

فرهنگ جامعه را باید غنا بخشید، نه اینکه فقط احساس را در آن ایجاد کنیم. تزریق شعور باید در فرهنگ صورت بگیرد و این امر هم در همه برنامه های رسانه ای می تواند وجود داشته باشد. خیلی باید پرهیز کرد از اینکه درباره این گونه امور فقط حرف بزنیم. اتفاقاً باید نشان بدهیم و عمل کنیم. خود اصحاب رسانه باید کارشان را مضاعف کنند. هنرمندان باید کارشان را مضاعف کنند. به این معنا که وقتی می خواهند یک اثر هنری را تولید کنند و به مردم نمایش بدهند، غنای بیشتری در این اثر باشد، مطالعه بیشتری کرده باشند، تخصص بیشتری داشته باشند و مشاوره های بهتری داشته باشند.

یک فیلم می تواند یک زندگی را نشان بدهد. یک زندگی هم می تواند سرشار از مسائل علمی، جهان بینی، ایدئولوژیک، مسائل اقتصادی، اجتماعی، روان شناختی، اخلاقی و چیزهای دیگر باشد. غنای محتوایی نمایش های ما الان بسیار کم است. می توان این غنا را افزود و این وظیفه نویسندگان است.

ص: ۱۱۴

کارگردان بایـد زحمت بیشتری بکشد، تهیه کننده باید مطالعه و مشاوره بیشتر بکند تا غنا بدهد. این اولین کاری است که باید بکننـد. اینها بایـد کارشان را مضاعف کننـد و همتشان را بالا ببرند و از مجموع این مشاوران اجتماعی، روان شـناختی، دینی و اخلاقی اسـتفاده کننـد. طبیعی است که به این صورت بر غنـای کارشـان افزوده می شود. وقتی غنـای کارشان افزون شـد، می توانند روی فرهنگ اثر بهتری بگذارند. وقتی اثر بهتر گذاشـتند، می توانند به تدریج، فرهنگ کار مضاعف را ایجاد کنند. این نکتهِ اصـلی کاری است که رسانه بایـد بکنـد. مثلاً اگر بگوییم از صددرصد فعالیت هایی که باید بکند، چند درصد به فعالیت های نمایشی در این حوزه اختصاص پیدا می کند، شاید بیش از هفتاد درصد مربوط به این است، چون مخاطبان رسانه بیش از هر چیزی از مجموعه نمایش ها اثر می پذیرنـد و فرهنگشان شـکل پیـدا می کند. بعد هم در قسـمت های دیگر، مانند کارهای مستند، اطلاع رسانی، خبری، آموزشی و مقدار کمی هم میزگرد و گفت وگو می تواند اثر بگذارد.

بنابراین، خود رسانه در درجه اول باید همت مضاعفی بکند. متأسـفانه در حال حاضـر، سطح تولید برنامه های نمایشی و برنامه های مسـتند بسیار نازل است. دلیل عمده اش هم کم کاری تهیه کنندگان و مجموعه دست اندرکاران است. پس این پیام مقام معظم رهبری باید برای خود رسانه الگو باشد که بخواهد خودش را به استانداردهای بالا برساند و کارش را اصلاح کند. وقتی این کار را کرد، در جامعه هم اثر می گذارد.

بیشتر برنامه های نمایشـی ما الان، ساده ترین و دم دستی ترین موضوعات است. در جامعه، این، یعنی کم کاری و بی همتی در پیدا کردن موضوع یا مطالعه موضوع. اگر بخواهیم فرهنگ کار را گسترش بدهیم، نباید شعاری کار کرد یا

نمایشی درست کنیم که دو نفر کارخانه ای را راه انداخته اند و مشکلاتی هم به وجود بیاید و بعد هم حل شود.

خاطرم هست که سال های گذشته، حدود ده _ پانزده سال پیش، هنگامی که سریال اوشین پخش می شد که صد قسمت هم بود، نشان می داد که چقدر همت بلند و سخت کوشی و خستگی ناپذیری می تواند در رشد یک فرد و جامعه مؤثر باشد. به نظر من، الگوی خوبی است که ما هم سریال هایی از آن دست و در ترازی بالاتر و منطبق با فرهنگ اسلامی خودمان بسازیم.

من پیشنهاد می کنم رسانه ملی دوباره این سریال را پخش بکند. چه اشکالی دارد؛ چون عده ای از جوان های ما ندیده اند. خوب است ببینند و از پیامی که در سریال وجود دارد، بهره مند بشوند. پیام جدی آن هم این است که انسان ها را به مبارزه مداوم با محیط خودشان دعوت می کند؛ یعنی مجاهده برای از پیش پا برداشتن مشکلات. این پیامی است که ما از آن سریال می گیریم و هنوز هم خاطره اش در اذهان آنهایی که دیده اند، باقی است.

۵. برای فرهنگ سازی از طریق رسانه چه پیشنهادهایی دارید؟

البته همه برنامه ها را نباید مستقیم روی همت و کار ببریم. اتفاقاً می خواهم بگویم از این کار پرهیز کنید، ولی کاری کنید که برنامه ها پیام های ضمنی در این زمینه داشته باشند. لازم نیست همه پیام برنامه این امر بشود. نه فقط روی فرهنگ کار و تلاش و همت، بلکه روی فرهنگ الگوی مصرف، اتحاد، و بحث های دیگری که لازمه جامعه ماست، باید کار شود.

باید متخصصانی کنار دست سازندگان برنامه ها و نویسندگان باشند و اینها دایم سفارش بدهند که این مجموعه برنامه هنری و نمایشی، تغذیه

شود. متأسفانه مانعی در این راه وجود دارد که گمان می کنند چون نمایش، امری هنری است و هنر هم از جان هنرمند برمی خیزد _ که این حرف ها هم درست است و هنرمند باید خلاقیت خودش را داشته باشد _ نمی توان سفارشی به او داد و هنر، سفارش پذیر نیست. این شعار نسبتاً جا افتاده ای است. این شعار به یک معنی، درست و به یک معنی، غلط است. به این معنا درست است که هنر باید از جان هنرمند برخیزد و از عمق عقاید و افکار و باورهای او برخیزد. بنابراین، نمی شود کاری را که خودش به آن اعتقاد ندارد، به او سفارش داد و بعد یک کار خوب دربیاید. قطعاً کار خوبی در نخواهد آمد. اما اگر در راستای فکر و اندیشه و بنیان های مذهبی و فکری که خود هنرمند هم قبول دارد و با آن عجین است، بیاییم آن را تغذیه کنیم، مثل اینکه به او کتاب بدهیم تا بخواند و تقویت شود و از کتاب خواندن الهام بگیرد، کار درستی کرده ایم. هنرمند باید از مشاوره های فراوان الهام بگیرد و دایم تغذیه شود.

بنابراین، درعین حال که این حرف، درست است که کار هنری خیلی سفارشی نیست، ولی می تواند سفارشی باشد. به این معنایی که عرض کردم، باید بین تفکر خلاق و آزاد هنرمند و اینکه باید خودش به کارش اعتقاد داشته باشد، جمع کنیم؛ یعنی برای همین کار آزادی که می خواهد بکند، کمکش کنیم و تقویت فکری و مطالعاتی و مشاوره ای بدهیم. متأسفانه در نظام تولید برنامه، چنین چیزی دیده نشده است. این مهم ترین ضعف کاری ما در رسانه ملی است که باید برطرف شود.

باید در فرآیند تولید برنامه، محورهای الزامی برای جنبه ای که عرض می کنم، در نظر بگیریم. اگر این الزام وجود نداشته باشد، تا ابد هم پیش برویم،

کارهای غنی شده ای نخواهیم دید. تجربه گذشته هم نشان داده است که هرجا کارهای ارزشمندی ارائه شده، اثرش را هم در جامعه گذاشته است. بعضی ها کار را رها کردند و به عهده خود هنرمند گذاشتند. هنرمند هم رفت و با فکر محدود، طبیعتاً کار محدود انجام داد و عرضه کرد. پس این فرآیند حتماً باید اصلاح شود.

۶. در رسانه ملی روی چه ایده هایی بایستی برنامه سازی کرد؟

در زمینه فرهنگ کار و همت مضاعف، ایده ها محدودیت ندارند. نمی توانیم چند ایده را بشماریم و بگوییم فقط روی اینها کار کنند. تمام زندگی انسان، ایده است. شما کافی است در خیابان راه بیفتید؛ از گوشه و کنار خیابان می توانید ایده بگیرید. برای اینکه به این موضوع ربطش بدهیم و بگوییم که اگر ما درست کار کنیم وکارمان مضاعف باشد، چطور می توانیم در جامعه عمل کنیم.

از ساده ترین مسائل تا مسائل رفتاری و فرهنگی و همه عرصه های تولیدی، فرهنگی، کشاورزی، خدماتی، فرهنگ عمومی، فرهنگ خواص، هنرمندان، دانشگاهیان، معلمان می بینید مسئله آنجاست. ایده های زیبایی هم پیدا می کنید؛ گره های کاری که می تواند به یک ایده برای نویسنده تبدیل شود و می تواند روی آن خلاقیت بورزد و آن را پرورش بدهد و آن را به یک موضوع تبدیل کند و به تدریج بتواند آن را به فیلم نامه و یا دیگر شیوه های هنری تبدیل کند.

ص: ۱۱۸

۷. رسانه چه حوزه های موضوعی را می تواند پوشش دهد؟

موضوعاتی که بتوان کار نمایش روی آنها کرد، فقط موضوع عشق و عاشقی و رسیدن دو تا جوان یا دو تا پیر به همدیگر نیست. صدها مسئله است که می توانید آنها را حل کنید. نمونه های فراوان دارد. الان سریال «پرستاران» چندین سال است که پخش می شود. در یک مجموعه محدود بیمارستانی می توان این همه مسئله کاری را درآورد و در آنها پیام های کاری داد. چطور می شود در یک مسئله، کار جدی و پرتلاشی کرد که بیننده هم خسته نشود و همین طور ادامه داشته باشد؟ خود اینها نمونه هایی است که به نویسندگان ما الهام می دهند که چطور می شود از یک موضوعات محدود، صدها ایده کاری به دست آورد.

۸. چه طیفی از مخاطبان را باید هدف قرار داد؟

طیف مخاطبان را هم در این کار، طبیعتاً باید در درجه اول، جوان ها قرار داد و بعد قشرهای دیگر مثل کودکان و بزرگ سالان؛ کودکان، برای اینکه آینده فکری آنها درست ساخته شود و اندیشه کار و تلاش از ابتدا در ذهنشان جا بیفتد. بزرگ سالان هم برای اینکه وضع فعلی شان را سامان بدهند. بااین حال، قشر اعظم جامعه ما که جوان ها هستند، مخاطب اصلی برنامه های ما در حوزه کار و تلاش مضاعف قرار می گیرند.

ص: ۱۱۹

۹. رسانه به عنوان یک ناظر عمومی، در ارتباط با تحقق این شعار در دستگاه های

حاکمیتی چه نقشی دارد؟

در این زمینه متأسفانه خیلی نمی توانـد کار اساسی کند. دلیلش هم عمدتاً تعارفات و رودربایستی هایی است که بین رسانه و سایر دستگاه ها وجود دارد و احیاناً آنجاهایی که کار را جدی و نقد می کنند، یک دستگاه پیش می آید و می خواهد آن را جدی کند، کافی است که با یک قهر و آشتی مسائل کنار کشیده شود.

این ضعف عمده ما است و یکی از دلایلش هم وابستگی ما و دستگاه های دولتی است که طبیعتاً آنها می توانند با قهر و آشتی خود که ما چه برنامه ای را تولید کنیم، چگونه تولید کنیم و برای چه هدفی و احیاناً اگر جایی به آنها نقد جدی داشته باشیم، می توانند با قهر خودشان به رسانه ما آسیب بزنند. این یکی از ضعف هایی است که باید برای آن فکری کرد که رسانه بتواند آزادانه وارد نقد این دستگاه ها بشود؛ آن هم به عنوان ناظر عمومی که چشم مردم باشد و زبان گویای مردم بشود تا بتواند اثر مثبتی بگـذارد. متأسفانه در کشورمان با کم کاری ها یا بدکاری ها یا کم وجدانی ها در کار زیاد مواجه هستیم. به دلیل اینکه بخش زیـادی از کـاری که در جـامعه مـا صورت می گیرد، دولتی است. الان حـدود هفتاد یا هشـتاد درصـد صـنعت ما دولتی است، بخشـی از کشاورزی ما دولتی است، بخش خـدمات ما اکثراً دولتی است. درصد مجموعه کار غیردولتی ما در مقایسه با کار دولتی پایین است.

بنابراین، وقتی بخواهیم الگوی کار و کار مضاعف را اصـلاح کنیم، لازمه اش این است که بیاییم وضع موجود را نقـد بکنیم و آسـیب هـایش را بشناسـیم، ایرادهایش را دربیاوریم و راهکار بـدهیم. این اتفاق در وضع فعلی به دلیل وابسـتگی رسانه ملی به بودجه دولت نمی تواند بیفتد. بودجه ای که به دست همین هایی است که این کم کاری ها و بدکاری ها در آنها وجود دارد؛ البته نه در

همه اعضا و ارکان. پس نمی تواند ناظر خوبی برای خودش باشد، چنان که رسانه نمی تواند ناظر خوبی برای خودش باشد. در همان مسئله که اشاره کردیم، باید وضع تولید برنامه ها اصلاح بشود. این بحث ها بوده و گفته شده است، ولی عملی نشده است؛ چون دستگاه ناظر، همان دستگاه مجری است و همان دستگاه سیاست گذار است که همه یکی هستند. این، یکی از اشکالات کار ماست.

اگر اینها از هم تفکیک بشود، آن وقت نظارت مؤثر می شود. در نظارت رسانه ملی بر دولت و سایر دستگاه ها؛ یعنی قوه قضاییه و قوه مقننه، چنین مسئله ای وجود دارد؛ چون به نوعی به همه اینها وابسته است. پس نظارتش نمی تواند نظارت مؤثری باشد. اگر ما بتوانیم رسانه مستقل تری از این ایجاد کنیم ــ ولو اینکه الان اسماً مستقل است و ما نمی خواهیم بگوییم نیست ــ بالاخره رسانه ملی جداگانه از دولت تعریف می شود و رئیسش را رهبر تعیین می کند و در عمل هم ظاهراً وابسته به هیچ یک از سه قوه نیست، اما در واقعیت امر که مشاهده می کنیم، چون بودجه اش وابسته به این دستگاه ها است، اکثر تبلیغات را باید این دستگاه ها بدهند و بودجه رسمی هم که سالانه وضع می شود، باز باید از دولت بگیرند و اگر درست عمل نکنند یا نحوه ارتباطشان با دولت مناسب نباشد، رابطه به راحتی به هم می خورد. پس برای اینکه نظارت را مؤثر کنیم، باید این وابستگی ها را کم کنیم.

مسئله کم کاری و دون همتی، یک مسئله تاریخی، فرهنگی و ملی است. اینکه صدا و سیما به آن بپردازد، اساساً کار رسانه ملی نیست و به تنهایی ممکن نیست. باید با فعالیت کلان کشور و با مشارکت تمام دستگاه ها و با

برنـامه جامعی، مثلاً یک جایی مثل شورای انقلاب فرهنگی، چنین چیزی را تـدارک ببینـد و سـهم سازمان و تأثیرش مشـخص بشود. در جلسه ای که داشـتیم، تنهـا چیزی که به ذهنم رسـید، این بود که مواظب باشـیم به دام کلیشه نیفتیم. هر سـال رهبری، جملـه ای را می گوینـد، ادارات هـم می آینـد و حرف هـای بزرگ بزرگ می زننـد کـه یکی از دلا-یلش ایـن اسـت که نمی خواهنـد کاری کننـد. اگر کسـی مطمئن باشد که یک کاری را می خواهد انجام بدهد، محدودیت های خودش را هم در نظر می گیرد.

نمی دانم تـا چه حـد می تـوان در سازمـان مطرح کرد، ولی فکر می کنم چـون گره هـای عمیقی است، از هر طرف هم به این سازمان های مختلف مرتبط است، ما الان آمار کار مفیدمان در ادارات بیست وسه دقیقه است.

فکر می کنم اگر بخواهیم اتفاقی بیفتـد، اولاً جمعی و بعـد هم دولت از خودش شـروع بکند. من فکر می کنم خیلی مضـحک است وقتی مـا می خواهیم این فرهنـگ را به مخـاطب القـا کنیم، درحالی که می بینـد در خود سازمان، آنهایی که خبر دارنـد، بیرون سازمان هم مشـخص است. شما فرمودید سازمان باید از خودش شروع کند، ولی من می گویم در کل کشور دولت باید از خودش شـروع کنـد. تـا وقتی مـا این فضـای دون همتی و کم کـاری را به شـکل عمومی در ادارات دولتی مان داریم، واقعاً نهادی که دولتی است نمی تواند مخاطب بیرون را ارشاد کند یا ارائه طریق کند.

فکر می کنم اگر کسـی کاری نکنـد، فرمایش های رهبری کلیشه شده است. یک عده ای تعدادی جلسه می گذارند و چند تا کتاب و سمینار هم برگزار می کنند و اصلاً به عمق فرهنگ عمومی جامعه راه پیدا نمی کند.

اول می خواستم بدانم نگاه شما به این نزدیک است یا نه؟ اگر هست چه اتفاقی باید بیفتد که این مسیر نامناسب یا به تعبیری این کلیشه دائمی عوض بشود؟

اینکه دولت باید از خودش شروع کند، حرف درستی است، ولی مگر دولت چه کسانی هستند؟ دولت را اگر آن کابینه و رؤسا وآن بالایی ها در نظر بگیریم، آنها که اهل کار هستند. این دولت کارش خیلی جدی است. اما یک وقتی است که کل مجموعه کسانی که کارمند دولت هستند و این مجموعه می شود چندین میلیون نفر. بنابراین، وقتی می گوییم روی فرهنگ باید کار کنیم؛ یعنی همین. وقتی می گوییم باید عموم مردم را مخاطب قرار بدهیم؛ یعنی همین ها. پس مخاطبان را از خود دولت جدا نکنید.

موتور متحرک اقتصاد به معنای واقعی اش همان بخش خصوصی است. سخن شما وقتی درست است که بخش خصوصی سهم زیادی داشته باشد؛ چون سهم زیادی ندارد، پس موتور اصلی فعلاً دولت است. باید بروند به سمت خصوصی سازی و اتفاقاً بخش خصوصی همتش بلند است؛ چون برای خودش کار می کند. شما می بینید بخش خصوصی کم کاری نمی کند. یکی از اشکالات کاری ما، اشکال ساختاری است. اگر بخواهیم کارمان مضاعف شود، باید کار را به دست خود مردم بسپاریم و مردم را مالک کار خودشان کنیم. تا وقتی که مردم احساس نکنند مالک کار خودشان هستند، برای دیگری دارند کار می کنند، آن چنان اهتمام به کار نمی ورزند. هرچه بتوانید این حس مالکیت در کار را به مردم بیشتر بدهید، مطمئن باشید به طور اتوماتیک فعالیت مردم برای کار خودشان افزایش خواهد یافت.

بنابراین، یک راه خوب برای تحقق منویات مقام معظم رهبری برای امسال این است که خصوصی سازی را جدّی و واقعی در همه عرصه ها، عرصه تولید،

ص: ۱۲۳

کشاورزی و فرهنگ و حتی رسانه اجرا کنیم. منتهی با نظارت و شرایط خودش که آن هم شرایطی دارد. به نظرم می رسد یکی از گام ها، ساختاری باشد؛ یعنی ما باید اصل ۴۴ را اجرا کنیم و بعد هم به سایر بخش های دیگری که نیامده است، توسعه بدهیم. مثلاً رسانه ملی را هم توسعه بدهیم تا این گونه در عرصه های فعلی اقتصاد نماند. برای نمونه تبلیغات دینی را در نظر بگیرید، در زمانی که تبلیغات دینی، دولتی باشد با وقتی که دولتی نباشد. یک مبلّغ دولت چقدر برای کار انگیزه دارد؟ مبلّغی که خودش برای کارش اهتمام می ورزد، چقدر انگیزه دارد؟ همین که مقایسه کنید، آن کارمندی است که می آید کارتش را می زند و بعد می رود، ولی یک مبلّغ شخصی، خودش احساس تکلیف کرده و برای توسعه فرهنگ دینی حرکت کرده است، صبح و شب را نمی شناسد و کارش را انجام می دهد؛ چون مالک کار خودش است. الان هرچه دستگاه های دولتی در امر تبلیغ بیشتر دخالت کنند، انگیزه های شخصی کم می شود. انگیزه های شخصی که کم شد، کار کم می شود و کار فرهنگی هم افول پیدا می کند. یکی از دلایل افول کار فرهنگی در کشور ما این است که دولتی شده است.

هرچه بتوانیم کارها را غیردولتی کنیم، بهتر است. دولت باید حمایت کند و کمک کند و برنامه ریزی های کلان کند، نظارت کند و هدایت کلی کند، ولی اجرا و عمل را به دست خود مردم بدهد.

ص: ۱۲۴

حجت الاسلام والمسلمین لطفی نیاسر (مدیر محترم شبکه سراسری معارف)

۱. فلسفه نام گذاری امسال به عنوان سال همت مضاعف و کار مضاعف چیست؟

به نظر بنده، لازمه حرکت کل نظام و کشور ما، رسیدن به چشم انداز بیست ساله است که چند سال از آن گذشت و مجالی تا سال ۱۴۰۴ نداریم. لاجرم برای اینکه در ابتدای دومین سال دهه پیشرفت و عدالت، به آنچه که در چشم انداز، برای کشور در نظر گرفته شده است برسیم، باید استراتژی هایی را طراحی کنیم که ما را به آن برساند. مقام معظم رهبری همان گونه که خود فرمودند این اسامی، شعار نیست و به نوعی استراتژی مشخصه یک ساله و همین طور استراتژی ای است که باید ادامه پیدا کند، راهبردی است که باید ادامه پیدا کند؛ تا به سرمنزل مقصود برسیم. کار مضاعف و همت مضاعف هم همین وضعیت را دارد. امسال این بیان راهبردی ایشان را داشته ایم و تلاش در این زمینه را به طور جدی باید شروع کنیم. برای رسیدن به سال ۱۴۰۴ که نهایت چشم انداز اول نظام جمهوری اسلامی ایران است، باید این راهبرد و استراتژی تکرار شود و تنها در این صورت است که می توانیم به اهدافی که می خواستیم، برسیم و

ص: ۱۲۵

اگر خوب عمل شود، به یقین جلوتر از چشم انداز هم خواهیم بود. بنابراین باید گفت این استراتژی و راهبرد، لازمه حرکت ماست و از آن ناگزیریم.

۲. چه رابطه ای بین کار مضاعف و همت مضاعف می بینید؟

این دو، لازم و ملزوم همدیگرند. ما اگر همت کافی نداشته باشیم، کار مضاعفی نخواهیم داشت. کار مضاعف یعنی دو برابر به بالا. البته مقام معظم رهبری بعضی جاها را هم تخفیف دادند و فرمودند اگر دو برابر نشد، همان اندازه که می توانید کار کنید. اگر ما بخواهیم یک کار مضاعف انجام دهیم، باید یک همت مضاعف داشته باشیم. با همت های سطحی و همیشگی و وضعیتی که ما همیشه داریم، به آن کار مضاعف نمی رسیم و اگر کار مضاعف نباشد، به آن چشم انداز نمی رسیم و خیلی عقب می مانیم. بنابراین، این دو مقوله، لازم و ملزوم هستند و همدیگر را کامل می کنند تا ما به اهداف چشم انداز برسیم.

۳. چه راه هایی برای عملیاتی شدن نام گذاری ها به ویژه همت مضاعف و کار مضاعف دارید؟

گفتیم این نام ها استراتژی هستند و یک بیان راهبردی دارند. بیان راهبردی، نیازمند تصمیم گیری های تاکتیکی یا اخذ تصمیمات کوتاه مدت یا راهکارهایی برای رسیدن به آن نتیجه راهبردی است.

ما به عنوان رسانه، دو کار باید انجام دهیم و دستگاه های دیگر، یک کار. یعنی عموماً دستگاه های فرهنگ ساز همیشه دو کار دارند؛ یکی اینکه برای ایجاد این روحیه و حرکت به سمت این راهبرد باید فرهنگ ایجاد شود و فرهنگ سازی به عهده همین دستگاه های فرهنگی است. پس یک وظیفه ما

ص: ۱۲۶

وظیفـه فرهنـگ سـازی اسـت. وظیفـه دومی کـه به عهـده داریم این است که خودمـان هم بایـد حرکت کنیم. بنـابراین، انجـام کارهـای خودمـان در همه بخش ها، شامل خـدمت رسانی و اطلاع رسانی بیشتر به واحـدهای دیگر، رسالت ماست. ما به منزله یـک دانشـگاه به معنـای واقعی کلمه ایم که این خود، یـک همت مضاعف و کار مضاعف است که بایـد انجام دهیم. از سوی دیگر، رسالت فرهنگ سازی برای دیگران را هم بر دوش داریم.

۴. چه عواملی باعث می شود جامعه به سمت همت مضاعف و کار مضاعف سوق پیدا کند؟

جز اینکه فرهنـگ سـازی کردیم و خودمـان هم، همـان کـار و همت مضـاعف را داشتیم، بایـد همه دسـتگاه ها برای خودشان راهکارهـای کوتـاه مـدت و کارهـایی را که می تواننـد انجام دهنـد، طراحی کننـد. بـدون داشـتن نقشه راه، ممکن نیست. اگر بخواهیم کـار مضـاعف کنیم، مجموعه این کارهـا منظومه ای را تشـکیل می دهـد که آن منظومه می شود مثلاًـ اهـداف چشـم انـداز. همه برنامه های کوتاه مـدت و همه تاکتیک های ما بایـد یک منظومه هم راسـتا را تشـکیل دهد و همه باید همدیگر را تکمیل کنند تا ما به آن کار مضاعف برسیم.

مهم ترین و اولین چیز، همین ایجـاد روحیه و فرهنگ آن است. اینکه اول ما بخواهیم مردم ما در هر بخشـی رشـد کننـد، (یک نظـام، زمانی پیشـرفته است که تمام بخش های آن آرمانی باشـد و در روایت آخرالزمان نیز همین را داریم که همه جامعه امام زمان، عقولشان کامل می شود و همه این مجموعه با هم رشـد می کنـد و خود شـخص امام زمان رشـد نمی کند) نخست باید فکر آن ایجاد شود و دوم اینکه همه مردم غیر از آن، باید علت آن را هم بدانند که چرا نیاز دارند

و علت نیازمندی به آن راهبرد را بدانند و اهمیت آن را بدانند و اگر اهمیت آن را ندانند، راه نمی افتند و حرکت نمی کنند. باید بدانند که در این برهه زمان، نظام اسلامی چه اهمیت حیاتی دارد و به هر میزان که به اهمیت حیاتی آن پی ببرند، به سمت آن خواهند رفت. مردم باید فرهنگ در خود ایجاد کنند و به اهمیت موضوعی پی ببرند و آنها که وظیفه برنامه ریزی دارند برنامه ریزی کنند. بدون برنامه ریزی، به آنچه می خواهیم، نمی رسیم. پس از برنامه ریزی باید حرکت کنیم و آن کارهای مضاعف را هم داشته باشیم؛ ان شاءالله به سرانجام می رسیم.

۵. از یک سو این دهه، دهه پیشرفت و عدالت است و از سوی دیگر برای هر جامعه ای ظرفیت هایی وجود دارد؛ به نظر شما چه ظرفیت هایی برای نظام جمهوری اسلامی ما وجود دارد که می تواند ما را به شکوفایی برساند؟

ظرفیت هایی که من فی البداهه بخواهم در نظام بیان کنم، یک مسئله بسیار مهم آن این است که هر جامعه براساس حرکت مدیران می چرخد و یک رابطه رفت و برگشتی بین حاکم و جامعه است. حاکم جامعه، برآیند جامعه است و هر اندیشه ای هم که حاکم جامعه داشته باشد، جامعه نیز به دنبال آن حاکم پیش می رود. یک ظرفیت بسیار مهم این است که همه مسئولین ارشد نظام ما این همت را دارند و این ضرورت را هم احساس کردند که در تاریخ انقلاب اسلامی و ایران الان فرصت این هست که این کار انجام شود. پس، یک ظرفیت، خاص آنهایی است که برنامه ریزی برعهده شان است. دومین ظرفیت، وجود همه منابع موردنیاز در اختیار ماست. همه آنچه را که ما بخواهیم از

نعمات الهی، خداوند بر ما تمام کرده است. یعنی از معادن گرفته، نفت و حتی شرایط قرار گرفتن خود ایران که در کدام منطقه قرار گرفته است؛ سومین چیز هم مردم به هم پیوسته آگاه و بصیر پای کار است؛ یعنی شما مردمی داشته باشید که بی خیال جامعه شان نباشند. انتخابات سال گذشته نشان داده که ۸۵ درصد مردم آمدند پای صندوق های رأی؛ درحالی که در مهد دموکراسی که در دنیا وجود دارد، خود را می کشند که به چهل درصد و پنجاه درصد برسانند. ما در جایی قرار داریم که همه کشورهای اطراف ما از ما پایین ترند؛ ولی مردم ما چون نظام را از خودشان می دانستند، پای کار هستند _ با همه اندیشه ها و سلایقی که دارند _ ما که نمی گوییم همه مردم دارای یک سلیقه واحد باشند؛ حتی مقام معظم رهبری در صحبت های خودشان فرمودند که سلایق باید باشد؛ یعنی آقا سلایق بین مسئولین نظام را هم قبول دارند. پس یک سرمایه خیلی مهم، مردم ما هستند که به صورت جدی پای کار هستند. من می خواهم از بین مردم، یک گروه خاص را انتخاب کنم و آن جوانان ما هستند. بعضی ها فکر می کنند که جمعیت جوان، یک تهدید است؛ در صورتی که جمعیت جوان ایرانی در طول این سی سال یک فرصت بوده اند؛ هم در دوره انقلاب، هم در دوره جنگ، هم در دوره سازندگی و هم در دوره پیشرفت که الان وجود دارد. شما الان کدام صنعت پیشرفته را سراغ دارید که در آن فردی که محاسن سفید داشته باشد در آن می بینید؟ حتی اشخاصی را که هم سن و سال ما باشند، در بین آنها به ندرت می توان دید. این افراد، معدل سنی شان سی سال است. این وضعیت را در دهکده جهانی، در استان گلستان قبلاً دیدم؛ در مسئله موشکی و سلول های بنیادی هم می بینید، در سازمان صدا و سیما هم می بینید؛ برای مثال، بنده بخش معارف را به عنوان یکی از محصولات فرهنگی نظام بررسی

می کردم، یک زمان میانگین سنی گرفتم، دیدم میانگین سنی عوامل، سی و دو سال بود برای تشکیل شبکه معارف و راه اندازی رادیو معارف. شما در همه مدیریت ها و فعالیت هایی که مردم ما گل کردند، رد پای جوان هایی را می بینید که بسیار مستعد هستند. پس جوانان ما یکی از آن چیزهایی است که می شود روی آن حساب کرد و خدا به ما داده است. هوش و استعداد ایرانی هم که مقام معظم رهبری روی آن اصرار داشتند، از چیزهایی است که بسیاری از ملت ها از طراز هوشی ما برخوردار نیستند. شما ببینید برای رسیدن به یک محصول، خیلی از کشورها کلی زمان صرف کرده اند، بچه های ما در کوتاه ترین زمان، به آن رسیده اند. شما الان بحث لیزر را نگاه کنید، خودشان نمی دانند که چگونه با این سرعت به اینجا رسیده اند؛ این هم یکی از آن نعمت هایی است که خدا به ما داده است و از آن مؤلفه هایی است که می شود روی آن حساب کرد.

۶. طبیعی است که در این مسیر، موانعی هم وجود داشته باشد؛ فکر می کنید چه موانعی وجود دارد که به این موضوع آسیب برساند و ما باید برای رفع آن آفت ها تلاش کنیم؟

موانعی که به ذهن بنده می رسد، خیلی کم است؛ ولی در حرکت پرشتاب، یک سنگ کوچک هم که سر راه انسان قرار می گیرد، ممکن است انسان را سرنگون کند و یا از سرعت او کاسته شود. مانع اول، مسئولینی هستند که اهمیت این مسئله را درک نمی کنند؛ مسئولینی در رده های پایین مثل ما، یعنی مسئولینی که واقعاً شأن این حرکت و ضرورت این حرکت را به درستی درک نکرده اند و به این گونه صحبت هایی که مقام معظم رهبری می فرمایند، به عنوان

یک شعار نگاه می کنند؛ اینها یکی از موانع است. من جز این مورد تقریباً هیچ مانعی را نمی شناسم. بله! دشمنان بیرونی ما یک مانع هستند؛ ولی همواره در طول این سی سال و ان شاءالله سی سال های آینده، همیشه اینها مخالفت می کنند؛ مگر ما انتظار داریم که دشمن ما یا آن کسی که به هر حال سودش در این سنگ اندازی هاست، مشوق راه ما باشد؟! (باید این را توجه کرد؛ ممکن است یک حکومتی یا یک دولتی در جهان، دشمن مستقیم ما هم نباشد، ولی پیشرفت شما باعث این می شود که به آن نیاز نداشته باشید. پس این هم ممکن است که آن دولت در اینکه به این پیشرفت برسی، با شما همکاری نکند و سنگ اندازی کند.) اینکه می گویم من این را خیلی مانع نمی بینم، به خاطر این است که می بینیم سی سال است که هر کسی در این دنیا هر سنگی از دستش برمی آمده است، جلوی راه مردم و نظام ما انداخته است و کسی نیست که بگوید توی دنیا، من می توانستم کاری بکنم که سرعت اینها کم شود و نکردم. بنابراین من، دشمن خارجی را گرچه مانعی می دانم که دردسر آفرین است، ولی یک مانع تأثیرگذار نمی بینم که بتواند جلوی حرکت ما را بگیرد. شاید در بعضی جاها بتواند اخلال ایجاد کند، ولی اگر باز هم شما به پیشرفت های ملت ما نگاه کنید، خیلی از پیشرفت ها در جاهایی اتفاق افتاده است که دشمن نمی خواسته و یا مانع می شده است و ما را تحریم می کرده است. پس این نشان می دهد که دشمن خارجی سنگ اندازی می کند، ما هم انتظاری از آنها نداریم.

ولی برخی از عوامل داخلی که این حرکت را نمی شناسند، ممکن است دردسر ایجاد کنند. گفته اند که دو گروه کار را در نظام مشکل می کنند، اول آنهایی که فکر می کنند ما همیشه باید اینجا باشیم؛ این مسئله جلوی رشد را می گیرد و مانع دیگر هم آنهایی اند که رشد غیرمعمولی بدون توجه و

بـدون قـانون را می خواهنـد؛ یعنی از گرد راه نرسـیده، تمـام ساختارها را به هم می ریزنـد. هر دوی اینها، دو جریانی است که جلوی سرعت را می گیرد.

۷. آیا شما پیشنهاد خاصی برای فرهنگ سازی در این عرصه و

چون ما یک ملت عمیقاً مـذهبی هستیم، به نظر می رسـد که اگر بخواهیم فرهنگ سازی درست انجام شود، باید از مؤلفه های دینی اسـتفاده کنیم. اصولاً در فرهنگ سازی، از دو مؤلفه باید خیلی استفاده کنیم؛ بهره گیری از مؤلفه های دینی درباره همت مضاعف و کار مضاعف؛ یعنی به گونه ای که مردم دیگر کار را یک عبادت ببینند؛ چون در فرهنگ دینی ما کار یک عبادت و یـک چیز برتر است و بیکاری عار است. دوم؛ اسـتفاده از مؤلفه های ایرانی. ملت ایران در طول تاریـخ، چه پیش از اسـلام و چه پس از اسـلام، هیـچ وقت یک ملت سـربار نبوده است، توسـری خور هم نبوده است و لـذا می شود از این فرهنگ ایرانی و این حس ایرانی هم استفاده کرد برای ایجاد فرهنگ همت مضاعف و کار مضاعف. همین فرهنگ سربار نبودن و توسری خور نبودن، خود، منتهی می شود به کار مضاعف و برتری. از این دو فرهنگ اگر خوب اسـتفاده کنیم، می توانیم این حرکت را در مردم و مسـئولین، نهادینه کنیم. یک مقداری هم باید اسـتقبال کنیم از پیشنهادهای جدید و بدیع در زمینه های مختلف. بعضی هـا فکر می کننـد که کـار بیشـتر کردن از پر کردن است؛ در صورتی که کـار بیشتر کردن از خوب کـارِ کردن و درست کـار کردن است. یعنی ممکن است که شـما با یک طراحی، حتی تلاش کمتری هم بکنیـد؛ اما وقتی یک طراحی خوب دارید، این کار

نتیجه بهتری می دهد، بنابراین دنبال روش های جدید و بدیع رفتن هم خیلی خوب است.

۸. به عنوان یک رسانه ملی، نقش و جایگاه خود را چگونه باید در این مسیر ارزیابی کنیم؟

رسانه ملی هم از یک سو باید با آن دو عنصر ایرانیت و اسلامیت، اگر خوب مسئله را تبیین کند، و از سوی دیگر راهکارهای ابداعی جدید را به مردم و مسئولین ارائه نماید. واقعاً شاید یک مسئولی در حوزه کاری خود، همه آن کارهای جدید را نتواند تشخیص دهد؛ اگر کسی از بیرون به حوزه کاری آنها نگاه کند، پیشنهادهای جدیدی می تواند بدهد. رسانه، پلی است بین ابداعات و ایده های جدید برای همت مضاعف و کار مضاعف، و مسئولین و دستگاه های نظام. این پل را وقتی رسانه ایجاد می کند و این ایده ها را به سرمنزل مقصود می رساند، آن وقت یک تأثیرگذاری خوب دارد.

۹. چه رویکردهایی را در این عرصه باید دنبال کنیم؟

در موضوع رویکردهای رسانه ای نمی خواهم وارد شوم؛ چون خیلی آکادمیک می شود. ببینید، ما، هم می توانیم از منابع تاریخی و هم از منابع روایی استفاده کنیم و نمونه هایی که جامعه ما یک حرکت شتابان کرده است و موفق شده است، آنها را به عنوان الگو و نقطه برجسته، به مردم نشان دهیم. اینها در تاریخ گذشته و دور ما وجود دارد؛ مثل کارهایی که دانشمندان ما انجام دادند و یک

ص: ۱۳۳

تلاش ناگهان کردنـد و به یک نتیجه خوب رسـیدند. اینها را شـما به تصویر می کشـید و در هر قالبی هم می شود عرضه کرد؛ در قالب نمایش می شود و حتی در قالب مستند و کارشناسی هم می شود ارائه کرد. در تاریخ معاصر ما نیز این همت و تلاش وجود دارد. تلاش مضاعفی که جوانان ما در دوره ای داشته اند برای مبارزه با دشمن و دفع کردن و سد کردن حمله دشمن، و یـا مثلاًـ رفتن به سـمت یـک تکنولوژی که جامعه به آن نیاز داشـته است. ارائه این الگوها در رسانه، به مخاطب این را القا می کنـد که اگر شـما در هر بخش، حتی در بخش هـا و حوزه هـای شخصـی، می خواهیـد یک کارمنـد خوب باشـی، یک بنگاه اقتصادی را خوب اداره کنی، در همه این بخش ها وقتی ببینی که یک الگوی خوبی را رسانه به شـما ارائه می کند ــ حتی در قالب نمایش و یا مسـتند ــ می گویـد این یک تلاش مضاعفی کرد، یک ایده جدیدی را به کار برد و یک کار مضاعف کرد و یـک ثمره خیلی مضاعف تری را به دست آورد، این می توانـد هم به مردم و هم به مسـئولین ما راهکار ارائه دهـد. خود این می شود یک چیزی که مردم خودشان به آن رسـیده اند و خودشان به آن سمت حرکت می کنند؛ در هر بخشی هم که باشند، در بخش صنعت یا بازرگانی اقتصاد و سلامت و ...

۱۰. به نظر شما آیا گروهی خاص وجود دارد که بشود آن را مخاطب اصلی دانست؟

اینکه اختصـاص داشـته باشـد به یـک گروه خـاص، من قبول نـدارم. زمانی یک جامعه، جامعه پیشـرفته است که همه جای آن پیشرفته باشد. یعنی پدربزرگ من همان پیشرفتی را داشته باشد که من دارم، پدر من دارد و فرزند من دارد.

یـک جامعه بایـد منظومه وار رو به سوی پیشـرفت برود. اگر یک بخش جامعه کاملاً پیشـرفت داشـته باشـد و بخش های دیگر کاملاً پسـرفت داشـته باشـد، چه اتفاقی می افتد؟ یک رشد و پیشـرفت کاریکاتوری برای جامعه پیش می آید و بدترین اتفاقی که می افتد شـکاف نسل ها است. شـما باید روستا و شهرتان با هم پیشرفت داشته باشد. جوانت پیشرفته باشد، پدر و فرزند آن جوان هم پیشـرفته باشـند، تا این مجموعه با هم باشند. اگر شکل کاریکاتوری شود، این پیشرفت واقعی نیست؛ ضمن اینکه آن پیشـرفت، خودش در مقابل خودش می ایسـتد. دقیقاً شـما در بعضـی از کشورهای اروپایی می بینید که این شکاف ایجاد شده است و نسل ها حرف های همـدیگر را نمی فهمنـد؛ چون رشـدشان یک رشد کاریکاتوری است. اما در همین منظومه هم می شـود گفت بعضـی هـا مهم تر از بخش هـای دیگر هسـتند. موتور فعـال یـک جـامعه، بخش جوان آن است. کسـی که به سـن شصت و هفتاد رسـیده است، باید پیشـرفت جامعه را درک کند. البته اگر خود فرد، دانشـمند باشد همیشه جوان است؛ چون او خود تـا زمان مرگ، موتور محرکه نظام است. اما فرض کنیم انسان های عادی که پا به سن گذاشـته انـد بایـد این پیشـرفت را درک کننـد؛ ولی چه کسانی بایـد این پیشـرفت را ایجاد کننـد؟ بی تردید جوانانی که بین بیست سال تا نهایتاً چهل و پنج سال هسـتند؛ اینها موتور محرکه این بخش هسـتند. قطعاً سرمایه گذاری فرهنگی روی این بخش، خیلی مهم است و باید بیشتر رشد کنند و فرهنگ و ایده ها در این قشر باید بیشتر باشد تا ما یک پیشرفت جدی تری داشته باشیم.

۱۱. به نظر شــما آیا بخش هایی را می شود نام برد که نیاز به پیشــرفت بیشتری دارد و اساساً آیا می توانیم از صحبت های رهبر معظم، کُدی بگیریم که مثلاً در فلان بخش های عقب مانده باید همت بلندتر و کار بیشتری را صرف کرد؟

در اصـل، استراتژی همت مضـاعف و کـار مضـاعف مربوط به همه بخش هـاست. یعنی اینکه ما در حوزه سـلامت و اقتصاد و تولیـد علم، بحث هـای علـوم انسـانی، بحث تکنولـوژی هایتـک و همه اینهـا شامـل این بحث می شود و نمی توان یـک بخش خاص را مد نظر قرار داد. البته به اقتضای اینکه روحانی هسـتم، احساس می کنم با توجه به تأثیری که تکنولوژی پیشـرفته روی انسـان دارد، کـار بسـیار مضـاعف در ایجـاد یک جهان بینی، از کارهای حوزه های علمیه است؛ به ویژه ایجاد یک جهان بینی مطابق با این تکنولوژی ها. اگر ما یک جهان بینی اسـلامی و دقیق و پیشـرفته برمبنای روز ـ نه اینکه تغییر بکنـد، ما می گوییم که حلال و حرام پیـامبر تا ابـد حلال و حرام است، ولی نوع نگاه به جهان تغییر می کنـد و در واقع متکامل می شود ـ عرضـه کنیم، نظام اسـلامی ما پیشـرفت می کند. اگر نتوانیم در بخش های مختلف علوم اسـلامی و انسانی، آن جهان بینی اسـلامی را رشد بدهیم، آن وقت هرچه به سـمت تکنولوژی پیشـرفته برویم، از روح الهی فاصله می گیریم. من احساس می کنم که همت و کـار مضـاعف در حوزه های علمیه و آن بخش هایی که این بحث به آنها مربوط است، از کارهای ذاتی آنهاست. در رسانه هم می شود گفت این موارد، از اهـداف ذاتی و اصـلی رادیو معارف است. اگر اینها یک مقـدار کم کاری انجام دهند و حتی اگر دو برابر از آن بخش های تکنولوژی

نباشـد، عقب می افتـد و جهان بینی کم می آورد. این بخش بسـیار مهم است و هر انـدازه که پیشـرفته می شویم در تکنولوژی علوم، باید در بحث جهان بینی هم به این پیشـرفت و فهم برسیم. در جامعه آرمانی آخرالزمان هم همین گونه است. برای مثال، روایت می گویـد که همه از علوم اسـلامی علم دینشان را می داننـد؛ حتی زنی که در کابین است (در حجله است)؛ یعنی زنی که در نهان ترین جای خانواده است بایـد به همان علم و جهان بینی برسـد که آدم های مطرح در حوزه های علمیه، آن را می دانند. ممکن است آن اصطلاحات را ندانند، اما علم آن را دارند. بنابراین، در بخش ایجاد فلسفه زندگی و جهان بینی اسلامی بر مبنای همان پیشرفت، ما نیاز به کار بیشتری داریم.

۱۳. به نظر شما رسانه ملی به عنوان یک نهاد نظارتی، چه نقشی می تواند در این موضوع داشته باشد؟

مـا جز آن بحث فرهنـگ سـازی و دادن ایـده هـا و الگوهـا و نشـانه هـا، یک وظیفه ذاتی رسانه ای دیگر هم داریم. ما چشم و گوش مردم و نظام هستیم. ممکن است بخش هایی از نظام به این درک و اهمیت نرسـند و یا کارشان ضـعیف باشـد و از قافله عقب بمانند. اینکه رسانه جمهوری اسلامی و رسانه ملی، چشم و گوش همه جامعه باشد و ببیند هرکس در بخش خود، کار و همت مضاعف را انجام داد یا نه، این همان رسالت نظارتی رسانه است که البته باید یک مقدار در جامعه و در بین مسـئولین ما درک این وظیفه رسانه هم بشود. این مورد، یکی از کارهای بسـیار سخت رسانه است که بخواهد یک مسئول را ارزیابی کند. ببیند آیا غیر از این سال، اصلاً آیا این هدف را استراتژی خود برای

این سال ها قرار داده است یا نه؟ آیا اصلاح الگوی مصرف را در نظام خود انجام داده، آیا همت مضاعف داشته یا خیر؟ این موضوع، همان بخش نظارتی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی است که یکی از سخت ترین و حساس ترین وظایف آن است؛ چون به محض اینکه یک مقدار اشتباه کند، می شود سیاه نمایی؛ یعنی بیش از اینکه به نفع باشد، آسیب رسان است. اگر این رسالت درست انجام شود، می شود گفت که یکی از وظایف اصلی و کلیدی است و آن وقت که همه بدانند زیرنظر دوربین های فعال صدا و سیما هستند و این دوربین، چشم و گوش مردم است و مردم بر اساس آن قضاوت خواهند کرد، بی تردید به جامعه آرمانی مان نزدیک تر خواهیم شد.

ص: ۱۳۸

مهندس عباس معلمی (صاحب نظر و کارشناس رسانه)

۱. در مورد فلسفه و چرایی نام گذاری این سال به نام همت مضاعف

در پاسخ به این پرسش که چرا مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۹ را به این نام معرفی کرده است، چند احتمال می توان داد. بنابر یک احتمال، از آنجا که دولت کنونی در این چند سال کاری انجام نداده است و در پی این سستی و کاستی، به عقب افتادگی دچار شده ایم، رهبر معظم انقلاب با این تدبیر، دستور جبران عقب ماندگی را می دهد. از دید بنده این سخن، نابجاست و این احتمال وارد نیست. بحث دیگر درباره انتخابات ریاست جمهوری خردادماه سال گذشته است؛ چون در این زمینه، مدت ها پیش از خرداد، افراد و سازمان ها، به پیشباز انتخابات رفته بودند و این کار در بعضی امور اثر گذاشت و پس از پایان یافتن انتخابات نیز بر اثر رخ دادن حوادثی، هشت یا نه ماه کشورمان، ایران، زمان صرف کرد تا اوضاع را به دست گیرد. ضمن آنکه سیاست های خارجی و داخلی، توان و امکان عملی کردن برخی برنامه ها را از ما گرفت.

ص: ۱۳۹

همچنین به سبب فتنه هایی که در این مدت برپا شد، از بعد داخلی و خارجی، آسیب هایی وارد آمد و بعضی از کارها را تحت تأثیر قرار داد.

واقعیت این است که مقام معظم رهبری در طول دو دهه گذشته، با عهده دار شدن ولایت امر و با توجه به اوضاع کشور، دولت و مردم، روند نام گذاری سال ها را شروع کرده و البته با نقشه ای کامل آن را انجام داده است. بر این اساس، احتمال بعدی می تواند چنین باشد که مقام معظم رهبری به این نتیجه رسیده که دولت کنونی، یک دولت پرکار، فعال و آماده است. پس اگر کار مضاعف و همت مضاعف را هم از او بخواهد، این دولت توان برداشتن چنین باری را و تحمل پرداختن به چنین شعاری را دارد. ناگفته نماند این گونه برداشت از عملکردها و توانایی های دولت تا اندازه ای درست است و دولت فعلی آماده آن است که همت بزرگی داشته باشد و اهداف بزرگی را دنبال کند.

بحث بعدی، اینکه دولت و به ویژه شخص ریاست جمهوری، از همت بالایی برخوردار است و به لحاظ انجام فعالیت ها نیز در سطحی قرار دارد که دوست و حتی مخالفان و دشمنان ِسیاست های ایشان هم پذیرفته اند که آقای احمدی نژاد و دولت وی، دولتی پرکار و پرتلاش بوده است. به نظر می رسد بدنه امور اجرایی کشور، به جز هیئت دولت و یکی دو سطح پایین تر و برخی دستگاه ها مثل قوه مقننه و قوه قضاییه و دیگر نهادها، همگام با این دولت حرکت نمی کنند، بلکه ضعیف تر یا شاید با همان شتاب معمولی حرکت می کنند. بنابراین، به احتمال دیگر، این شعار هم خود هشداری است برای بخش های گوناگون کشور تا با دولت بیشتر همراهی کنند. به دیگر سخن، با سرعت بالاتری، کارهایی را که دولت توان انجام آنها را دارد، پیش ببرند.

آنچه تاکنون گفتیم، با توجه به بررسی وضع داخلی کشور بوده است. حال اگر از نگاه بیرونی اوضاع کشورمان را تحلیل کنیم، درمی یابیم که جمهوری

اسلامی ایران از روزهای نخست انقلاب تاکنون با ابرقدرت ها و قدرت های وابسته به ویژه با امریکا درگیر بوده و توانسته است در طول این سی سال، دشمنان خود را در جبهه های زیادی زمین گیر کند. از این رهگذر، انقلاب اسلامی ایران به ابرقدرتی مانند امریکا آسیب های بزرگی وارد کرده است. برای مثال در یکی دو دهه اخیر که امریکا در مدیریت دنیا دچار مشکل شده و در حل مسائل بزرگی چون مسئله فلسطین، مسئله لبنان، مسئله اقتصادی، مسئله منطقه خاورمیانه، مسئله تروریست که برساخته ذهنی خودشان است، مسئله بیداری مسلمان ها و حتی بیداری مردم دیگر کشورها، ناتوان و ناچار مانده، بدون شک اوضاع نابسامان سیاسی وی، با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، ضربه ها و شکست های بسیاری خورده است. به ویژه دولت آقای احمدی نژاد سعی کرد به عبارتی، شعارهای انقلاب را زنده کند و در آن مسیر حرکت کند. پس توانست به دشمن لطمه های زیادی وارد و آنها را زمین گیر و حتی در برخی از جبهه ها وادار به عقب نشینی کند. وقتی این وضعیت را نگاه می کنیم، به این نتیجه می رسیم که شاید خود مقام معظم رهبری هم این مطلب را در بحث سخنرانی مشهدشان اشاره داشته باشند؛ من از روی جمله شان می خوانم که سال گذشته یک درگیری سنگین بین ما و امریکا اتفاق افتاد؛ یعنی یک فتنه عظیمی به وجود آمد. امریکا حدود چند سال برای به وجود آوردن این فتنه و بهره برداری از آن سرمایه گذاری کرده بود. به اعتراف خودشان، با مدارک و مطالبی که دادند، آخرین الگوی براندازی را که در چند کشور هم به کار گرفته بودند و به انقلاب های رنگین معروف است، به کار بردند. انقلاب های بدون خون ریزی، از جدیدترین و پیچیده ترین حربه های دشمن است. امریکا این حربه را در ایران هم به کار گرفت و بحمدلله در این ماجرا شکست خورد. این برای اولین بار بود که این الگو شکست می خورد. در کشورهای دیگر پیروز

شدنـد، به غیر از ایران که شـکست خوردنـد. این مـاجرا فراتر از اینکه فتنه و حمله ای از جانب دشـمن بود و ما توانستیم آن را خنثی کنیم، امر مهمی هم در آن وجود دارد و آن این است که ما توانستیم بدل یکی از پیچیده ترین ابزارهای اسـتعمار را پیدا کنیم. این کار برای سایر کشورها و بقیه مردم نقاط دیگر دنیا می تواند الگو باشد که فتنه های رنگین هم قابلیت شکستن دارد و این ترفنـد آنها هم باطل شـده است. می دانیم که درست کردن این گونه ترفنـدها و به وجود آوردن این گونه فتنه ها مسـئله ای نیست که به سادگی از آستین هر تشـکیلاتی و هر متخصصی بیرون بریزد. اینها سال ها می نشینند، کار می کنند و فکر می کننـد تـا یـک تئوری را بسازنـد و فرمول هایی را به وجود بیاورنـد که بعـد، متناسب با آن فرمول بتواننـد مردم را تحت سـلطه خودشـان دربیاورنـد. وقتی که آن فتنه و توطئه برملاـ می شود، حاصـل کار چنـد ساله آنها و حاصل کارشناسـی دسـتگاه های مهمی که این کار را انجام می دهند، به باد می رود. به غیر از به باد رفتن آنها، مسـئله آن است که دست آنها خالی می شود و دوباره باید در جایی دیگر به پا شود و دوباره باید فکر کنند و توطئه جدید درست کنند. حالا انقلاب ما چنین ضـربه مهمی به نظام اسـتکباری وارد کرده که در صـحبت های خودشان هم می گویند نسبت به ایران دچار سردرگمی شده اند و حرف ها و رفتارهای متناقض دارنـد. این غیر از بحث سیاست چماق و هویج است. چماق و هویج درست است که ظاهراً متناقض اند، اما اینها در راسـتای یک هدف خاص به کار می برند. ما وقتی به صحبت های رئیس جمهوری امریکا و وزیر امور خارجه و وزیر دفاع امریکا نگاه می کنیم، می بینیم آنها حرف های ضـد و نقیضـی می زننـد. حتی اینها با وجود کارشناسـی های مختلفی که می کننـد، حرف های ضـد و نقیضـی می زننـد و در مقابل انقلاب گیج شده اند. من مقاله ای دیده ام از مؤسـسه تحقیق خاور نزدیک واشنگتن که در گزارشی درباره جنگ

نرم با ایران، کارشناسان مهمی صحبت کرده اند. آنها می گویند یکی از نقاط برتری ایران، جنگ روانی است. جنگ روانی توانسته است ما را شکست بدهد و جنگ روانی، نقطه ضعف ایران است که ما می توانیم به آن حمله کنیم. مثلاً مسئولان ایران از این جنگ روانی که ما آن را «تهاجم فرهنگی» می گوییم، وحشت دارند و ما باید از اینجا حمله کنیم. بعد خود گروهی که کار کرده اند، اعلام می کنند بسیاری از کارهایی که انجام داده اند، اشتباه است و باعث شده است که ایران تقویت بشود و ایران دست برتر را در منطقه پیدا کند. وقتی وضعیت این گونه است، به نظر من می رسد باید نکته ای را عرض کنیم که معمولاً مقام معظم رهبری سعی می کنند در پیام نوروزی خودشان، مختصر و مفید و کوتاه به این مسئله برسند، ولی معمولاً در برنامه بعدی شان که عمدتاً تفسیر همان سخنرانی مشهد در روز اول سال است، این بحث را شرح می دهند. خلاصه ای از بیانات ایشان را در حرم مطهر رضوی دارم که در جایی این گونه می فرمایند: «فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران گشوده شده است» و تحلیلی که ما می کنیم، به نظر می رسد که به حرف ایشان نزدیک است. یعنی ما الان که از این فتنه عبور کردیم، یک فصل جدیدی به وجود آمده و فضای جدیدی باز شده است و آن یک زمینه بسیار مهمی است که باید بر اساس این زمینه حرکت کنیم. حالا اگر همین یک جمله را که نگاه کنیم، می بینید همین که من عرض کردم، می شود. یعنی ببینید ما الان در همین فضایی که دشمن را وادار به عقب نشینی کردیم و دشمن سردرگم است، فرصت خوبی در این رقابت جهانی است که تا دشمن بخواهد به سلاح جدیدی مسلح بشود، ما باید با همت بالاتر و به عبارتی، کار بالاتر، خودمان را به نقطه هایی برسانیم تا از دسترس دشمن دور باشیم و به این زودی نتوانند به ما برسند. به نظر من این تحلیل بیرونی، به اصطلاح بر آن تحلیل های درونی حاکم است که عرض

کردم. بنابراین، سخنم را در این خلاصه می کنم که بر اساس نظر مقام معظم رهبری در بررسی بیرونی نظام، نتیجه می گیریم که در جنگ بین ایران و ابرقدرت ها، ما فعلاً در شرایطی قرار گرفته ایم که دست بالا را داریم. دشمن الان بر ما چیره نیست و در انفعال است و ما هستیم که اقدام می کنیم. پس باید این فرصت را غنیمت بدانیم و بالاتر برویم. اگر به داخل هم نگاه کنیم، می بینیم شرایط داخلی کشور هم فراهم است؛ دولت و شخص رئیس جمهور با این حرکت هماهنگ هستند و می گویند باید با این انرژی و شرایط و زمینه ای که هست، حرکت کنیم تا بتوانیم وضعیت بالا تری را به دست آوریم.

به طور خلاصه، ما در این نبرد بسیار سنگین توانسته ایم در موقعیتی قرار بگیریم که دشمن را به انفعال بکشانیم. در عین حال که به این مرتبه رسیده ایم، تهدیدهای فراوان همچنان به جای خود باقی است و لطمه های فراوانی هم دیده ایم. اگر به این قانع بشویم و غافل بمانیم، ممکن است خطر، دوباره ما را تهدید بکند، ولی اگر با همت مضاعف و کار مضاعف که ایشان بر آن تأکید می کنند، همین مسیر را ادامه بدهیم، از این گونه تهدیدهای دشمن و خطراتی که ممکن است متوجه انقلاب و حرکت انقلاب اسلامی بشود، به مرتبه ای می رسیم که این تهدیدات و خطرها را بی اثر کنیم.

جنگ میان جمهوری اسلامی و نظام استکباری، یک جنگ طولانی مدت است که جنبه فیزیکی هم داشته است. البته امروزه بیشتر شکل فرهنگی و همان حالت جنگ نرم را پیدا کرده است و در هر جنگی هم آن قدر این درگیری ادامه پیدا می کند تا یکی از طرفین از بین برود. بدین ترتیب، یا باید جمهوری اسلامی در نظام جامعه منحل بشود، یا باید این نظام استکباری فروبریزد. حال چون این اتفاق نیفتاده، همیشه این جنگ هست و فقط خاکریز

آن عوض می شود. مثل زمانی که ما با عراق می جنگیدیم؛ بعضی وقت ها آنها از داخل کشور به ما نفوذ کردند، مثلاً خرمشهر و آبادان ما را گرفتند و بعضی از شهرهای بزرگ ما را تحت تأثیر قرار دادند و بعضی وقت ها ما حمله می کردیم و آنها عقب نشینی می کردند، مثلاً ـ فاو عراق را ما هم توانستیم بگیریم. با این حال، جنگ هنوز ادامه دارد، ولی دست برنده همچنان دست ماست. در این جنگ نیز ما لطمه دیده ایم، ولی آنجا که می گوییم در سال گذشته برای ما آسیب هایی وارد شده است، یعنی ما در جنگ شهید می دهیم و بعضی از امکاناتمان از بین می رود، مثلاً جایی موشک می خورد و توپ می خورد و نفرات و امکاناتی از بین می روند. ما وظیفه داریم آنها را ترمیم و جایگزین کنیم، ولی بعد از آن مسائل، امروزه مسئله مهم این است که آن خاکریز کجا رفته است؟! الان خاکریز در خاک ماست یا در خاک آنها. ما دست برتر داریم یا آنها دست برتر دارند. الان که می خواهیم محله جدید برپا کنیم، دشمن یک تلفاتی داده و گیج شده است، باید چه کار بکنیم؟ بهتر است برویم نقاط سوق الجیشی را به دست بگیریم و تصرف کنیم. مانند آنکه در جنگ های نظامی، قله های بلند، تپه ها و کوه ها را بگیریم تا بر دشت ها تسلط داشته باشیم که دشمن نتواند به سادگی به ما حمله کند.

الان نیز همین گونه است که در فرمایشات حضرت امام= می بینیم که «من با قاطعیت می گویم که وقتی اسلام سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» امروز نیز همت بالایی که مقام معظم رهبری انتظار دارند؛ همین است که ما برویم سنگرهای کلیدی را که امام گفته اند با تلاش بیشتر به دست بگیریم و این شدنی است. ما می توانیم اینها را به دست بگیریم تا دشمن را در موقعیت ضعیف تری قرار بدهیم و خودمان را در مقابل حمله دشمن تا حدودی مصون تر کنیم.

ص: ۱۴۵

۲. مقام رهبری بر همت مضاعف و کار مضاعف توأم تأکید داشته اند، چه ارتباطی بین اینها می بینید؟ می توانستند فقط بگویند همت مضاعف و یا فقط کار و تلاش مضاعف، ولی روی هر دو مورد، تأکید داشتند؟

در ادبیات دینی ما، همان روایات و آیات، درباره «همت» حدیث های زیادی داریم. در بحث فرهنگ ایرانی خودمان نیز اشعار بسیار زیادی در مورد همت و لغت های مترادف آن وجود دارد که توصیه می کند، انسان باید بلندنظر و بلندهمت باشد.

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

همت بلند، یعنی جایی را که ما هدف قرار می دهیم و می خواهیم به آنجا برسیم، یک جای بزرگ و قابل توجهی باشد. از به دست آوردن اهداف سطح پایین دلخوش نباشیم، این می شود همت بالا؛ یعنی تعیین اهداف بزرگ. تعیین اهداف بزرگ، برای مردان بزرگ موضوع جاافتاده ای است. هرکسی که به جایی رسیده، همیشه یک همت و هدف بزرگی داشته و تلاش کرده و به آن رسیده است. اگر فرض کنیم یک دانش آموزی فقط همت و اهداف و نظر او این باشد که من دیپلم بگیرم، بالاخره دست بالای آن این است که یا دیپلم را می گیرد و یا با نمره ناپلئونی قبول می شود، ولی کسی که می گوید نه من می خواهم به دانشگاه بروم و من قرار است در یک رشته نظریه پرداز بشوم، یک کاشف و یا یک مخترع بشوم، خب به نوع دیگری حرکت می کند. نفر اول چون همتش را پایین قرار داده، ممکن است با معدل ده یا دوازده قبول بشود. کسی چون علامه شهرانی از پسرش سؤال می کند که شما می خواهید چه بشوید؟ می گوید من می خواهم مثل شما بشوم. می گوید: بنده خدا! من می خواستم مانند امیرالمؤمنین علی۷ بشوم، این شدم؛ حالا تو که می خواهی

مثل من بشوی چه خواهی شد؟! بنابراین، وقتی هدف بزرگ باشد، تلاش هم برای هدف ایجاد می شود و انسان هم به سطوح پایین تر آن بسیار راحت تر دست پیدا می کند، ولی وقتی همت پایین تر باشد، تلاش هم کمتر می شود؛ این نسبت همت و کار، نسبت هدف و مسیر است. ویژگی مضاعف برای این است که اهداف بزرگ با تنبلی و معمولی کار کردن به دست نمی آید. هم در مورد جوامع مختلف و هم در مورد اشخاص مختلف و هم در مورد سازمان ها و دستگاه های مختلف، این مطلب بارها تجربه شده است و آن اینکه اگر کسی آرزوها و هدف های بزرگی دارد، ولی حرکتی نمی کند، به جایی نخواهد رسید، در مقابل کسی هم که بسیار فعالیت می کند ولی سطح همت و سطح توقع او پایین است، این نیز خیلی زود به شکست کشیده خواهد شد. بنابراین، هم همت بالا لازم دارد و هم هدف بالا.

نکته مهم دیگری در بین فرمایشات رهبری در حرم رضوی به چشم می خورد. گاهی می خواهیم کاری را انجام بدهیم که اصلاً موقعیت آن را نداریم، یعنی همت آن را نداریم و فقط بسنده می کنیم به اینکه یک آب باریکه ای بیاید. برای مثال در زندگی شخصی، کاسبی می گوید اگر من این قدر کار کنم، برای من کافی است و بقیه را در خانه می خوریم و می خوابیم و حتی اگر بگویند ماهانه مبلغی را بدون کار کردن به شما می دهند، می گوید دیگر لازم نیست کار بکنم و می روم استراحت می کنم. از دید این آقا، کار یک امر و یک فرهنگ مادی است و کار یک وجه مذمومی دارد و فقط ضرورت دارد که انسان کار کند تا بتواند بهره برداری کند و خوش باشد. در این حالت از هر امکانی که بخواهید بهره مند بشوید، باید پول بدهید و پول خرج کنید. اگر بخواهید به مکان خوش آب و هواتری بروید و آب بهتری بنوشید، لباس بهتر بپوشید و وسیله بهتری داشته باشید، باید پول بدهید و برای پول دادن هم باید کار کنید تا پول به دست بیاورید. بنابراین، از آنجا که انسان به دنبال لذت

است، در آن دیـدگاه، کار مسـئله ای است مخالف و مغایر لـذت و در حدی ضـرورت دارد که شـما را به آن لذت ها برساند. این یک دیـدگاه غلط است؛ چرا که بنابر آن وقتی کسـی به لـذت کمتری بسـنده می کند، دیگر لازم نیست خیلی کار بکند و بعضـی وقت ها کسانی هسـتند که دلشان می خواهـد کار بکنند، ولی به این نتیجه می رسـند که ما امکانات نداریم و خود این تفکر باعث توقف می شود.

می پرسد آقا شـما چرا باید چنین مؤسسه ای بزنید و چنین کارهایی را انجام بدهید، می گوید نفر، پول و تشکیلات می خواهد که ما نـداریم. مقام معظم رهبری در صـحبت های مشـهد، نخست با تأکید بر امکانات، درباره این موضوع توضـیح دادند. اول فرمودند که بنابر تعریف قرآن از نظام مقدس اسلامی و حکومت اسلامی، شاخص عمده این حکومت عبارت است از: استقرار ایمان. ایشان در یک کلمه می خواسـتند بگویند حکومت اسـلامی، یعنی حکومت استقرار ایمان، ایمان به خدا، ایمان به تعالیم انبیا و سـلوک در صـراط مسـتقیمی که انبیای الهی پیش پای مردم قرار دادند. پس در ابتدا به صورت مقدمه گفتند که اساس، ایمان است و بعد گفتند که شـعار پیشـرفت و عدالت، یک شـعارِ محوری و مطلب اساسـی و یک نیازی است که ما باید آن را دنبال کنیم. من هم دراین باره گفتم که بله ما در این سه دهه هـدف هایی را دنبال کردیم، در دهه اول و دوم و سوم انقلاب و حالا می خواهیم بی وقفه به جلو برویم. بنابراین، اول هـدف نهایی و اسـتقرار ایمان را تعیین کردنـد و شـعار محوری شان را بر مبنای پیشـرفت و عدالت گذاشـتند، پیشـرفت و عدالت را هم تعریف کرده اند. منظور ما این است که همت بالا را خود ایشان، تعریف کرده انـد؛ یعنی اسـتقرار ایمان و پیشـرفت و عـدالت در سـطح کلان. بعـد فرمودنـد که ما یک سـری امکانات داریـم و همت برتر برای استفاده از آنها نیاز است. گفتند اکنون زمانی

است که زیرساخت های ارتباطی و مبادلاتی فراهم شـده و دانش و تحقیق و فن آوری و ابتکار علمی به وجود آمده و اعتبار و اقتدار منطقه ای و بین المللی پیدا کرده ایم. بدین ترتیب، سی سال تجربه خدمت گزاری و مدیریت داریم. سـند چشم انداز را تنظیم کرده ایم و نسل جوان تحصـیل کرده پرانرژی و پرانگیزه ای هم داریم. بنابراین اول درباره امکانات گفتند و سپس اینکه همت لازم را بالا ببریـد. کسـی نمی گویـد نمی توانیم انجام بدهیم، نمی توانیم انجام بدهیم یعنی چه؟ امکانات را داریم، پس اگر حرکت نکنید، تنبلی است. حال که امکانات وجود دارد، شما مبتنی بر امکانات، یک همت بالایی داشته باشید و در جهت استقرار ایمان، حول محور پیشرفت و عدالت حرکت کنید.

ببینید همان طور که در مورد فرد ممکن است این حرف عملی بشود، به این صورت که کسی در اهداف خود تجدیدنظر بکند و بگویـد من می توانم به جـای آنکه یـک هـدف پـایین را انتخاب کنم، به جای آنکه روزی چهار الی پنـج ساعت کار بکنم، بیایم هدفم را بزرگ تر قرار بدهم و تلاش بیشتری بکنم و راه دقیق تر و قوی تری را پیدا کنم تا به آن هدف بالاتر برسم. شبیه همین در مورد سازمان ها نیز وجود دارد. فرض کنیم هر سازمانی متناسب با اختیارها و مسـئولیت های خودش، خوب است در برنامه ها و اهـداف خودشان تجدیـدنظر بکننـد و ببیننـد، واقعاً چه اهدافی را می توانند در سـطح بالاتری به دست آورند و بعد متناسب با آن هـدف بالاتر، چه فعالیت های دیگری را بایـد انجام بدهند تا آن کار انجام بشود. البته مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند که منظور ما از کار مضاعف این نیست که کار دوبرابر شود، این را گفته ایم؛ زیرا شاید شما بگویید منظور این است که دو برابر، سه برابر، پنـج برابر و ده برابر شود. اگر شـما می توانیـد برای رسـیدن به هـدفتان، ده برابر بیشتر از آنکه الان برایش تلاش می کنید، بکوشید و البته خوب تلاش کنید. حضرت آقا فرمودند که اگر کسی

نتوانست دو برابر کار کند و کارش یک برابر و نیم شد، خب این هم ناامید نشود و مشکلی ندارد و همین را هم انجام بدهد، ولی مشخص است که وقتی می گویند همت بالا‌تر، این مسئله را نکته اول سخنان خود قرار می دهد بعد کار مضاعف را مطرح می کند. یعنی اول باید هدف را درست کرد، آن هدف، هدف کمّی نیست. مثلاً فرض کنید درباره کار خودمان (صدا و سیما)، ما تا دیروز، روزی صد ساعت برنامه تولید می کردیم، حالا باید به دویست ساعت برسانیم. یا اگر دویست ساعت برنامه داشتیم، چهارصد ساعت بکنیم. منظور این است که کمّ هم مشخص و مورد نظر ایشان است، ولی بالاتر از کمّ، کیف است، یعنی اگر ما کاری را انجام می دادیم، حالا بیاییم کار بالاتری را انجام بدهیم. پس همت بالاتر در مورد صدا و سیما یعنی چه؟! یعنی چه باید کار بالاتر انجام بدهیم؟ بنابراین اهدافی باید بریزند و بدین منظور بعضی از کارها را که اصلاً انجام نمی دادیم و فکر می کردیم که نشدنی است، بنا به گفته رهبر بدانیم که این شدنی است.

۳. مثلاً این صنعت را در کشور نداریم که باید این صنعت را بیاوریم.

ببینید مثال می زنیم که اینها هم شدنی است. شاید در مورد شدنی بودن این مسئله، این مثال ها بد نباشد. زمانی که ما نوجوان بودیم، اگر می خواستند کاری نشدنی را انجام بدهند، می گفتند: مگر می خواهید اتم بشکافید و یا مگر می خواهید موشک پرتاب کنید. بعد در دوران شاه مدام تلقین می کردند به اینکه ما مردم، لوله هنگ و آفتابه هم نمی توانیم بسازیم، حالا می خواهیم فلان کنیم! مدام تلقین می کردند به اینکه شما ناتوان هستید و نمی توانید این کار را انجام بدهید؛ این یک ضعف است و ملت کار نمی کنند، ملت دزدند،

ص: ۱۵۰

کارمندان دولت این گونه اند. ولی از زمانی که حکومت پیروز شد، یکی از شعارهای اساسی حضرت امام این بود که ما می توانیم. دولت کنونی هم دنبال همان شعار بود که «این شدنی است» یکی از لغت ها و جمله هایی است که آقای احمدی نژاد زیاد به کار می برند. بر اساس این افزایش همت است که دشمن تلقین می کند شما نمی توانید، دوست هم تلقین می کند که شما می توانید. همچنین یکی از ابعاد اصلی درگیری ما در مورد انرژی هسته ای، این است که ما توانستیم چیزی را که نشدنی می نمود، انجام بدهیم. بعد هم از این گونه پیروزی ها، در بحث تحقیقات هسته ای هم به دست آمد، در دیگر زمینه ها هم بسیار سریع به پیروزی های مهمی دست پیدا کردیم. در نانوتکنولوژی، در صنایع نظامی، در زیردریایی، موشک انداز و در اینکه ایران هواپیمای بدون سرنشین به پرواز درآورد، شخص وزیر دفاع امریکا گفت: یک خطر بزرگی برای ما است. البته چون می خواست کار را کوچک جلوه بدهد، گفت سرعت هواپیمای ایران بسیار کمتر است. ما هم می پذیریم کم است، ولی ما می توانیم آنها را کنترل کنیم. به هر حال این هم یک خطر بسیار بزرگی است. زمانی که موشک های دوربرد درست کردیم، همه اروپا و بسیاری از نقاط آسیب پذیر نظام استکباری را می توانیم زیر حیطه پرتاب موشکمان قرار دهیم. بنابراین، وقتی ما در اینجا چنین چیزهایی را به دست آورده باشیم، می گوییم این شدنی است. بعد وقتی فکر می کردیم برخی کارها ناشدنی است، توانستیم در اسلحه سازی به جایی برسیم که، در زیردریایی جزو پنج کشور دنیا باشیم. در پرتاب موشک بالستیک جزو هشت کشور دنیا بشویم، در تحقیقات نانوتکنولوژی، جزو یکی از شش یا هفت کشور دنیا بشویم، در سپاه سایبری، و به اصطلاح آنها، سپاه پاسداران ایران، جزو پنج سپاه مهم دنیا هستیم. در حالی که می دانیم کامپیوتر و اینترنت و... مربوط به ما

نبوده و از جای دیگری آمـده بوده و اینها همه تحت کنترل دشـمن است، ایران توانسـته با تلاش یک عـده از افراد باهمت، در آن زمینه ها هم پیروزی هایی به دست بیاورد که برای دنیا حیرت آور و خیره کننده است.

بنابراین، شـعارهای بزرگی را که در بعضـی جاها و بعضـی از سازمان ها و بعضـی از افراد دادنـد، افراد باهمت دنبال کردنـد و نتیجه گرفتند. سازمان انرژی اتمی به طور طبیعی مونتاژکار و واردکننده اینها بود، به دنبال این رفت. تحقیقات نانوتکنولوژی و صنایع نظامی ما هم می توانست این گونه باشـد. حتی یادم هست وقتی سـرباز بودم، یعنی در سال ۵۶، قبل از پیروزی انقلاب، ایران در مسـئله اتومبیل بنز یک قراردادی داشت، یعنی واردکننـده بود و حتی مونتاژکار هم نبود. وقتی خواست در این قرارداد تجدیـد نظری بکنـد، آلمان که می دیـد اگر این کار انجام بشود، ضـرر می کند، تدبیری اندیشـید تا آسـیب به ما برگردد. آن زمان اسلحه سازمانی کشورمان ژ.۳ بود و ژ.۳ هم یک اسلحه آلمانی است و این یک قطعه ای دارد که سوزن از داخل آن رد می شود و سختی آن قسمت که آن قطعه دارد، یک مته مخصوصی است که باید از آلمان وارد می شد، ولی آلمان این مته را نمی داد، پس مته شـکست و کارخانه تعطیل شد. بنابراین، در ایران کارخانه ژ.۳ سازی که جزو سـلاح تک نفر است و افغانی ها هم خودشان سـلاح انفرادی می تواننـد بسازنـد، اگر این مته را می خواسـتند باید قرارداد بنز را هم به سابق برمی گرداندند. حالا یک کشوری که در ساخت یک مته و در ساخت یک سـلاح انفرادی هم دچار مشکل بود، به جایی رسیده که می تواند موشـک بالستیـک پرتـاب کنـد و بتوانـد زیردریـایی بسازد و هواپیمای بـدون سرنشـین بسازد و... . یک عـده ای همت بالایی داشـتند و رفتند و نتیجه گرفتند. بنابراین، امروزه نیز هر کدام از سازمان ها متناسب با همین اهداف و مسئولیت هایی که دارند، باید در برنامه سال ۱۳۸۹ خودشان

ص: ۱۵۲

یک تجدیدنظری داشته باشند. اینکه صدا و سیما فقط بالای سطح صفحه تصویرش می نویسد همت مضاعف، کار مضاعف و یک چراغی خاموش و روشن بشود، این کارها شعاری است. البته شعار لازم است و همین شعار است که انسان را به حرکت وادار می کند، ولی اینها قدم های اولیه است، قدم های بسیار بسیار ابتدایی و پایین و اگر کسی بخواهد کاری را انجام بدهد و بگوید واقعاً من کار کردم، باید نشان بدهد که در برنامه ریزی سال ۱۳۸۹ خود تجدید نظر کرده و اهداف خود را به این میزان تغییر داده است و بعد هم قرار است این تلاش ها را انجام بدهد تا به آن اهداف برسد.

۴. چه عواملی را برای همت و کار مضاعف در جامعه مفید می دانید؟ و چه عواملی برای تحقق این شعار مفید است؟

اگر بخواهیم روشن کنیم که چرا رهبری چنین شعاری را گذاشتند، همان بحث هایی را که اول گفت وگو بیان کردیم، مطرح می شود؛ یعنی افراد جامعه اگر به موقعیت حساس داخلی و خارجی پی ببرند، فعال می شوند. به عبارتی اگر بفهمیم دشمن ما گیج است و رفته سلاح جدید بیاورد و رفته نفراتش را که از بین رفته اند، ترمیم بکند، تاکنون یک تعداد افراد در داخل کشور در جریان فتنه، رسوا و دستگیر شدند و حالا تا بخواهند نفرات جدید را جایگزین کنند، زمان می برد، تا بخواهد یک راه حل جدیدی پیدا بکند، زمان می برد، تا بخواهد بعضی از افراد درون نظام ما و یا مردم بیرون از نظام را جذب و سازمان دهی کند و طرح و برنامه برای آنها فراهم آورد، طول می کشد. وقتی ما اینها را نشان دادیم و به مردم معرفی کردیم، الان ما فرصت داریم که یکی دو تا خاکریز جلوتر برویم. بعد بگوییم همت بالاتر، قابلیت تحقق دارد و

می گوییم نباید به اهداف سطح پایین بسنده کرد. سپس بیاییم نشان بدهیم که بسیاری از چیزهایی که یک زمانی فکر می کردیم ناشدنی هستند، اینها شدنی بودند و انجام شد و در همین کشور شدنی شد؛ با همه مشکلاتی که در داخل و خارج برای ما ایجاد می کنند، اینها شدنی شد. خب مردم به حرکت می افتند و باور می کنند می توان این کار را انجام داد. وقتی امکانات داریم و می توانیم حرکت بکنیم، بهانه ای ندارند که امکانات نداریم و پیشرفت نمی کنیم. ضمن آنکه در شرایط خوبی هم قرار داریم. اینها پاسخ یک قسمتی از سؤالات مردم است و مشکل دیگر هم تنبلی کردن است و به همین که داریم بسنده کنیم. این روحیه، ما را به عقب می راند؛ چون ما در دنیا، در یک جزیره ایزوله زندگی نمی کنیم، ما با دنیا در حال مراوده هستیم، نه تنها در حال مراوده هستیم، در حال رقابت و جنگ هم هستیم و اگر ما درجا بزنیم، دشمن درجا نمی زند، دشمن ما را دور می زند. اگر ما بتوانیم این کارها را انجام بدهیم، آن وقت می توانیم به ملت یادآور بشویم که باید همت بالایی داشته باشیم. چرا ما در بعضی مسائل باید مصرف کننده کالای خارجی باشیم، چرا ما باید در علم مصرف کننده باشیم، چرا در بعضی از صنایع و محصولات کشاورزی مصرف کننده و وارد کننده هستیم؟! ببینیم که وقتی توانستیم اتم بشکافیم، وقتی توانستیم در بعضی از صنایع بسیار پیچیده مانند نانوتکنولوژی، موشک سازی و... پیشرفت کنیم، در مسائل دیگر مانند لباس و پوشاک و کفش و وسایل خانه و... که سطح تکنولوژی آنها خیلی پایین تر از آنها است، اینها را هم می توانیم بسیار راحت تر پیش ببریم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹